

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۷۳ - ۱۳ آوریل ۱۹۹۴ - دوره سوم - شماره ۸۱

KAR, No. 81, Wednesday 13 Apr - 1994

### اعلام جنگ به آنتن های بشقابی!

وزیر کشور: مبارزه با ماهواره های نیاز به قانون ندارد

این روزها دون کیشوت تازه ای در کشور ما ایران سر بر آورده است. اونیز مانند قهرمان داستان مشهور نویسنده ی نامی سروانتس از آنجا که واقعیات زندگی امروزی سر یاری با عقاید کهنه و پوسیده اش را ندارد، پای بند به تخیلات و اوام و خویش با واقعیت به مقابله برخاسته است. دون کیشوت تازه بر آمده کسی نیست جز علی محمد بشارتی وزیر کشور رژیم جمهوری اسلامی و نور چشم خامنه ای رهبران.

اما بشارتی برخلاف سلفش به جنگ آسباب های بادی نرفته بلکه آنتن های ماهواره ای را آماج حمله ی خود قرار داده است. موضوع از این قرار است که از ۲ سال پیش به تدریج و از چند ماه پیش به سرعت آنتن های موسوم به "ماهواره ای" یا "بشقابی" برپا می شود. این آنتن ها که در آغاز به شیوه ای نصب می شدند که جلب توجه نکنند اکنون بر روی بسیاری از ساختمان ها و حتی بالکن خانه ها بر احی رویت می شوند و با رسیدن قیمت آن به نصف در ظرف یکسال (از ۱۰۰۰ دلار به ۵۴۰ دلار) علاوه بر فقر ثروتمند جامعه، در

خانه های طبقه متوسط شهر نشین نیز پدیدار شده اند. آن ها مضاف بر تهران در سراسر کشور از شرق گرفته تا مرکز و جنوب ایران، در شهرهای مشهد، اصفهان و شیراز با سرعتی بمبارت بیشتر از تهران در حال افزایش هستند. به گزارش روزنامه ی سلام تنها در ماه گذشته روزانه ۴۰۰ آنتن بشقابی در تهران نصب شده است. واهمه ی حکومتیان از دستیابی مردم به اطلاعاتی که از فرستنده های تلویزیونی خارجی پخش می شود به حدی است که بحث جلوگیری از آنتن های بشقابی اخیراً بار دیگر به هیئت دولت کشیده شد.

بشارتی وزیر کشور رژیم اخیراً بدون استناد به هیچ قانونی، آنتن های ماهواره ای را ممنوع اعلام کرده و به نیروهای انتظامی دستور داده است که این آنتن ها را که تعداد آنها در تهران و شهرستان ها ۵۰ هزار عدد بر آورده می شود، ظرف ۲ ماه جمع آوری کنند. او گفته است: مبارزه با ماهواره های نیاز به قانون ندارد و وظیفه ی ماست، همانطور که با راز دل و ابیاش و مفاسد اجتماعی ادامه در صفحه ۲

### موج جدید گرانی در آغاز سال نو

نرخ خدمات پستی و مکالمات تلفنی افزایش یافت

هزینه ارسال پستی روزنامه ها تا ۱۵ برابر بالا رفت

قیمت انواع تلویزیون، لوازم خانگی و اتومبیل ۲۰ تا ۵۰ درصد اضافه شد

سال نو با موج جدیدی از گرانی آغاز شد. مردم هنوز تعطیلات نوروزی را پشت سر نگذاشته بودند که با بالا رفتن قیمت تعداد قابل ملاحظه ای از کالاها مواجه گشتند. دولت رفسنجانی مثل سالهای قبل در این کار پیشقدم بود.

برای چندمین بار در سالهای اخیر نرخ خدمات پستی توسط وزارت پست، تلگراف و تلفن افزایش یافت. در این رابطه نرخ یک پاکت عادی تمبردار به ۱۲۰ ریال، پاکت سفارشی ساده ۲۰ گرمی به ۵۲۰ ریال و بیشتر از ۲۰ گرمی به ۷۰۰ ریال، سفارشی کسیرس از ۲۰ گرم به بالا به ۱۱۰۰ ریال، پست پیشتاز از ۵۰ گرم به بالا به ۲۰۰۰ ریال افزایش پیدا کرد.

این در حالی است که نرخ حمل امانات خارجی نیز افزایش یافته است. افزایش نرخ خدمات پستی نه تنها بر مشکل ارتباطات پستی میان مردم افزوده است، بلکه بهای خدمات فرهنگی و به ویژه ارسال

روزنامه ها را به میزان ۱۵ تا ۱۵ برابر افزایش داده است. بر اساس نرخهای جدید هزینه ارسال یک شماره روزنامه کیهان در تهران از ۶ ریال به ۱۰۰ ریال رسیده و برای توزیع شهرستانها این مقدار از ۱۰

ریال به ۱۵۰ ریال رسیده است، بهای ارسال پستی یک شماره از این روزنامه به آسیا از ۲۴۰ ریال به ۱۴۱۰ ریال به اروپا از ۳۲۵ ریال به ۱۷۵۰ ریال و به آمریکا و اقیانوسیه از ۴۹۵ ریال به ۲۰۹۰ ریال رسیده است. بنوشته مطبوعات کشور نرخ مکالمات تلفنی از اول سال ۷۳ تا ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت.

از ابتدای سال جدید شرکت های تولید کننده نوشابه گازدار (شرکت ساسان و زمزم) ادامه در صفحه ۲



از فرط گرانی به کالا های کوپنی روی آورده اند، اما کالای کوپنی نیز کمیاب است

### از مقاومت ها و تعارض ها چشم نپوشید!

در صفحه ۶

### میل به شاد زیستن

### در روانفسای

### دشوار یها

گزارشی از برگزاری

آئین های نوروزی

در صفحه ۴

### رشد جمعیت،

### امکانات کشاورزی

### و آینده ای

### هراس انگیز

در صفحه ۵

### اعتصاب کارکنان شرکت واحد در شیراز

بر اثر اعتصاب رفت و آمد در شهر یک روز مختل شد

آخر صورت گرفت. کارکنان شرکت واحد به اعتراض علیه آن چیزهایی برخاستند که مورد اعتراض همه مردم است و زندگی در ایران را روز به روز دشوارتر می کند. به همین جهت اعتصاب آنان انعکاس گسترده ای در میان مردم شیراز یافت و همدردی وسیعی را برانگیخت. بر اساس آخرین گزارشها، این اعتصاب غروب روز شنبه پایان یافت. هنوز از نتیجه اعتصاب گزارشی نرسیده است.

روز شنبه ۲۰ فروردین ماه کارکنان شرکت واحد در شیراز دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب به دلیل بی توجهی ارگانهای دولتی به خواستهای کارکنان شرکت واحد به وقوع پیوست. بنا به گزارشهای رسیده بر اثر اعتصاب ترافیک و رفت و آمد در سطح شهر به مدت یک روز مختل شد. اعتصاب شرکت واحد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ها و دستمزدها و موج کمزشکن گرانی هفته های

### تشنج دوباره در مناسبات تهران و ریاض

عربستان سعودی مجددا تیره گردید.

موضوع مناقشه تعداد زائران ایرانی است که باید به مکه اعزام شوند. عربستان سعودی می گوید آمادگی پذیرش تنها ۶۰ هزار نفر زائر حج از طرف ایران را دارد، اما مقامات جمهوری اسلامی می گویند بر اساس توافق سال ۷۰ میان وزرای خارجه دو کشور، ایران می تواند ۱۱۵ هزار نفر زائر به مکه اعزام دارد. اعزام زائران ایرانی به مکه در پی تظاهرات خونین برائت از مشرکین در سال ۶۶ که منجر به کشته شدن حدود ۴۰۰ تن از حجاج ایرانی و غیر ایرانی شد، متوقف گردید. با اینکه در سال ۷۰ میان دو کشور برابری سرگیری اعزام زائران ایرانی به مکه توافق حاصل شد، اما مسئله تعداد هنوز به ریاض ترفقه مناسبات با

### از شهادت بیژن جزنی و همزمانش ۱۹ سال گذشت

### نمونه درخشانی از دانایی و پایداری



اما سوری همه نگاهها در راستای یک نیمکره بود. یک روی سکه را می دید یعنی سیاست ها و انتخابهای ما را می سنجد و به اینجا می رسد که ای کاش نمی کردیم و یا چه خوب که چنان کردیم. آنسوی دیگر نیمکره - شاید هم بحق - در مسردید نبود. سوئی که حوادث را، اما نه به انتخاب ما رقم می زند.

اما راست این است که آنگاه که چشم خانه ی هریک از ما نگاه ما را از گذشته دور به سوی حال و آینده می چرخاند، چون به تلخی ها می رسد، گزش آن را با درد و دریغ می چشد. دریغی که همزاد با سرشکستگی است و دریغی که با سربلندی همراه است. در این چرخش تلخ ترین صحنه ها خاطره شهادت یارانی است که به تیغ استبداد کشته شدند و در این میان خاطره شهادت زنده یاد

۳۰ فروردین ۱۹ سال پیش، ۹ زندانی سیاسی را بی هیچ جرمی با دستان بسته به تپه های مشرف بر زندان اوین بردند و نا جوانمردانه به رگبار مسلسل بستند. یاران فدایی: بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، سعید مشعوف کلانتری، عزیز سمرمدی، محمد چوپانزاده و جلیل افشار، به همراه مجاهدین خلق مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار قربانی این جنایت وحشیانه شدند.

ساواک خیر این کشتار نا جوانمردانه را با این عنوان به روزنامه ها داد: ۹ زندانی در حال فرار کشته شدند. این دروغ راهیج کس باور نکرد و بعد تر جلا دان اوین خود اعتراف کردند که چگونه این ۹ مبارز لا و را با دستان بسته به رگبار گلوله بستند. خاطره بیژن جزنی و دیگر یاران او، در میان فدائیان همواره مانده و خواهد ماند.

چندی پیش بمناسبت بیست و سومین سالگرد تاسیس جنبش فدائیان خلق ایران نشریه "کار از آن که دست کم دوره ای را در این سازمان تاثیر گذار بوده اند پرسید مهمترین نقطه ضعف و یا نقطه قوت این جنبش را طی بیست و سه سال چه می دانند و یک مسیر ایده آل را چگونه می بینند. پرسش شوندگان به این سئوال پاسخ گفتند و جالب اینکه هر یک از یک زاویه. هیچ دو پاسخی همسان نبود و هر کس نیک و بد آنچه بر ما گذشته را طوری دید که با دیگری متفاوت بود.

### وزارت خارجه جمهوری اسلامی: نیروهای ارمنی قره باغ هواپیمای ایرانی را سرنگون کرده اند

نیروهای ارمنی مستقر در منطقه قره باغ کوهستانی سقوط کرده است. گزارش همچنین حاکی از آن است که هواپیمای مذکور در پی تغییر ناگهانی و شدید فشار هوا و شوکسته شدن پنجره ها و ادا ربه پرواز به سوی مناطق کم ارتفاع شده بود و ناوبری برج های کنترل منطقه به خلبان کمک و او را راهنمایی نکرده اند. ادامه در صفحه ۲

هیئت کارشناسی ویژه ای که از سوی جمهوری اسلامی مأمور بررسی علل سقوط هواپیمای ترابری ایران بود پس از گذشت ۱۰ روز از سقوط این هواپیما گزارش خود پیرامون علت سقوط این هواپیما را منتشر کرد. هیئت نامبرده در گزارش خود گفته است هواپیمای ایرانی در اثر اصابت یک موشک ضد هوایی

### وزارت خارجه آمریکا: تهران به حد کافی علیه قاچاق مواد مخدر مبارزه نمی کند

در گزارشی که اخیرا وزارت خارجه آمریکا تهیه کرده و انتشار داده است، رژیم اسلامی متهم شده است که نه تنها به حد کافی علیه قاچاق مواد مخدر مبارزه نمی کند، بلکه در گسترش آن در نقاط مختلف دنیا دست دارد. در این گزارش به همین اتهام از دولتهای دیگری چون سوریه، سودان و لیبی نیز نام برده شده است. دولت جمهوری اسلامی در برابر این گزارش واکنش بسیار تندی نشان داد. کمال خرازی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل گفت: دولت جمهوری اسلامی

بسیار پیش از توان خود در مبارزه با مواد مخدر سرمایه گذاری کرده است و سالانه دهها نفر از اعضای نیروهای انتظامی در مبارزه با قاچاق و قاچاقچیان کشته می شوند. وی گفت جمهوری اسلامی به خاطر موارد زیاد اعدام قاچاقچی حتی مورد انتقاد کشورهای غربی است. بر اساس این گزارش دولت آمریکای می تواند مانع برخی کمک ها و وام های مجامع بین المللی به دولت جمهوری اسلامی شود. از این جمله یک وام ۴۰۰ میلیون دلاری از سوی بانک جهانی است که گویا بر سر آن ادامه در صفحه ۲

### دوایی شماره

خصوصی سازی با اقتصاد ایران چه می کند؟	صفحه ۸
چرا مجاهد دروغ می نویسد؟	صفحه ۹
پایان راه حلهای	صفحه ۹
بارد یگر از باورها - ۷	صفحه ۷

### یادداشت

## پاسخی به آقای رفسنجانی

امسال هاشمی رفسنجانی برای نخستین بار در بیامی نوروزی ایرانیان مقیم خارج از کشور را مخاطب قرار داد و آنان را متعلق به ایران و سرما به های علمی و فنی کشور خواند که باید ارتباط خود را با داخل قوی تر کنند. رفسنجانی مدعی شد رژیم جمهوری اسلامی با استمداد از اسلام، قرآن و مردم استوار مانده است و دعوت وی نه از روی ضعف می باشد. رفسنجانی در پایان سخنان خود گفت امیدوار دریافت جواب مساعد است.

تلاش برای جلب سرمایه ها و متخصصان ایرانی مستقر در خارج از کشور به ایران، اهتمامی جدید نیست. این تلاش از اجرای برنامه پنج ساله اول، برنامه تعدیل اقتصادی بود که حتی پیش از شکست این برنامه و سیاست حاکم بر آن به شکستی فاحش انجامید. تکرار دوباره این دعوت از سوی رفسنجانی نیز سرنوشته مشابهی که کوشش های پیشین خواهد داشت.

ما همواره گفته ایم بازگشت ایرانیان مقیم خارج به کشور مستلزم فراهم آوردن پیش زمینه هائی خاص است. برای بازگشت مهاجرین ایرانی به کشور، باید زمینه های این مهاجرت، عللی که موجب ترک دیار شده هزار ایرانی شده اند، از میان برداشته شوند. در کشوری که حیثیت آدمی با زیجه تصمیمات صدها هزاران ارگان کوچک و بزرگ و افراد مسئول و غیرمسئول است، نه تنها سبب بازگشت موجود نیست، بلکه علت ترغیب به مهاجرت وجود دارد. بدون تضمین ساده ترین حقوق هر فرد مبنی بر تعیین شیوه زندگی شخصی خود و عدم دخالت در شخصی ترین مسائل زندگی مردم، بدون تضمین آزادی های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، بدون تنظیم یک برنامه اقتصادی معقول، دعوت از توده مهاجران به بازگشت، بی نتیجه است.

این واقعیتی است که بازگشت ایرانیان مقیم خارج از کشور به زاد و بوم خود، امکانات مثبت بسیاری را برای خود آنان و پیش و پیش تر آنان برای میهنمان فراهم تواند کرد، اما این امر تنها در چارچوب نظامی معتدل و معقول بر دم و کراسی امکان پذیر است که حقوق انسانی بشود و حد و دیوار عدالت اقتصادی و اجتماعی را محترم می شمارد. اگر ایرانیان مقیم خارج از کشور چشم انداز روشنی برای خود و کودکانشان در موطن خویش نداشته باشند چگونه می توان با دعوتی خشک و خالی آنها را به بازگشت راضی کرد؟

ما همواره اعلام کرده ایم که تمایل داریم آن بخش از نیروهای مان که در خارج از کشور به سر می برند به ایران برگردند، اما آیا امروزه شرایط این بازگشت مهیاست؟ مگر نه اینکه جان آن بخش از نیروهای ما و نیز سایر فعالین سیاسی را خطراتی پدید می آید که اگر در صورت بازگشت به ایران از تلاش در راه طرح و پیشبرد نظرات خود دست نکشند؟

چرا باید پیام دعوت حکومتی را پذیرفت که سرکوب گر هرنده، زمزمه و پچپچه انتقادی است که در سراسر میهن ما از گلوئی خودی و غیر خودی بر می خیزد؟ چگونه می توان به پیام دعوت رئیس دولتی یا ویرانگر که سیاست رسمی حکومتش ترور نیروهای سیاسی مخالف مقیم خارج است؟

در طی دوسه سالگی که از پیام های از این دست رفسنجانی و برخی دیگر از سران رژیم می گذرد، نه تنها هیچ تغییر مثبتی پدید نیامده است، بلکه همه چیز از وضع اقتصادی، تا حقوق اولیه اجتماعی روبرو فقیران رفته و سخن سران رژیم از آزادی های سیاسی و دمکراسی تنها به یک شوخی تلخ می ماند. و به همین دلیل است از آن عده معدودی هم که بازمی گردند کمتر کسی است که حاضر به ماندن و تحمل زندگی در زیر سایه ملایان می شود. شرایط به گونه ای است که نه تنها ایرانیان مقیم خارج را تشویق به بازگشت نمی کند بلکه بسیاری از مردم و به ویژه جوانان را ترغیب می کند که وطن خویش را ترک کنند. تا وقتی وضع چنین است برد عواید خود پسندانه آقای رفسنجانی هیچ نامی جز فریبکاری نمی توان نهاد. رئیس جمهور حکومت اسلامی باید این را بداند که دوران این فریبکاری ها سپری شده. امروز کمتر کسی را می توان با حرفهای زیبا که هدفشان پوشاندن اعمال زشت است فریب داد. ایرانیان قسم حضرت عباس رئیس جمهور اسلامی را باور نخواهند کرد، دم خروس آن واقعیتی را خواهند دید که از لای عباوی وی سر برود کرده است. آنان که خواهان بازگشت به کشورند هیچ چاره ای ندارند جز آنکه امیدها و نیروهای خود را معطوف به تلاشهایی سازند که هدفشان بطور واقعی تغییر شرایط جهنمی است که زندگی در ایران را دشوار برای بسیاری ناممکن ساخته است.

## تشنج دوباره...

ادامه از صفحه ۱

حکومت در صدد حل و فصل ماجرا از طریق مذاکره با عربستان سعودی هستند. از جمله بزودی رئیس قوه قضائیه بر خلاف حملات روزنامه ها به عربستان گفت مسئله حج مسئله ای دوجانبه است و مقامات و مسئولان دو کشور باید بطور دوجانبه و بر اساس واقعیات مسائل موجود را بدور از مسائل حاشیه ای چون مطالب روزنامه ها حل کنند. بزودی مسائل مطروحه در روزنامه های تهران را "هیاهوی چند روزنامه چی" خوانند.

هرچند در روزهای اخیر مناقشات تهران - ریاض حول موضوع حج متمرکز شده است، اما موضوع نفت و سیاست های متفاوت در اوپک یکی دیگر از زمینه های اختلاف است. این اختلافات خود بیش از هر چیز تحت تاثیر اختلافات سیاسی و رقابت های ایدئولوژیک دو رژیم برای کسب رهبری بر جهان اسلام است.

## اخراج سر کنسول جمهوری اسلامی از نروژ

محمد موحد سر کنسول جمهوری اسلامی در اسلوه دستور وزارت خارجه نروژ از آن کشور اخراج شد. این نخستین بار است که نروژی یکی از کارکنان سفارت ایران را اخراج می کند. اتهام وی اقدام به فعالیت های بی بنیاد بوده که با ششون دیپلماتیک سازگار نبوده اند. با وجود سکوت وزارت خارجه نروژ در رابطه با دلیل اخراج، خبرگزاری فرانسه با استناد به منابع مطلع در اسلو گزارش داد که محمد موحد به جاسوسی در میان پناهندگان سیاسی می پرداخت. وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز در یک اقدام متقابل به

## تبلیغات مجاهدین علیه کنسرت سیماینا در دانمارک

به مناسبت سال نو و کنسرت، یکی توسط خانم سیماینا به دعوت محافل هنری ایرانیان مقیم دانمارک و دیگری توسط عارف به دعوت دانشجویان طرفدار "شورای ملی مقاومت" در دانمارک برگزار گردید.

چون این دو کنسرت بطور همزمان اجرا می شد، مجاهدین از این تصادف زمانی استفاده کرده و تاوانستند دست به تبلیغات و شایعات علیه خانم سیماینا بزنند، از جمله اینکه: شایع نمودند که کنسرت سیماینا لغو شده است. شایع نمودند عارف را مجاهدین و سیماینا را جمهوری اسلامی دعوت کرده اند. شایع نمودند خانم سیماینا با مطبوعات خارجی مصاحبه کرده و ادعا کرده زنان در جمهوری اسلامی آزاد هستند و زشت تر از

## تهران به حد کافی...

ادامه از صفحه ۱

در دستور کار این موسسه قرار دارد. صرف نظر از اهداف گزارش وزارت خارجه آمریکا و واکنش تهران، رژیم اسلامی در سالهای گذشته بر استیلا مبارزه سرسختانه ای را علیه قاچاق مواد مخدر پیش برده است. این ادعا از جانب مقامات جمهوری اسلامی به حقیقت نزدیک است اما، این نیز عین حقیقت است که برغم همه این مبارزه جویانه، هم قاچاق مواد مخدر و هم اعتیاد به مواد افیونی در این سالها بشدت گسترش یافته است. شمار معتادین سر به میلیونها نفر زده و قاچاق مواد

## نیروهای ارمنی...

ادامه از صفحه ۱

هواپیمای ترابری سی - ۱۳۰ متعلق به نیروی هوایی ایران ساعت ۲۰ و ۲۳ دقیقه روز ۱۷ اسفند ماه (۱۸ مارس) در مسیر پرواز از مسکو به تهران در نزدیکی استپاناکرت مرکز قره باغ سقوط کرد. این هواپیما حامل ۳۲ سرنشین بود که تمام آن ها در پی سقوط آن جان دادند. دولت ارمنستان از انحراف صد کیلومتری در مسیر پرواز هواپیما سخن به میان آورده است. معاون وزیر امور خارجه این جمهوری تأیید کرده است که خلبان ایرانی به قصد ورود به حریم ارمنستان با برج کنترل ایروان تماس گرفته بوده است. دولت ایران بر نقض فنی به عنوان عامل سقوط این هواپیما بر فراز منطقه خان کندی قره باغ مصر است. خبرگزاری ایتر تاس در اولین واکنش هان نسبت به سقوط هواپیما ایرانی اعلام کرد قصد هواپیما جاسوسی بوده است.

کارشناسان نظامی روسی گفته اند سقوط هواپیما تنها در نتیجه اصابت یک موشک ضد هوایی ممکن بوده است. خبرگزاری فرانسه استقرار موشک های ضد هوایی متعدد در منطقه را تأیید کرده است. مقامات دولتی جمهوری آذربایجان مدعی دردست داشتن نوار گزارش ساقط کردن یک هواپیمای ناشناس از سوی نیروهای ارمنی مستقر در منطقه ایروان شده اند. در پی انتشار گزارش هیئت کارشناسی ویژه، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با صدور بیانیهای پی گیری سقوط هواپیمای مذکور را حق محفوظ جمهوری اسلامی دانست و از دولت ارمنستان خواست مسببین حادثه را مشخص و مجازات کند. روزنامه کیهان در ستون تفسیر سیاسی روز ۱۰ فروردین ماه خود علاوه بر آن خواستار پاسخ دولت های آذربایجان و گرجستان به مسئله عدم کمک و راهنمایی ناوبری برج های کنترل آن ها به هواپیمای ایرانی و توضیح مسکو بر امون علت تغییر مسیر پرواز هواپیمای ترابری ایران شده است. کیهان از جمله دولت ارمنستان را به کشاندن پای دیگران به جنگ و گسترده دامنه آن متهم کرده است.

## موج جدید گرانی...

ادامه از صفحه ۱

قیمت تولیدات خود را افزایش دادند. تا پایان سال ۷۲ قیمت هر پتر نوشابه ۱۳۰ ریال بود. اما در سال جدید هر پتر نوشابه به بهای ۱۳۵ ریال بین عاملان فروش توزیع شده است که اکثر آنها هم هر پتر نوشابه را به ۲۰۰ ریال و در برخی موارد به ۲۵۰ ریال به مصرف کننده می فروشند. از سوی دیگر شرکت کوکاکولا که سال قبل با تبلیغات پرسرو صدا هر پتر نوشابه را از ۲۵۰ ریال به ۲۰۰ ریال کاهش داد در سال جدید مجدداً نرخ آن را به ۲۵۰ ریال افزایش داد. در تعطیلات نوروز قیمت میوه ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش یافت. این افزایش در حالی صورت می گیرد که امسال عرضه میوه زیاد بود و حتی برخی میوه فروشان نیمی از انبارشان دست نخورده است. گل نیلویی همین مدت شاخه ای ۱۰۰ تا ۱۵۰ ریال گران شده است. کیوسک های فروشنده گل شهرداری که ظاهراً وظیفه تعدیل قیمت ها را بعهده دارند، قیمت ها را با نرخ مغازه ها یکسان کرده اند.

قبل از عید نیز قیمت پرشاک، خشکبار، آجیل و شیرینی بطور محسوس و بی سابقه ای افزایش یافت. همچنین انواع تلویزیون، لوازم خانگی و کامپیوتر در یکماه آخر بین ۲۰ تا ۵۰ درصد بالا رفت. نرخ دلار که با تصمیمات دولت در اواخر سال قبل از ۲۷۰ تومان در بازار آزاد به ۲۳۰ تومان کاهش یافته بود، دوباره در هفته اول سال نوبه ۲۴۰ تومان و در هفته دوم به ۲۵۳ تومان رسید. معلوم نیست در هفته ها و ماههای آتی نرخ دلار تا چه حدی افزایش خواهد یافت و ارزش ریال تا چه حدی پائین خواهد آمد. با افزایش مجدد نرخ ارزهای خارجی، این خوش بینی که تمدید زمان بازپرداخت بدهی های جمهوری اسلامی به برخی از کشورها، نرخ ارزها را به میزان قابل توجهی کاهش دهد، از میان رفته است و شرایط روانی افزایش قیمت ها را

## اعلام جنگ به...

ادامه از صفحه ۱

مبارزه کنیم با این مسئله نیز مقابله کنیم. "بشارتی هم چنین گفت: در سال جدید با کسانی که از این آنتن های غیر قانونی (؟) استفاده می کنند برخورد خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد که فرهنگ اسلامی ما با این ماهواره ها که سمبل بی نظمی و تبلیغ ارزش های ضد فرهنگی است آلوده و یا مخدوش شود. این در حالیست که جندی پیش نمایندگان مجلس شورای اسلامی گفته بودند برای ممنوع کردن آنتن های ماهواره ای به قانون احتیاج است و چنین قانونی در حال حاضر وجود ندارد.

بشارتی تیزی داشته باشد و ورشته ی کار در این زمینه هم همچون ویدئو از دست آقایان در رفته است. ممنوع کردن ویدئو به مدت طولانی نتوانست از نفوذ آن به کلیه شهرها و حصاروستاهای دور افتاده جلوگیری کند. آقای بشارتی یا شمیر چوبین خود نمی تواند به جنگ ۵۰ هزار آنتن ماهواره ای که بعضاً در ملاء عام و عمدتاً از مدت ها پیش به خوبی جاسازی شده اند برود بپوشد آنکه جهان مادر آستانه ی پیدایش نسل جدیدی از آنتن های دریافت کننده از ماهواره های می باشد که احتیاج به یک بشقاب بزرگ در پشت بام ها ندارد و از طریق آنتن های معمولی امواج را دریافت و تقویت می کند. گیرنده های جدید ماهواره ای مراحل آزمایشی خود را گذرانده و در

سالهای آتی در سطح گسترده وارد بازار خواهند شد. در شاهکار چاودان سرواننس قهرمانی دیگر بنام "سانکوپانزا" وجود دارد که خادم و مهندس کیشوت است. وی با وجود ساده لوحی چون دچار خیالیابی و توهمات سرور خود نیست در عین احترام و وفاداری به او چون واقعیت را لمس می کند و با آن عناد نمی ورزد، با وجود تمکین از دون کیشوت بارها بلند پروازی های وی را کنترل می کند. شوخی روزگار در نمایش کمدی درامی که پهن شد میهن عزیزمان متأسفانه صحنه ی نمایش آن گشته است برای ایفای نقش "سانکوپانزا" نیز بازیگر مناسبی یافته است.

میرسلیم نور چشم دیگر خامنه ای و وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی اخیراً گفته است: "سالهاست درباره ی آمدن ماهواره ها بحث می کنیم اما هنوز در این مورد بلا تکلیف مانده ایم و پاسخی برای اینکه چه باید بکنیم نیافته ایم. من نمی توانم بگویم از برنامه های ماهواره ای استفاده بکنیم یا نکنیم زیرا در این زمینه نباید با عجله و از روی احساسات اظهار نظر کرد. ماهواره الان آمده و در شهرهای میزری و تهران مردم برنامه های آن را تماشا می کنند. عده ای عقیده دارند که باید با موضوع ماهواره جزمی و جدی برخورد کرد. اما من نمی گویم این عقیده غلط است یا درست است بلکه می گویم باید در این باره بحث کرد."



### گذرنامه‌ها تعویض می‌شوند

منوچهر متکی معاون وزارت امور خارجه ی رژیم اعلام کرد که از نیمه ی دوم سال جاری تعویض کلیه ی گذرنامه‌های عادی آغاز خواهد شد. وی در مورد انگیزه ی تعویض گذرنامه‌ها گفت: "در گذرنامه‌های جدید معیارها و ضوابط جمهوری اسلامی ایران مدنظر قرار گرفته شده و امکان جعل آنها وجود ندارد".

خبرها حاکی است که اخیراً در آشفته بازار موجود کشور، باندهای جعلی گذرنامه تعداد زیادی از گذرنامه‌های جمهوری اسلامی را جعل کرده و به فروش رسانده‌اند. به این سبب قرار است گذرنامه‌های جدید کاملاً توسط کامپیوتر تهیه شوند تا امکان جعل آن‌ها به سادگی مسرتناشد.

در اولین مرحله از این اقدام کلیه ی گذرنامه‌های سیاسی و خدمت که ویژه ی خروج کارگزاران و مأموران دولت ایران می‌باشد، تعویض شده است و خروج آنها تنها با گذرنامه‌های جدید میسر است.

صفحات داخلی گذرنامه‌های جدید دارای تصاویر خمینی و آرماگه حافظ خواهد بود.

### "اتوشیلی"

#### در دادگاه برلین

همانطور که در شماره گذشته نشریه کارگزارش شد، در ماه گذشته میلادی اشمید با همراهانگ کتنده فعالیت سازمانهای امنیتی دولت کهل در دادگاه برلین حضور یافت و پیرامون ملاقاتهای خود با فلا حیجان و تلاشهای وی برای جلوگیری از تشکیل این دادگاه توضیح داد.

دادگاه در هنگام حضور اشمید باوئر، پدیرای یک شخصیت سیاسی مشهور دیگر آلمان بود که سخنان خود را خطاب به وی با این جملات شروع کرد: "آقای وزیر! اینجا وکیل مدافع نیست، من مدعی این پرونده هستم."

اتوشیلی بعنوان وکیل حزب دمکرات کردستان ایران برای اولین بار در دادگاه حضور یافت. او را کمتر کسی است که در آلمان و به ویژه در محافل سیاسی آن شناساند.

شهرت اتوشیلی همراه با هاینریش بل نه تنها به خاطر بنیانگذاری جنبش سبزها، که بیشتر به واسطه دفاع از متهمین بادرمانین هرف در دهه ۷۰، آنهم در شرایط فضای اربعایی که در آن سالها دولت آلمان بوجود آورده بود، می‌باشد. ۲۰ سال پیش اتوشیلی در مقابل اسلاف اشمید باوئر از مطالبات سیاسی و عدالت خواهانه متهمین بادرمانین هرف و حقوق آنان دفاع نمود، بدون آنکه پرورش مبارزه آنها یعنی عملیات مسلحانه صحنه بگذارد.

حضور اتوشیلی در دادگاه برلین دفاع او از قربانیان تروریسم نشان داد که این پرونده به مصافی بین نیروهای دمکرات ایران و رژیم اسلامی بدل شده، جریان تاجه حد مورد توجه نیروهای ترقی خواه این کشور قرار دارد. و این نیروها دست پر خلاق روشی که دولت بن در پیش گرفته، مبارزه با تروریسم را فراتر از مرزهای کشور خود نیز می‌گیرند. اتوشیلی پس از قبول وکالت پرونده "میکونوس" وصیت نامه خود را نوشت و به ثبت رساند!

قابل ذکر است که طی دو هفته گذشته جلسات دادگاه برلین تعطیل بود و کارگزارش مربوط به دادگاه را از شماره آینده پیش می‌گیرد.

### پیامهای نوروزی سران رژیم

## کارها در حال پیشرفت است!

حالی پدید آوردن یک تمدن است. پایه تمدن بر صنعت و تکنولوژی و علم نیست پایه اصلی تمدن بر فرهنگ و پیشرفت و معرفت و کمال فکری انسانی است.

رفسنجانی در پیام خود مطابق معمول پیشرفت‌های برنامه اول را برشمرد. بگفته او: "برنامه اول برای کشور بسیار کار کرد که آثارش نیز بتدریج نمایان می‌شود. اولین اثرش استحکامی است که کشور در مقابل حوادث و توطئه‌ها پیدا کرده است، زیربنای کشور را نیرومند ساخته‌ام. در برنامه با توجه خاصی که به کارهای زیربنایی و سازندگی‌های اصولی و اساسی شد در اکثر موارد ما مجدداً در اول خوبی پیدا کردیم." او در مورد مسائل فرهنگی و آموزشی گفت: در زمینه فرهنگی و سیاسی مردم ما در سطح بالایی از شعور و آگاهی دینی و سیاسی قرار دارند. و در زمینه آموزش در دانشگاهها، مدارس، برای سواد آموزان و هم حرفه و فن همه جا از برنامه جلوتر هستیم. بحمدالله بیش از یک میلیون دانشجو در دانشگاهها یمان در حال تحصیل هستند.

رفسنجانی در مورد مسائل اقتصادی اظهار داشت: کشاورزی ما هیچ قابل مقایسه با ۵ سال قبل نیست سطح تولید بسیار بالا آمده و ما به خود کفایی نزدیک شده‌ایم. معادن را قفل و صنایع مادر را تقویت کردیم ما امروز صادرکننده فولاد، مس و آلومینیم، سه ماده اصلی صنایع دنیا هستیم و در کشور هیچ کمبود نداریم. صادرات کشور تقریباً در این مدت چهار برابر شده است. در برنامه اول اشیاء با بازار برای ما مهم بود و بر کردن خلاءها به پشتیبانی از تولیدات و فعال کردن صنایع مان که بحمدالله کاربرزگی صورت گرفت و صنایع فعال شدند.

رفسنجانی در این پیام بطور

خامنه‌ای و رفسنجانی بمناسبت سال نو پیام‌هایی فرستادند. خامنه‌ای در پیام خود وجدان کار و انضباط اجتماعی را بعنوان شعار سال ۱۳۷۳ اعلام داشت و گفت: "... دو چیز را از آغاز سال شروع کنیم و بعنوان شعاری برای خودمان قرار دهیم آن دو چیز عبارتست از وجدان کار و انضباط اجتماعی که دوشاخ اصلی بسیار مهم است. هر کس و در هر کجا که هستیم وجدان کار را در کاری که بگردن گرفتیم و تعهد کردیم رعایت کنیم... و به تعبیر معروف برای کار سنگ تمام بگذاریم. اگر ملتی دارای وجدان کار باشد محصول کار او خوب خواهد شد و وقتی محصول کار نیکو شد وضع اجتماعی بطور قطع بهبود پیدا خواهد کرد.

خامنه‌ای اضافه کرد: ممکن است هر کسی تحلیل‌های گوناگون نسبت به مسائل مختلف کشور داشته باشد اما راه حل مشکلات همین دو چیز است که عرض کردم اول وجدان کار و دوم انضباط اجتماعی. از همین جا باید انضباط اجتماعی را شروع کنیم و در همه مسائل ائلمان تا مسئولیت‌های بالا و بر خورد با مسائل کشور به آن توجه کنیم.

خامنه‌ای در مورد وضع فعلی کشور اظهار داشت: امروز خوشبختانه کارها در حال پیشرفت است. من این را با اطلاعات و آگاهی از مسائل کشور به شما عرض می‌کنم. البته این مطلب را مردم ما و هم بسیاری از کسانی که در مسائل جاری حضور دارند حس می‌کنند. خامنه‌ای در این پیام مسئله پی‌ریزی یک تمدن را مطرح نمود و گفت: "ما در حال پیشرفت، سازندگی و بنیای یک تمدن هستیم. مسئله این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و فقط گلیم خود را از آب بیرون بکشیم، مسئله این است که ملت ایران همچنان که در شان او است در

### نمونه درخشانی از ...

ایران که پدیده‌ای جهانی بود. موجی بود که همه جا تن به دریا می‌گرفت. رشد استقبال از اعمال خشن در میان نسل جوان دهه ۱۳۴۰ نه ناشی از تصمیم و تبلیغ این یا آن کس که جریان بیشتر خود انگیزه بود. و کنشی بود در برابر اعمال زور و خشنوت دستگاه حاکم. نالای زندگی و مبارزه بی‌زن نشان داد که او نه تنها مشوق مردم به رها کردن شیوه‌های مسالمت آمیز مبارزه نبود بلکه مشوق و مبلغ مردم در این مسیر بود و خود نیز آن سالها که دیکتاتوری فرست می‌داد در جبهه ملی دوم از فعالترین مبارزان بود. و بالاخره همه خرده گیران می‌دانند که او را نه بموجب ارتکاب ترور و خشنوت، بلکه به دلیل نفوذ و اعتباری که در جنبش داشت، به دلیل بیمی که از نوخ و شها متش داشتند مخفیانه در زندان به قتل رسانیدند. قتل جزئی نه به حکم دادگاه، بلکه هفت سال پس از دادگاه - که وی را به پانزده سال محکوم کرده بود - و به دستور مستقیم شاه انجام گرفت. می‌توان با جنبش فدائیان و با نظریات زنده یاد بیژن و پیرامون نمربخشی و نظمن مقصود شیوه ی مبارزه چریکی مباحثه کرد.

اما قطعاً نمی‌توان عمل و اندیشه آنان را تقبیح کرد و آنان را محکوم نمود. ما گزیزه که دیگر امروز فریب و تشدید مبارزه مسلحانه را به سود و در راستای استقرار دمکراسی در کشور

ارزیابی نمی‌کنیم، اما در عین حال نه دمکراتهای کردستان و نه دیگران را به دلیل توسل به خشنوت گناهکار و مجرم تلقی نمی‌کنیم. تروریسم دولتی، حداعمال خشنوت و حدیبی قانونی حاکم بر رفتار رژیم شاه و رژیم حاضر جانی برای گناهکار و مجرم شناختن کسانی که خشنوت را با خشنوت پاسخ می‌دهند باقی نمی‌گذارد. آنان که در برابر تروریسم دولتی دست به خشنوت می‌زنند خود قربانی خشنوت اند نه عامل آن. نمربخشی این شیوه مبارزه در حصول دمکراسی برای ایران یک چیز و مقایسه این شیوه و پیروان آن با روش حکومت و ماهیت عمل آن بکلی چیز دیگری است. این مقایسه‌ای غیر عادلانه است.

اما محبوبیت بیژن در میان فدائیان، ستایش بی‌وقفه از او و جای که او در قلب همه مبارزان راه آزادی یافته راز دیگری دارد. او قیل از اینکه یک مبلغ مبارزه مسلحانه باشد، یک سیاستمدار تیزهوش و برجسته بود، او در میان نسلی که دیکتاتوری امکان و فرصت تربیت سیاسی را از آن گرفته بود شخصیتی بود که قدرت تحلیل صحیح رویدادها و روندها را داشت. قدرت پیش بینی و تطبیق عمل سیاسی خود با آینده را داشت، او قدرت تشخیص امکانات و ظرفیت بالقوه و تبدیل آنها به بالفعل را

### در حاشیه رویدادها

## "بنده پاسخی ندارم"

علی اکبر سعیدی سیرجانی نویسنده صاحب نام و استاد پیشین دانشگاه او اواخر اسفند ماه گذشته - انطور که اکنون روشن شده - در یکی از چاپخانه های تهران به همراه یکی از همکارانش دستگیر شد. تاکنون هیچ مقامی از مقامات ریز و درشت رژیم اسلامی توضیحی در این باره نداده که سیرجانی چرا دستگیر شده و کجاست و چه حال و سرنوشتی دارد. روزنامه‌های وابسته به حکومت نوشتند که سیرجانی "به اتهام حمل مواد مخدر" بازداشت شده است. اما این توضیح مسخره حتی برای خود این روزنامه‌ها نیز قابل قبول نبود، و گفته دلیلی نداشت که همین‌ها از وزیر کشور در مصاحبه مطبوعاتی هفته گذشته اش درباره بازداشت سیرجانی سؤال کنند.

اما جالب تر پاسخی است که بشارتی وزیر کشور به سؤال درباره بازداشت سیرجانی داده است. اومی گوید: "پاسخ این سؤال را باید از وزیر محترم ارشاد اسلامی بپشنوید، بنده پاسخی ندارم." معمولاً تا بحال ما مرزین بگیر و ببند رژیم اسلامی یا از طرف وزارت اطلاعات و امنیت بودند و یا از نیروهای انتظامی که وابسته به وزارت کشورند. هر چند در آس شله قلمکاری بنام نظام اسلامی نیاید از چیزی تعجب کرد، اما واقعا جای تعجب دارد که درباره بازداشت سیرجانی بجای مقامات قضایی و انتظامی، وزیر ارشاد باید توضیح دهد. با این پاسخ بشارتی، روزنامه نویسان جمهوری اسلامی باید از شرم سرخ شوند که گوش به سخن بالائی‌ها سپردند و نوشتند: "سیرجانی به اتهام حمل مواد مخدر بازداشت شده است." حال باید توضیح دهند اتهام حمل مواد مخدر "چه ارتباطی به وزارت ارشاد دارد؟"

## "در شهر شایع شد که ..."

"در یک شب مهتاب که آسمان بکلی خالی از ابر بود و فرص ماه در آسمان می‌درخشید و تاریکی ناشی از قطع برق هم جلوه آن را دوچندان کرده بود، ناگهان در شهر شایع شد که تصویر خمینی در ماه پیدا است. ساعتی نگذشت شعار خدا خودش گواهی، خمینی توی ماهه" در شهر بر سر زبانها افتاد. پیدا بود که باز یک شایعه و توطئه ای در کار است تا حداقل مساله غلطی را در جامعه مطرح کنند و مردم را به جای مخالفت و مبارزه با طاغوت به بحث و جدل میان خودشان سرگرم سازد.

این سخنان از آن آقای دکتر غلامعلی حداد عادل است که از مجله رشد (آموزش معارف اسلامی) نقل شده است. حتماً آقای دکتر حداد عادل ادعا ندارند که این گفته، نظرایشان و سایر سرآمدان نظام اسلامی در آن روزهای بود که در شهر شایع شد...، چرا که آنوقت باید بپذیرند "شبانه براسب سفید ظاهر شدن امام حسین و ابوالفضل در جبهه های جنگ" نیز توطئه صدام برای خام کردن و مشغول نمودن بسیجی‌ها و وسپاهیان اسلام در جبهه‌ها بوده است.

این نیز حقیقت ندارد که اینها به پوچی خرافاتی چون پیدا شدن تصویر خمینی در ماه پی برده‌اند، چرا که فرهنگ خرافه و خرافه پرستی یکی از پایه‌های وجودی آنهاست.

بنابراین دلیل چنین اظهار نظری از سوی کسانی چون آقای حداد عادل را باید این دانست که فرهنگی که تصویر خمینی را در ماه می‌دید یا امام حسین را سوار بر اسب سفید در جبهه‌ها شاهد بود، اکنون گریبان نظام اسلامی را گرفته و موجب درد سرهای تازه‌ای برای آن شده است. حکایت چند ماه پیش "تنور روشن" در مبارکه اصفهان که حکومت تنها توانست بالشکر کشی آنرا آرام کند، تنها ماست نمونه خروار است.

داشت. او شجاعت اظهار نظر، شجاعت تصمیم گیری و شجاعت رهبری داشت. او سازمانگری قابل بود.

بیژن ۳۱ سال داشت که به زندان افتاد و ۳۹ سال داشت که بیکرش را در تبه‌های اوین به خون کشیدند. او تا ۳۱ سالگی کارنامه‌ای داشت، که هیچکس، مطلقاً هیچکس را از نسل او ایاری رسیدن به آن نبود. او استاد فلسفه بود و با نام دکترای فلسفه را در دست تهیه داشت. او به هتر نقاشی عسقی می‌ورزید و خود نقاشی چیره دست بود. آثار گرانقدر او نمایشی از روح سرکش اما بی‌نهایت مهربان و تیزبین اوست. او استاد ادبیات فارسی بود. انگلیسی را روان صحبت می‌کرد. تسلط او به شعر کلاسیک و مدرن زبانزد همگان بود.

بیژن تاریخ معاصر کشورش را مویه می‌دانست. حافظه‌ای عجیب داشت. با پول کارش درس خواند، مسئول اصلی تأمین زندگی فامیلی بزرگ بود، فامیلی که زندان و پیگرد بیست ساله تک تک اعضای آن، راه امرارزندگی را بر وی آنها بسته بود. او یکی از موفق ترین موسسات تولیدی و اقتصادی کشور را ساخت و اداره کرد. وقتی سال ۴۶ به زندان می‌رفت او همسر و دو پسر داشت، ۸ ساله و ۵ ساله. و تا سال ۴۶ پنج بار به زندان افتاده بود. دو بار در رابطه با حزب توده ایران و سه بار به خاطر عضویت

در سازمان های جبهه ملی ایران. تاریخ هر نسل برای خود نابغه‌های خود و قهرمانان خود را دارد. نابغه‌ها و قهرمانهایی که الگو الهام بخش هزاران و گاه میلیونها پوینده‌ای است، که از بی آن نسل هر یک به عشقی یا به امیدی، به دریای زندگی دل می‌زنند. اما بسیار کم است الگویی که این هردو خصلت را با هم برد: نابغه‌ای که قهرمان شود.

یک تفاوت بزرگ جنبشها - و نیز احزاب - سیاسی با سایر موسسات اجتماعی این است که احزاب و جنبشها فقط در درون خود، آنهم طی روندی که گاه بیست، سی سال و بیشتر طول می‌کشد می‌توانند مدیران، مسئولان و رهبران خود را پرورش دهندند. آنها هیچگاه نمی‌توانند کسی را در بازار کار بیایسته کار خود بیابند و در جامعه کم توسعه یافته‌ها که پیدا استند اشکار و صریحان احزاب سیاسی را همواره هدف مقدم خود شناخته است، قتل نابغه قهرمانی که جنبش چپ به بهای رنجهای بی‌پایان و انتظاری بس طولانی در دل پرورد، زخم خنجر می‌شد بر قلب روح این جنبش. رخمی که هنوز هم دروغم آن باقی است. زخمی که برای جنبش مایک سرچشمه الهام ویرای عمالین دانای آن عامل در غده‌ای مداوم است.

## گزارشی از برگزاری آیین های نوروزی میل به شاد زیستن در وانفسای دشواری ها

امسال نیز حکومت آخوندها برای مقابله علیه برگزاری مراسم نوروز هر چه در توان داشت بکار گرفت. بعد از حوادث شب چهارشنبه سوری در تهران که در جریان آن دهها تن مجروح و صدها تن بازداشت شدند، بگیر و ببند جوانان ادامه یافت. پاسداران هر

جمعیت در خیابانها جای سوزن انداختن نبود. همه برای خرید عید به خیابان آمده بودند، اما کسی جرئت دست بردن به جیبش را نداشت. کسی را امکان تشریفات سفره رنگین نیست. در دیدو بازدیدها عموم به جایی و اندک شیرینی کتفا کردند.

اکثر مسافران نوروزی راهی اصفهان، گیلان، شیراز، تبریز و بندرعباس بودند. در ایام عید به گفته وزیر کشور بیش از ۲۸ میلیون نفر به مسافرت رفتند. در شهرستانها، مسافران نوروزی مسافرخانه به مسافرخانه دنبال سرپناه بودند. انبوه جمعیت در مسافرخانه ها موج



میزد. و اگر مسافری که در مرکز از تهران، تعطیلات عید را راهی ولایت شدند. شهرستانهایی که برای راهی از قزوین امید یافتن کار و زندگی وارد تهران شده اند، می گویند دولت عمدتاً علیه گران و افزایش سرسام آور هزینه زندگی در تهران اقدام نمی کند تا آنان به شهر و روستایی که از آن کوچ کرده اند، برگردند.

اکثر شهرستانیهای ساکن تهران، تعطیلات عید را راهی ولایت کردند. شهرستانهایی که برای راهی از قزوین امید یافتن کار و زندگی وارد تهران شده اند، می گویند دولت عمدتاً علیه گران و افزایش سرسام آور هزینه زندگی در تهران اقدام نمی کند تا آنان به شهر و روستایی که از آن کوچ کرده اند، برگردند.

کسی را در گوشه و کنار شهر در لباس حاجی فیروز دیدند، بازداشت کردند. قریب ۴۰۰ تن به اتهام تکدی و شیادی در لباس حاجی فیروز دستگیر شدند. فرمانده نیروی انتظامی به صراحت اعلام داشت، سنت حاجی فیروز قاشق زنی غلط است و باید برچیده شود. در ساعاتی که پاسداران در ماشین های گشت و در لباس میل در به در به دنبال حاجی فیروز بودند، در میدان بهیجت آباد روی نیمکت های آبی دلالان مواد مخدر در حال معامله بودند. اینجا به گفته موسوی اردبیلی جوانان نا نشان را توی هروئین تیلیت می کنند. مردم می گویند پاسداران سرنارازا سرگشاده می زنند و گرنه گران فروشان و محتکران را ول نکرده، حاجی فیروز معترض گران و احتکار را جلب نمی کنند. گران امان مردم را بریده است. در آستانه عید از فشرده گی انبوه

### ۴۰۰ حاجی فیروز را دستگیر کردند

دشمنی رژیم جمهوری اسلامی با سنت های کهن ملت ما در روزهای نوروز امسال اشکال تازه ای به خود گرفت. پاسداران رژیم که در روزهای قبل از عید برای برهم زدن مراسم چهارشنبه سوری مردم بسیج شده و هزاران نفر را برای برپایی آتش و برگزاری مراسم قاشق زنی دستگیر کرده بودند، در اولین روزهای سال

## حیوهای کوتاه

### خودسوزی یک ایرانی در آنکارا

یک ایرانی ساکن آنکارا در جلوسا ختمان سازمان ملل متحد دست به خودسوزی زد. وی که جعفر جولان نام دارد بلافاصله به بیمارستان منتقل شد و حال وی وخیم گزارش شده است.

گفته می شود که وی پدر یکی از ایرانیانی بوده که دولت ترکیه آنها را به ایران پس فرستاده است. ایرانیان بازگردانده شده قصد داشتند در کشور ترکیه از سازمان ملل متحد تقاضای پناهندگی کنند.

### هزاران پرنده در خطر نابودی اند

به گفته رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان جیرفت، بر اثر آتش گرفتن یک خودرو، صدها هکتار از علفزارهای خشک در ناحیه جازموریان دچار حریق گشت، متعاقب این آتش سوزی هزاران پرنده کوچنده در خطر نابودی قرار گرفته اند. این حادثه به علت عدم توجه و اقدام سریع مسئولین محیط زیست، منطقه جازموریان و دیگر مناطق اطراف آن را بشدت آلوده ساخته است.

### تمدید مهلت تعویض شناسنامه ها

مهلت درخواست تعویض شناسنامه ها که قرار بود تا آخر اسفند ماه ۱۳۷۲ باشد، ۳ ماه دیگر یعنی تا آخر خرداد ۱۳۷۳ برای ایرانیان داخل و خارج از کشور تمدید شد. سازمان ثبت و احوال تهدید کرده است که دارندگان شناسنامه های قدیمی که در مهلت تعیین شده اقدام به تعویض شناسنامه خود نکنند به دادگاه معرفی خواهند شد.

### بزرگداشت زرتشت در ایران

روز شنبه ۶ فروردین ماه (۲۶ مارس) مراسم بزرگداشت آئین زرتشت پیامبر ایران باستان با حضور پیروان آئین زرتشتی در شهرهای مختلف ایران برگزار شد.

زرتشت در سن ۷۷ سالگی در کنار یارانش و در حال نیایش در یکی از معابد شهر بلخ به قتل رسید. بنا بر روایات، زرتشت و همراهان وی در شهر مزارشریف افغانستان دفن شده اند.

### درگیری مسلحانه در بندر ماهشهر

در نخستین روز از سال نو درگیری نسبتاً سنگینی در بندر ماهشهر رخ داد. این زد خورد مسلحانه منجر به تعطیلی تاسیسات شرکت نفت و دهها مرکز صنعتی شهر گردید. علت این نزاع اختلافات طبایفه ای دیرینه گزارش شده است. مردان مسلح دوطایفه با بکارگیری اسلحه گرم بطرف یکدیگر آتش گشودند. طی سال گذشته در این بندر چندین نمونه قتل، دستگیری، راهزنی و سرقت های مسلحانه صورت گرفته بود.

### تعطیل ۱۷ روزه روزنامه ها

روزنامه های اطلاعات، همشهری و سلام که از پرتیراژترین نشریات کشور به شمار می روند از ۳ روز پیش از آغاز تعطیلات نوروزی تا چهارده روز پس از آغاز سال نو منتشر نشدند. از سوی دیگر روزنامه های کیهان، جمهوری اسلامی و ایراریک هفته زودتر انتشار خود در سال جدید را از سر گرفتند. هنوز علت اصلی وقفه ی طولانی بی سابقه در انتشار روزنامه ها روشن نشده است.

### ممنوعیت ساعت طلا برای مردان

انجمن طلا کاران ایران از اعضای خود خواسته است که از این پس از خرید و فروش و تعمیر ساعت های مچی طلای مردانه خودداری نمایند. این انجمن اعلام کرد که این تصمیم بر اساس استفتاء از روحانیون قم و دریافت پاسخ مبنی بر ممنوعیت حمل ساعت های طلا برای مردان اتخاذ شده است.

گفته می شود که در زمینه ی مصرف ماهی های بی فلس نیز سختگیری ها افزایش یافته و مقدار زیادی ماهی بدون فلس خریداری شده از خارج پس از ورود به کشور نابود شده است. در گذشته بر مبنای صدور فتوایی از خمینی تغذیه از بعضی از انواع این ماهی ها مشروع تلقی می شد.

### "جوان تر" شدن جمعیت ایران

نتایج نهائی سرشماری سال ۱۳۷۰ در هفته پایانی سال گذشته انتشار یافت. بر اساس این آمار میانگین سنی ایرانیان از ۱۷ سال به ۱۷/۶ سال رسیده است. همچنین نسبت جمعیت صفر تا چهار ساله به کل جمعیت کاهش یافته است. ۵۷ درصد ایرانیان مقیم شهرها هستند. زنان ۴۸/۵ درصد جمعیت را تشکیل می دهند. سن اولین ازدواج برای مردان از ۲۳/۸ سال به ۲۴/۴ سال و برای زنان از حدود ۲۰ سال به حدود ۲۱ سال افزایش یافته است.

### یک استاد برای هر ۸۵ دانشجو

علی اکبر عنایتی رئیس دانشگاه علوم کشاورزی گرگان در گفتگویی خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت در ایران تنها یک استاد برای هر ۶۵ دانشجو موجود است، در حالی که استاندارد جهانی یک استاد به ازای هر ۱۵ نفر می باشد. بر اساس گزارش معاون وزارت فرهنگ و آموزش عالی دانشگاه های ایران در اوایل سال ۷۱ دارای ۱۰ هزار استاد و ۸۵۸ هزار دانشجو هستند. با این حساب نسبت فوق الذکر یک به ۸۵ است.

### دستگیری شهردار چالوس

شهردار چالوس، چند تن از کارمندان شهرداری این شهر و یک پیمانکار به اتهام اختلاس و رشوه خواری دستگیر شدند. بر اساس اخبار رسیده، آنها در ازای اجرای درخواست مراجعه کنندگان از آنان قطعه ای زمین و یا پول دریافت می کرده اند.

سنبل آسا در شیراز هزاران مسافر بی پناه را غافلگیر کرد. مردم اسباب اندک خود را جمع کرده برای گریز از باران به بازار وکیل، سرای مشیر، شاه چراغ و سالن شهرداری پناه بردند. در استان گیلان مسافران نوروزی را بارش باران کلافه کرده بود. برای یک میلیون نفری که به انزلی، رشت، آستارا، لاهیجان و طالش وارد شده بودند، فقط ۴۵ هزار نفر در هتل ها و میهمانخانه ها جا داشتند. آنان که بی جا و مکان بودند به علت بارش ناگهانی باران و پرودت هوا چاره ای جز بازگشت نداشتند. مسافران آذربایجان و جنوب ایران، بندرعباس، دزفول و قشم از اقبال بیشتری برخوردار بودند. مسافران بندرعباس می توانستند با استفاده از اتوبوسهای دریایی خود را به قشم برسانند و از نزدیک به شرف های اقتصادی آن را ببینند. از سه سال پیش که قشم به عنوان منطقه آزاد اعلام شد، چهره جزیره تغییراتی کرده و زاپتنی ها داوطلب سرمایه گذاری شدند. قشم امروز، به آن صورتی که پیش بینی و تبلیغ می شد، نیست. زاپتنی ها کنار کشیده اند، برنامه های تجاری و صنعتی و طرح های زیربنایی متوقف و با به حالت را کد رآمده است.

روز سیزدهم عید را مردم بنا به سنت و رسم دیرینه بیرون از خانه و در صحرا و باغها در زیر آسمان لا جوردی و درختان تازه شکوفه کرده سپری کردند. روز سیزدهم پدر پارکها و دشت های سبز اطراف شهرها و کنار رودخانه ها و جویبارها مملو از جمعیتی بود که آمده بودند نحوست سیزده را در دامن طبیعت به در کنند و سبزه های نورسته را که در منازل برای هفت سین کاشته بودند به جویباران بپارند، به امید یمنی خوش، به امید آنکه سال نو، سال سرسبزی و شادابی باشد. در تهران بیش از یک میلیون نفر سبزه پزیر و در ییلاق های اطراف شهر به در کردند. در پارک لاله و پارک ملت و ... گروه جمعیت کوچک و بزرگ مشغول تفریح و تفرج بودند. هر خانواده به وسع خود بقچه ای بسته و سفره ای آماده کرده بود.

## رویدادهای ورزشی

### تنیس:

#### ایران به دور سوم صعود کرد

اول بر عربستان غلبه کرد و در دور سوم (۹ تا ۱۱ اردیبهشت) با برنده تیم های تایوان و پاکستان مسابقه خواهد داد و در صورت پیروزی در این دیدار به گروه یک منطقه آسیا و اقیانوسیه صعود خواهد کرد.

#### جام راجیو گاندی:

#### ایران پس از کره جنوبی دوم شد

تیم ملی امید ایران (زیر ۲۱ سال) در فینال مسابقات دومین دوره جام راجیو گاندی در هندوستان با نتیجه سخت ۳ بر صفر از کره جنوبی شکست خورد و دوم شد. در این مسابقات ۶ تیم شرکت داشتند. تیم ایران در مسابقات مقدماتی نیز با کره



تیم سایپای تهران در دیدار برگشت در اهواز، مقابل تیم جنوب این شهر یک بر یک مساوی کرد و با توجه به تساوی بدون گل در تهران، قهرمان جام حذفی کشور شد. تیم سایپا پیش از این فاتح مسابقات قهرمانی باشگاه های کشور شده بود. دیدار برگشت دو تیم را ۴۰ هزار نفر تماشا کردند.

### انتصابات در فدراسیون فوتبال

روابط عمومی فدراسیون فوتبال (سجاد صادقی) را به عنوان دبیر جدید فدراسیون فوتبال اعلام کرد. صادقی تا پیش از این رئیس هیات فوتبال استان تهران بوده است. رئیس فدراسیون فوتبال، طی حکم دیگری مجید جلالی را به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال جوانان ایران منصوب کرد.

### جام حذفی فوتبال:

#### سایپا قهرمان شد

تیم سایپای تهران در دیدار برگشت در اهواز، مقابل تیم جنوب این شهر یک بر یک مساوی کرد و با توجه به تساوی بدون گل در تهران، قهرمان جام حذفی کشور شد. تیم سایپا پیش از این فاتح مسابقات قهرمانی باشگاه های کشور شده بود. دیدار برگشت دو تیم را ۴۰ هزار نفر تماشا کردند.

### مذال طلای عباس جدیدی پس گرفته شد

بر اساس رای دادگاه فدراسیون بین المللی کشتی (فیلا)، عباس جدیدی کشتی گیر ملی پوش ایران به مدت دو سال از شرکت در کلیه مسابقات های داخلی و بین المللی کشتی محروم شد. عباس جدیدی در مسابقات جهانی سال ۹۳ در تورنتو



## بیانیه تهران-۷۲

آلودگی بیش از حد هوای تهران و خطراتی که از این رهگذر سلامت و تندرستی جمعیت ۱۰ میلیونی این شهر را تهدید میکند، ظرف سالهای اخیر موضوع بحث و گفتگو و مسائلهای متعددی بوده است. تلاش دو، سه ساله اخیر شهرداری تهران در ایجاد فضای سبز، از آنجائی که با متوقف ساختن و ازدور خارج کردن وسایل نقلیه شدیداً دودزا همراه نبوده، هیچ تأثیر چشمگیری در بهبود هوای تهران نداشته است. اخیراً ستاد مرکزی معاینه فنی خودروهای تهران گروهی از پزشکان و جامعه شناسان، دست اندرکاران مطبوعات و رسانه های گروهی، کارشناسان محیط زیست و... را فراخواند که برای چاره جویی در مورد آلودگی هوای تهران به چاره اندیشی بپردازند. این گروه پس از نشستهای متعدد بیانیه روشنگرانه و هشدار دهنده ای را تنظیم و برای مقامات مسئول و مردم تهران منتشر نمود. در این بیانیه که به بیانیه هوای تهران-۷۲ نام گرفته در ذکر علل آلودگی هوای پایتخت به مصرف روزانه بیش از هشت میلیون لیتر بنزین و دو میلیون لیتر گازوئیل به صورت ناقص بوسیله بیش از یک و نیم میلیون اتومبیل، موتورسیکلت، اتوبوس و دیگر وسایل نقلیه اشاره شده است. مصرف این مقدار مواد سوختی روزانه ۵۲۰۰ تن ذرات مونواکسید کربن، ۷۵۰ تن هیدروکربن، ۱۸۴ تن اکسیدازت، ۴۳۲ تن اکسید گوگرد، ۱۹۰ تن ذرات معلق و ۵ تن سرب وارد هوا میکند. متأسفانه وضعیت اقلیمی و جغرافیائی تهران به گونه ای است که آلودگیهای یاد شده مدت زیادی در سطح زمین و فضای تنفسی انسانها باقی میماند. در تهران در بخش عمده ای از سال "اورونگی جوی" یا "اینورژن" حاکم است، بدین معنا که هوا را کد میماند و بالا رفتن و پراکنده شدن آلودگی از محیط تنفس و زندگی انسانها تقریباً متوقف میشود.

مطابق اندازه گیریها تراکم گاز مونواکسید کربن اغلب به ۵۰ جزء در میلیون میرسد، در حالی که بالاترین حد مجاز این گاز بر اساس معیارهای سازمان جهانی بهداشت ۹ جزء در میلیون است. مقدار هیدروکربنهای موجود در هوای تهران نیز ۹۰ برابر حد مجاز است. بیانیه سپس به بیماریهای جسمی، روانی و اجتماعی که آلودگی هوا برای انسان بیمار می آورد و نیز به آسیبهای خطرناک این آلودگی برای کودکان پرداخته و دربرشردن علت آلودگی هوای تهران به تردد انبوه خودروها و موتورسیکلت های معيوب و فرسوده در این شهر اشاره می کند. بر اساس مندرجات بیانیه ۷۰٪ آلودگی هوای تهران ناشی از مسئله فوق است. یکی از پژوهشگران محیط زیست بر آن است که، طبق استانداردهای بین المللی تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد اتومبیلهای موجود در تهران مجاز به تردد هستند. اما راست این است که استفاده بیشتر مردم از وسیله نقلیه خود مستقیم یا غیر مستقیم به معیشت آنها مربوط میشود و از دیگر سوسطح زندگی و قدرت خرید مردم در حدی نیست که وسایل نقلیه فرسوده خود را با وسایلهای نو تر تعویض کنند. در همین راستا است که بیانیه ۷۲ پیشنهاد سرویس و تنظیم اجباری وسایل نقلیه در هر شش ماه را مطرح کرده است تا بدینسان از احتراق نا کامل و تولید غیر عادی گازهای سمی جلوگیری شود. به نظر نویسندگان بیانیه این اقدام هوای تهران را ظرف یکسال از بحران کنونی نجات میدهد و با تمهیداتی همچون گازسوز کردن وسایل نقلیه عمومی، اصلاح کیفیت سوخت، تبدیل به احسن تدریجی خودروهای فرسوده، گسترش هر چه بیشتر حمل و نقل عمومی و... سلامت و پاکیزگی آن تأمین میگردد.

بیانیه در انتها رفع آلودگی را نه وظیفه این یا آن ارگانها و نهاد مشخص، بلکه وظیفه همه مردم و دارندگان وسایل نقلیه دانسته است.



## رشد جمعیت، امکانات کشاورزی و آینده ای هراس انگیز

● در سالنامه های آماری وسعت جنگلهای کشور ۱۸ میلیون هکتار به ثبت رسیده که این مقدار مطابق آمار سال ۶۴ به ۱۲ میلیون هکتار کاهش یافته و در سالهای اخیر به کمتر از ۷ میلیون هکتار رسیده است.

گزارش زیر با عنوان "خطر افزایش جمعیت در ایران" توسط خیرگزاری جمهوری اسلامی تهیه شده و در روزنامه رسالت به چاپ رسیده است. آمار وارقامی که این گزارش درباره امکانات کشاورزی و محصولات غذایی نسبت به رشد جمعیت کشور ارائه می دهد، آینده ی نگران کننده ای را تصویر می کند. خلاصه ای از این گزارش را می خوانید:

جمعیت ایران طی ۹۰ سال گذشته تا ۱۳۷۰ شمسی به میزان شش برابر افزایش یافته و بیش بینی می شود، طی ۲۰ سال آینده به بیش از ۱۲۰ میلیون نفر افزایش یابد.

طبق سرشماری سال ۱۳۷۰ جمعیت ایران ۵۵ میلیون ۸۲۷ هزار ۱۶۳ نفر بود و در حال حاضر این رقم از مرز ۵۷ میلیون نفر گذشته است. برای جلوگیری از افزایش بی رویه جمعیت در کشور و با توجه به افزایش بیش از ۲۵ میلیون نفر طی یک دوره ۱۵ ساله تا ۱۳۷۰ خصوصاً در دهه ۶۰ اجزای اقدامات اساسی و جدی برای کنترل موالید در کشور مورد تأکید کارشناسان است.

کشور ما با رشد ۳/۹ درصدی بالاترین رقم رشد جمعیت را تا چند سال گذشته در اختیار داشت و مسئولان جمعیتی کشور می گویند که در حال حاضر نرخ رشد جمعیت به ۲/۳ تقلیل یافته است. کارشناسان امور جمعیتی سهم ایران را از ۹۰ میلیون نفری که هر ساله به جمعیت جهان اضافه می شود، ۲ میلیون نفر تخمین زده اند. مطابق آمارها همچنین ۶۲ درصد افراد کشورمان را جمعیت زیر ۲۵ سال تشکیل می دهد که میانگین سنی مردان ۲۲/۴۱ و میانگین سنی زنان ۲۱/۸۳ سال می باشد که به این ترتیب کشور ما در ردیف کشورهای جوان دنیا قرار می گیرد. بین سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ در سراسر کشور ۲۰ میلیون و ۷۰ هزار و ۳۴۰ واقعه تولد اعلام و ثبت شده است که نسبت به یک دهه قبل از آن، سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، تقریباً ۵۴ درصد افزایش داشته است.

کشاورزی کمک می کند. طبق اعلام سازمان حفاظت محیط زیست بطور متوسط سالانه ۴/۵ درصد از جنگلهای شمال و ۱/۵ میلیاردها تن از مرغوبترین و مساعدترین خاکهای قابل کشت که معادل ۴۰۰ هزار هکتار از اراضی حاصلخیز کشورمان می شود، در اثر چرای بی رویه فرسوده و از بین می رود و چنانچه کاری در این مورد صورت نگیرد، فرسایش خاکهای حاصلخیز به سه برابر افزایش خواهد یافت.

همچنین نزدیک به یک چهارم مساحت کشور را کورپرولوت، دشت کورپرولوت و زمینهای غیر قابل کشت دیگر پوشانده است و جنگل نیز تنها یک درصد همه مساحت کشور را تشکیل می دهد.

این در حالی است که در سالنامه های آماری وسعت جنگل های کشور ۱۸ میلیون هکتار به ثبت رسیده که این مقدار مطابق آمار در سال ۱۳۶۴ به ۱۲ میلیون هکتار کاهش یافته و در سالهای اخیر به کمتر از ۷ میلیون هکتار رسیده است.

از سوری دیگر سالانه ۱۰۰ میلیون تن رسوب خاک با تراکم در پشت سد های بزرگ کشور از ظرفیت تولید آب و برق می کاهد که به این زوال و انعطاف باید گسترش خزنده کویر، شبنمای روان، شوره زارها و وقایعی چون خشکسالی، سیلابها، توفانهای سهمگین و زلزله را اضافه کرد.

خاک کشور ما که بر اثر بهره گیری فراوان روز به روز از حاصلخیزی آن کاسته می شود، تنها منبع تولید کننده محصولات کشاورزی برای جمعیتی است که در صورت حفظ رشد فعلی جوابگو آن نیز نخواهد بود و با توجه به ۱۲/۵ میلیون هکتار زمین کشاورزی کشور این مقدار زمین تأمین کننده نیاز غذایی ۵۰ درصد جمعیت فعلی کشور می باشد و بقیه مواد غذایی مورد نیاز باید از خارج وارد شود.

با بررسی مسائل و مشکلات کشاورزی کشور اعداد و ارقامی که در این زمینه به دست می آید هراس انگیز است و آینده خوش بینانه ای را ترسیم نمی کند.

در حال حاضر مصرف سرانه گندم برای هر فرد حداقل ۲۳۰ کیلوگرم است و به عبارتی می توان گفت که میزان مصرف سالیانه گندم در کشور بر ۱۳ میلیون تن بالغ شده است.

اگر آمار اعلام شده از سوی وزارت کشاورزی مبنی بر تولید ۱۰



میلیون تن گندم در سال گذشته را بپذیریم در حال حاضر کشور سالانه با ۳ میلیون تن کمبود گندم روبرو است که با استفاده از منابع ارزی وارد کشور می شود.

اگر فرض کنیم میزان مصرف سرانه کشور در ۲۰ سال آینده ثابت بماند آن وقت کشور با جمعیت ۱۲۰ میلیون نفری در آن سال به ۲۷ میلیون تن گندم نیاز خواهد داشت که در آن صورت اگر حتی سطح حاصلخیزی خاک ثابت باشد کشور با ۱۴ میلیون تن کمبود گندم مواجه خواهد بود.

چنانچه فرض کنیم بهای گندم در بازارهای جهانی بر روی هر تن ۲۵۰ دلار که در حال حاضر قیمت آن است، ثابت بماند در آن صورت میلیی در حدود ۴ میلیارد دلار از اعتبارات ارزی کشور باید فقط صرف واردات گندم شود که با توجه به کاهش روند ذخیره سازی گندم در جهان مشروط به آن خواهد بود که در بازارهای بین المللی گندم برای خرید وجود داشته باشد.

بعد از گندم باید به تولید دانه های روغنی اشاره کرد که در حال حاضر بر ۱۵۰ هزار تن تولید داخلی کشور سالانه نیازمند ۳۱۰ هزار تن و در ۲۰ سال آینده با کمبود یک میلیون تن روبرو است.

همچنین حداقل نیاز مرغذاریها، دامداریها و صنایع غذایی به ذرت دانه ای بیش از ۲ میلیون تن است در حالی که میزان تولید کشور حدود ۲۵۰ هزار تن می باشد. که برای جبران کمبود تولید در این زمینه نیز باید واردات این مواد را مدنظر داشت و اعتبارات ارزی به آن اختصاص داد.

## توافق با ایتالیا برای تعویق بدهی ها

فرانسوی بدون احتساب بدهی هایی که مرود پرداخت آنها سال ۱۹۹۴ است، بالغ بر ۲۲۰ میلیون دلار است. گفته می شود دولت فرانسه تمایل چندانی به تمدید مهلت بدهی های رژیم اسلامی با مدت طولانی ندارد و در مقایسه با کشورهای اروپایی چون آلمان و ژاپن، مذاکرات با فرانسه به کندی پیش می رود.

با در نظر گرفتن توافق اخیر با ایتالیا، دولت جمهوری اسلامی تا کنون توانسته است برای تمدید مهلت باز پرداخت حدود ۶/۴ میلیارد دلار از بدهیهای معوقه خود، با پنج کشور آلمان، ژاپن، سوئیس، اتریش و ایتالیا به توافق برسد. در روزهای پایانی سال گذشته انتشار خبر توافقی های حاصله تا حدی بر بازار آزاد ارز در تهران اثر

مذاکرات مقامات بانک مرکزی جمهوری اسلامی و موسسات مالی ایتالیا درباره تجدید زمان بندی بدهی های معوقه دولت جمهوری اسلامی، هفته گذشته به نتیجه رسید و دولت ایتالیا موافقت کرد اعتباری معادل ۸۰۰ میلیون دلار در اختیار تهران قرار دهد که تمام آن به بازپرداخت بدهیهای عقب افتاده حکومت اسلامی به شرکتهای ایتالیائی خواهد رسید. مدت بازپرداخت این اعتبار یکساله و پرداخت آن از دو سال دیگر شروع خواهد شد.

در همین حال مذاکرات با دولت فرانسه نیز برای به تعویق انداختن بدهیهای دولت ایران به بانکها و موسسات آن کشور در جریان است. بنا به نوشته روزنامه های تهران، بدهیهای عقب افتاده دولت جمهوری اسلامی به شرکت های

تا چندی پیش جنگلی بوده با درختان سبز و سر به فلک کشیده، بالوده ساز هوا و جلودار سیل. گهگاه نیز شاید پذیرای گامهایی بوده که از سر تفریح بدان پای نهاده اند. اینک اما قطعه زمینی است متروک و با تلاق گونه که نه انسان را از آن سوری است و نه هیچ زبستمنند دیگری. و این تنها مورد نیست، هر سال ۳ میلیون متر مکعب از جنگلهای کشور از رهگذر فقر اقتصادی و نا آگاهی تخریب می شود. سرانه جهانی جنگل ۸۸ هکتار است و سرانه جنگل ما ۲۵ صدم هکتار. به غیر از رشد جمعیت در عرصه دیگری نیز در دردهای اولیم: تخریب جنگل. جایگاه فعلی ایران در بین ۵۶ کشور دارای جنگل در جهان مقام چهل و پنجم است. برآستی چه سرنوشتی در انتظار محیط زیست ایران است؟

## لزوم تشکیل بازار مشترک غرب آسیا

ماهانامه ای اقتصادی صادرات و واردات ایران در آخرین شماره ی خود پیشنهاد تشکیل یک بازار مشترک منطقه ای را با شرکت ایران، هند و کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی (ا.ک.و) مطرح کرده است. این نشریه با اشاره به اینکه

## در آمدار و پیا از نفت ۳ برابر بیش از اوپک است

مالیات سبب شده است که بهای نفت برای مصرف کننده اروپایی به ازای هر بشکه ۹۶/۸۰ دلار تمام شود. قرائت تا سال ۲۰۰۰ مالیات در آمد کشورهای اتحادیه اروپا از مالیات نفت، سه برابر مجموع درآمد کشورهای عضو اوپک از محل صادرات نفت است. ژاپن نیز از این رهگذر دو برابر درآمد اوپک عایدی دارد. در سال ۱۹۹۲ اتحادیه اروپا از هر بشکه نفت ۵۷/۷۵ دلار مالیات دریافت می کرد. این میزان در سال ۱۹۸۸، ۳۹/۳۳ دلار بود. این میزان

بهای نفت در بازارهای جهانی، نرخ ارزهای خارجی در تهران مجدداً سیر صعودی آغاز کرد و هر دلار آمریکا از ۲۳۰ تومان در روزهای پایانی اسفندماه گذشته، به ۲۵۳ تومان در روزهای آخر هفته پیش رسید.

گذشت و اندکی از سرعت سقوط ارزش ریال که در اوایل بهمن سال گذشته به سطح بی سابقه هر دلار ۲۷۰ تومان رسیده بود، کاست. اما در پی ناکامی اجلاس اخیر اوپک در کاهش سطح تولید نفت و مهار سقوط

## گوتر گراس: از مقاومت ها و تعارض ها چشم پوشید!



گوتر گراس نویسنده پرآوازه آلمانی در مصاحبه ای با روزنامه فرانکفورتر روند شاو (۲۹ ژانویه) در باره مسائل مختلفی همچون هویت ملی، ناسیونالیسم، نژاد پرستی، روند های موجود در هنر و... سخن گفته است. بخشی از این مصاحبه را برای خوانندگان به فارسی برگردانده ایم.

فرانکفورتر روند شاو (ف):  
بحث همچنان ادامه دارد، اینک سخن از شکست مدرنیست زیباشناسانه در میان است.

گوتر گراس (گ): آیا کنار گذاشته شدن هنر گوتمیک در دوران نوزایی معنای شکست آن است؟ آیا اصولا واژه اصطلاحی وجود دارد که بتوان با آن تکامل هنر و پیشرفت آن را نامگذاری کرد؟ بی شک یکی از اشتباهات هنر مدرن آن بود که اصطلاحات نظامی همچون "آوانگارد" و "پیشرفت تکنیکی" را به عنوان معیار برگزید، کاری که به نتایج زشت و فاجعه باری انجامید. کافی است که مثلاً در فرجام فوتوریسم ایتالیایی لختی درنگ کنیم. پایه گذاران این سبک (در اوایل قرن جاری) هنر مدرن را با هجوم تصاویر، آوانگار، پیشرفت و جنبش یکی گرفته و در اوج کار خود به عنوان آخرین گام با فاشیسم همصدا

شدند. این خطر که مدرنیسم با آن دست و پنجه نرم کرد در اصل جزئی از آن بود، مثل همه گرایش های هنری دیگر که با خطرات مشابهی همزاد و دست به گریبان بوده اند. اما در مورد روایت باید گفت: روایت بخشی از هنر داستان نویسی است و انسان می تواند به شیوه ها و اشکال گوناگونی روایت کند؛ روایتی خطی و پیوسته در متن یک زمان مشخص و یا روایتی شکسته و چرخنده در زمانهای نامگون و متفاوت.

(ف): آیا گرایش و اشتیاق به ارزشهای سنتی و محافظه کارانه با بی اعتبار شدن مدرنیست زیباشناسانه

ارتباطی دارد؟  
(گ): طبعاً، باور من این است که ما به زودی شاهد اعلام انحطاط هنر مدرن از سوی راست خواهیم بود. باید اضافه کرد که از رهگذر بحث ها و مباحثات سطحی و بی پایه پرداختن به مسائل و نمود های درجه دو و سه جای مسائل و محورهای اصلی را می گیرد. گفته می شود که نقد یک کتاب از خود آن کتاب و یا اجرای آن بر تو مهمتر است. عنوان می شود که کارگردانهای تئاتر در اجرای آثار شکسپیری توانند خود سازی کرده و در عین حال به مال و منالی هم دست یابند، آنهم از طریق دست بردن در اثر شکسپیر و جازدن آن به عنوان ترجمه ای نوین از آن اثر. این هم در واقع اگر جسری دیگری است که به زوال تئاتر کمک خواهد کرد.

ادعای مربوط به زمین گیر شدن و از کار افتادگی هنر مدرن ادعای درستی نیست، حداقل در مورد ادبیات چنین حرفی بی اساس است. مضحک آن است که تا چندی پیش در صفحات فرهنگی روزنامه های آلمان از نویسندگان خواسته می شد که از موضوعگیرها و اظهار نظرهای سیاسی بپرهیزند و حالا دوباره همان افراد شاکیند که چرا ما (به ادعای آنها) در مورد

فاجعه یوگسلاوی لب فرو بسته ایم. راستش ادعای مربوط به سکوت روشنفکران دروغ هدفمندانه ای بیش نیست. در واقع از همان ابتدا جنز، هابرماس و من به رغم اختلافات نظری فراوانی که با هم داریم، پیوسته با کلام خود به میدان آمده و اعتراض کرده ایم. علاوه بر آن من هر روز با وسواس و دل نگرانی در کارنوشتنم، کاری که احساسی از فراغ خاطر بر برایم ایجاد می کند. به نظرم ما اکنون در دوران پراسیپ و ریزشی به سرمی بریم و این برای ادبیات خوب است. من می دانم که حرفه نویسندگی را نمی توان قانونمند و خردمندانه ساخت. ایده هایی به ذهن (نویسنده) هجوم می آورند و بر درمی کویند، اما فراموش می شوند، ولی اگر سرسخت و لجوج باشند دوباره بر درمی کویند. در این حالت باید آنها را پذیرفت و به بیان آورد. در واقع روند نویسندگی بر مقاومت ها و نفی ها استوار است. بر این اساس به جوانان نویسندگانی که نظر مرا جویا باشند می گویم: تنها پیشنهاد من این است که از مقاومت ها و تعارض ها چشم پوشی نکنید. همین کارهاست که سبک نویسندگی را می سازد، به او صدایی ویژه می بخشد و تنشی پدید می آورد که در اثر ادبی با زتاب می یابد.

### چکامه زمین

آمدم خجسته، از زلالی قصیده های باغ  
آمدم شکفته، از اغنای چشمه چشمه، برگ  
آمدم ترانه های تازه سر کنم.  
آنک آن لبان خسته، آن سرود  
اینک این بهار  
این درود.  
آمد آن دهان پر سپیده نسیم بوسه بار  
آمد آن فرور آتشین ترین خطابه درخت  
آمد آرزوی آنچه هست و  
آنچه بود.

هان ببین!  
چگونه خنده می زند به روی آفتاب  
مهربانی علف.  
نسترن که آه یک ستاره در نگاه او زیانه می کشد  
جان عاشق جوان دختر است  
همشین قصه اتار.  
آرزوی آشنای یاس  
قد کشیده تا بلند آفتاب.

آن زنی که لاله آب می دهد میان باغ  
مادر من است.

این زمان، چه سرخوشم  
آتشم زیانه می کشم.

ای شما ترانه گوی این بهار!  
آن زمان، که کاکل شکوفه را -  
صفای شبنمید  
آن زمان، گلویان معطر از سرود آینه ست  
جان عاشق من - این جهان پر خوانه بیا شما ست.

اینک ای بهار  
آمدی شکفته با ترانه های تازه تر ز پیش  
آمدم، همراه با تو همصد اشوم  
ای تو نغمه - نغمه، چشم هردیچه را پیام  
بر تو وطنین شادمانه ات درود!  
ای خجسته!  
ای چکامه زمین!  
سلام!

رضامقصدی

### دویر خورد با مساله زنان

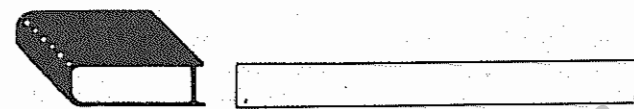
شماره دهم نشریه کنکاش  
چندی پیش انتشار یافت. کنکاش  
که در آمریکا و هرشش ماه یکبار  
منتشر می شود در شماره جدید حاوی  
مقالات و مطالبی در پیوند با پرسمان  
"هویت فرهنگی است." چهارنوشتر  
عدم تحمل در فرهنگ ایرانی،  
اسلامی (شهین گرامی)، سینما و  
هویت ملی، (حمید نقیسی) "هویت  
خانواده ایرانی و بررسی جدایی ها"  
(مهرداد درویشپور) بخشهایی از نیک  
و بد فرهنگ و هویت ملی را  
باز می نمایند. روشنفکر پیرامونی و  
مسئله زبان و "تاملی در آوارگی از"  
دیگر مقالات خوب و خواندنی این  
شماره کنکاش اند. در مقاله "بدن  
زن و هویت او در فرهنگ ایرانی" پس از  
اشاره به آیه های قرآن، احکام و  
روایت های اسلامی و مواردی از  
قانون اساسی جمهوری اسلامی که  
به مسئله زنان مربوط می شود، نتایج  
یک همه پرسی از زنان ایران درباره  
ارزیابی از لیاقت ها و توانایی های  
خودشان، نقش مردان، خوب یا بد  
کار زن در بیرون از خانه و... مورد  
بررسی قرار گرفته که شمایی از ذهنیت  
زنان میهنمان را به دست می دهد.

شماره دهم نشریه کنکاش  
چندی پیش انتشار یافت. کنکاش  
که در آمریکا و هرشش ماه یکبار  
منتشر می شود در شماره جدید حاوی  
مقالات و مطالبی در پیوند با پرسمان  
"هویت فرهنگی است." چهارنوشتر  
عدم تحمل در فرهنگ ایرانی،  
اسلامی (شهین گرامی)، سینما و  
هویت ملی، (حمید نقیسی) "هویت  
خانواده ایرانی و بررسی جدایی ها"  
(مهرداد درویشپور) بخشهایی از نیک  
و بد فرهنگ و هویت ملی را  
باز می نمایند. روشنفکر پیرامونی و  
مسئله زبان و "تاملی در آوارگی از"  
دیگر مقالات خوب و خواندنی این  
شماره کنکاش اند. در مقاله "بدن  
زن و هویت او در فرهنگ ایرانی" پس از  
اشاره به آیه های قرآن، احکام و  
روایت های اسلامی و مواردی از  
قانون اساسی جمهوری اسلامی که  
به مسئله زنان مربوط می شود، نتایج  
یک همه پرسی از زنان ایران درباره  
ارزیابی از لیاقت ها و توانایی های  
خودشان، نقش مردان، خوب یا بد  
کار زن در بیرون از خانه و... مورد  
بررسی قرار گرفته که شمایی از ذهنیت  
زنان میهنمان را به دست می دهد.

P.O. BOX 4238  
NEWYORK, N.Y. 10185-0036  
USA

### تصحیح و پوزش

عنوان شعر چاپ شده در کار ۸۷ بی سیه درد است که به اشتباه  
بی سیه درد است چاپ شده است. در سطر چهارم شعر از پانین نیز واژه  
"هدیه غلط و درست آن هر سیه است، یعنی حلیم، غذایی از گندم.



### اشعار ۲۲ شاعر در ۲ کتاب

حفظ کرده و اثری بسلیس و روان پیش  
روی خواننده ایرانی نهاده است.  
زاده اضطراب جهان ۲۸۴ صفحه  
دارد و نشر سحر آن را منتشر کرده  
است.

"ده شاعر قرن بیستم" نیز کتابی  
است گردآمده از شرح حال، سبک  
شعرو برگزیده اشعار ۱۰ شاعر  
نامدار جهان. این کتاب که به سعی  
حشمت جزینی فراهم آمده، خواننده  
را با زندگی و پاره ای از اشعار گریم  
آبولینز (فرانسه)، آنا آختاتوا  
(روسیه)، اسب امیلیویچ ماند  
شتام (روسیه)، سرگئی یسینین  
(روسیه)، پل الوار (فرانسه)،  
اوجینو مونتاله (ایتالیا)، گارسیا  
لورکا (اسپانیا)، سالواتوره  
کوازیمودو (ایتالیا) و اکتاو پاز  
(مکزیک) آشنا می کند. برخی از  
شعرهای الوار، لورکا و پاز پیش از  
جزینی، کسان دیگر به فارسی  
برگردانده اند، ولی هر ترجمه ای  
کیفیت و رنگ و بوی خاص خود را  
دارد و از این رو نمی توان ترجمه های  
مجدد به ویژه در عرصه شعر را  
همیشه دوباره کاری نامید.

تسلط جزینی بر زبان های  
فرانسه، ایتالیایی و انگلیسی و نیز  
احاطه وی بر ادبیات فارسی سبب  
شده که ترجمه اشعار ده شاعر  
نامدار... ساده و عاری از پیچ و  
تاب های زبانی بی مورد باشند. در  
مقدمه ای که مترجم بر کتاب نوشته،  
علل انتخاب این ده شاعر و نیز  
دشواری های ترجمه شعر را باز  
نموده است. رضا پراهنی نیز در  
مقدمه جداگانه ای گمنام ماندن  
شخصیت های هنری و فرهنگی ما و  
بی اطلاعی جامعه از زندگی آنها را  
مورد اشاره و بررسی قرار می دهد.  
ده شاعر نامدار قرن بیستم، ۲۷۰  
صفحه دارد و ناشر آن انتشاراتی مرغ  
آمین می باشد.



### "ژرمنیال"

بر پرده سینما

ژرمنیال رمان معروف امیل زولا  
نویسنده نامدار فرانسوی با  
کارگردانی کلود بری به صورت فیلم  
درآمده و اینک بر پرده سینماهای  
اروپا در حال نمایش است. زولا  
جزء نخستین نویسندگانی به شمار  
می رود که با سبک ناتورالیستی خود به  
زندگی کنارگران و روحیات و  
مبارزات آنها پرداخته و حیات  
سیاسی و اجتماعی قرن نوزدهم را به  
تصویر کشیده است. ژرمنیال نیز  
روایتی است از فقر و گرسنگی،  
وضعیت شهرک های کارگری، کار  
بیچه ها، مبارزات کارگران،  
اعتصاب، سرکوب، کابوس  
شکست جنبش و... موضوع اصلی  
این کتاب به زندگی مشقت آمیز  
کارگران یک معدن زغال سنگ و  
مبارزه آنها برای بهبود زندگی خویش  
مربوط می شود. ژرمنیال در سال  
۱۸۸۵ نوشته شده و در زبان فارسی نیز  
ترجمه ای از آن به همین نام موجود  
است.

در هنگامه ای که معدن های  
زغال سنگ اروپا به خاطر وجود  
انرژی های ارزانتر یکی پس از دیگری  
در حال تعطیل شدن هستند، شاید به  
فیلم در آوردن ژرمنیال نامتناسب با  
روح زمان و بی اعتنائی به مسائل  
ملئوس تر و معاصرتر تلقی شود. اما  
دیدن فیلم به خوبی بیننده را در متن  
زمان حاضر و بحران بیسابقه و  
بیکاری گسترده کشورهای صنعتی  
قرار می دهد و ورشته ملحمی که  
گذشته را با حال پیوند می زند در  
ذهن ها زنده می کند.

### "جنایت مقدس" آماده نمایش شد

روزاول مارس در سالن بزرگ  
تاتربالی آمستردام فیلم مستند -  
جنایت مقدس - که به بررسی نقش  
رژیم جمهوری اسلامی در تروردهها  
تن از شخصیت های سیاسی ایرانی  
می پردازد، به نمایش درآمد.  
جنایت مقدس فیلم  
افشاگرانه ای است که توسط آقای  
رضا علامه زاده کارگردان چیره  
دست در سه نسخه فارسی، انگلیسی  
و هلندی ساخته شده است. تهیه  
کننده فیلم لیز یانسن می باشد و  
موزیک متن کار آهنگ ساز معروف  
ایران اسفند یار منفرد زاده است.  
تدوین فیلم را منوچهر آبروتن انجام  
خواهد شد.



شیمی جهان را گشت می‌زند. شیمی زخمی، خونین، آزردهٔ سه جهان و آماج آدمیان چهارقلیم، خم آورده و خسته از ره کوره‌های می‌گذرد، با خنجر در پشت و تبری در سینه، به کيفر آن داس و آن چکش که برسینهٔ پرچم تاریخ جامی هستند. چه هلهله‌ای! توانمندان جهان کهنه، پلستین و ریگان، تاجر و کهل، "انقلابیون" خاور و اصلاح طلبان باختر، مانکن های فرانسه و رپورت های آلمان، فیلسوف های افغانستان و بقال های داغستان - برای بخاک سپردن این شبح به جهاد برخاسته اند. و در پی اینان، صفی بی‌پایان از دلخاکتگان د پرویزن سوسیالیسم بر آت خویش رابه خشمی خروشان سنگ نثار الهه داد می‌کنند. و تکرار غم انگیز تاریخ را کاستی این است که اینبار عیسی این آئین پیش از آنکه بر دروازهٔ براندازی به صلیب آهین آویخته شود صلیب را و زمین را گذاشت و رفت!

و در این رستاخیز شوم نه تنها سوسیالیسم که همهٔ داد در سادۀ ترین مفهوم آن حتی برای بسیاری از سربازان و سرداران دیروز این جنبش دشنامی شد، و سنگ پاره‌ای، تا سوسیالیست های دستانی دیروز بسوی پنجرهٔ همسایگان نزدیک تر خویش پرتابش کنند، و خشم ناشناخته خود را با تصور رنج و خشمی که بهرهٔ آن همسایه می‌کنند آبی فرو نشانند!

و در این رستاخیز شگفت پدیده های بسیار وارونه شدند. انشاء نویس های بسیاری سرانجام از موضوع "علم بهتر است یا ثروت" سرد آوردند و با آب و تاب ستایش ثروت نداشته را آستین بالا زدند. و هنرمندان بسیاری از موضوع عشق و شهوت سرد آوردند و خدمت شهوت را قلم نیز کردند. و فیلسوف های بسیاری به کشف شهوت و احضار ارواح مشغول شدند و بسیاری علمابه "علمای پیوستند و تشکل های پراکنده ایمان آوردند و وحدت گرایان به طلاق رو آوردند و ارزش هایی چون دلیری، صداقت، سخاوت، دوستی، گذشت، یاری، همدردی، وفا، حجب فرهنگی و شرم خورد نزد بسیاری رنگ و مایه با خنند و سیرت آدمی همچون صورت مرغ پر رنگه نما یسگر عریانی همهٔ آن اجزایی شد که پیش از این دست کم رعایت فرهنگ پردهٔ عصمتی بیژ آنها می‌کشید. و در یک کلام، تهی عشقی چنان آفریدهٔ عصمت برون آورد یاران را - که عشق از دست این یاران رها کرد آن زلیخا را!

با این همه، حتی اگر سوسیالیسم به گونهٔ یک جلوهٔ ویژهٔ داد در نام خود بمسرد در جان خویش دوباره می‌شکند و خیری که خمیرهٔ هستی اوست نثار راه آدمی خواهد شد، هم اگر آدمی از این بیشتر به فرمان شرنهادهین خویش گردن بگذارد. پس بگذارد این روزگار شکست و خفت بنام از سوختن گویم، اگر چه هنگام باز آفرینی این نام فرا رسیده باشد، و نشان دهم چگونه او، سوسیالیسم، چیزی نبود و نیست مگر دعای خیری برای من تو، برای بشر. آرزوی و دعوی که از آنسوی دیروزها تا فراسوی فرداها رومی پوید و به هزار نام در می‌آید و به هزار گونهٔ خویش را باز می‌آفریند، اما همواره آواز همیشگی خویش را سرمیدهد که: "... آری، زندگی زیباست - زندگی آتشگی دیرنده با بر جاست - گریه و ریش رقص شعله‌اش در هر کران پیداست - ورنه خاموش است و خاموشی گناه ماست ..."

### جنبش داد و سوسیالیسم

سوسیالیسم زائیدهٔ انطباق جنبش تاریخگیر داد در شرایط خاص جامعه و جهان صنعتی است. یا می‌توان گفت، شکل خاص جنبش داد در دوران صنعت سوسیالیسم است و شکل عام سوسیالیسم در مقیاس تاریخ جنبش داد. این ارتباط و تناسب میان سوسیالیسم و جنبش داد مهم‌ترین و از همین رو تعیین کنندهٔ ترین عامل در کمک به ما برای ارائهٔ یک تعریف جامع تر از سوسیالیسم و گزینش یک موضع استوار تر نسبت به آن است. دیالکتیک رابطهٔ عام و خاص در این زمینه نیز می‌تواند یک راهنمای قابل اعتماد باشد. بویژه در شرایط امروزین که عصر صنعت (در مفهوم متعارف آن) رویهٔ پایان است و عصر نوینی با نام های گوناگونی همچون عصر فرا صنعتی و عصر کامپیوتر در حال تکوین و تکامل است توجه به تعریف مبتنی بر هم پیوندی سوسیالیسم و جنبش داد می‌تواند اهمیت بیشتری پیدا کند. چرا؟ چون شکل ویژهٔ داد در عصر صنعت که سوسیالیسم نامیده شد، همان گونه که تدریجاً و با پهای تکوین این عصر شکل گرفت و شکوفا شد در مسیر تحلیل این عصر و جانشین شدن عصر نوین تا چار تحلیل خواهد رفت و سرانجام جای خود را به شکل دیگری از جنبش داد خواهد سپرد. چنین تحولی، به همان اندازه که تکامل جنبش داد را از سوسیالیسم به فراسوی سوسیالیسم ضروری می‌سازد و از ما می‌خواهد تا شکل کهنه را با شکل نوینی که باید گام به گام کشف شود جایگزین کنیم از ما می‌خواهد تا در نهاد این اشکال و مراحل خاص وحدت و همسویی تاریخی جنبش داد را تشخیص دهیم و به خاطر آیندهٔ داد از گذشته آن در چار چوب زمانی و مکانی آن گذشته دفاع لازم را انجام دهیم. آیا به چنین دفاعی نیاز هست؟ آری! چرا که دشمنان جنبش داد از راه تلاش برای حق جلوه دادن بیداد و ناشق جلوه دادن داد در همهٔ مراحل تاریخی می‌کوشند تا ثابت کنند که تاریخ داد، یا آنچنانکه آنها می‌گویند تاریخ انقلاب ویلوای توده‌ای برای اصلاح جامعه تاریخی مخرب و باطل است و حکم طبیعت و حکم



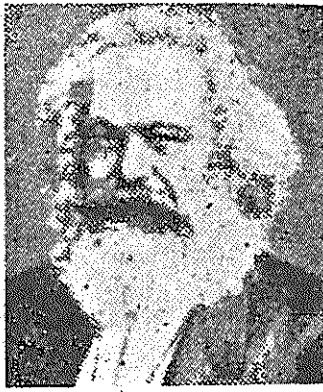
نیچه ۱۸۴۴-۱۹۰۰

روش های اخلاقی باید پیش از همه اصل امتیاز طبقاتی را بپذیرند، و آنچه را بر خلاف این اصل است پس بگیرند، تا بدقت دریابند که ادعای تساوی حقوق خود بر خلاف اخلاق است.

# داد

امیر مبینی

### یک مقاله مستقل در چار چوب گفتگوواره



مارکس ۱۸۱۸-۱۸۸۳

"تمام جوامعی که تا کنون وجود داشته اند بر بنیاد تضاد طبقات استوار بوده اند... با برافتادن شیوهٔ بهره کشی انسان از انسان، استثمار یک ملت توسط ملت دیگر نیز از میان خواهد رفت."

طبیعت جامعه همواره یکی و آنهم آزادی و حقانیت زرو زور زور بوده است و در آینده نیز باید به همین قانون گردن نهاد. و تا اگر سنگرهای گذشته و حال را در برابر بیداد تهی کنی سنگر آینده را نیز پیشاپیش بدو سپرده‌ای، و تو اگر انگیزهٔ دفاع از تاریخ داد را در خود ندانسته باشی جز با دروغی بزرگتر از آن اهریمن نمی‌توان مدعی دفاع از آینده داد شوی! و ستم پدیده‌ای که انگیزهٔ دفاع از تاریخ ستمستیز را ندانسته باشد دیگر پایان یافته است و چیزی نیست مگر طعمهٔ نیم جویدهٔ بیداد که کرکسان آسمان یا س روح اش در ظلمات دوزخ تسلیم به مقارمی کشند، و دعای نجات بخش او در برابر اهریمن ستم چیزی نیست مگر دروغ، دروغ در مفهوم اوستایی آن. مسئله این است، آن حقیقی که ما بدین فریتم می‌تواند بی‌آنکه حقایق خود را نسبت به دوران خویش از دست بدهد در دوران نوین از حقیقت تهی شود. مبارزه برای کم کردن ساعات کار در طول تاریخ جامعه کلاسیک صنعتی یکی از بزرگترین هدف های جنبش های داد خواهانه و صنعتی زنجیران بوده است. در دهه های آینده بر عکس مبارزه برای تامین کار و افزایش ساعت کار و بویژه تقسیم آن با هدف تامین کار برای همه اهداف های بزرگ میارزات صنعتی و داد خواهانه خواهد بود. ارزیابی هر یک از این هدف ها و تلاش ها در مقایسه با دوران غیر از دوران خود نتیجه عکس ببار می‌آورد و آنها را از محتوای مترقی تهی و در جایگاه ارتجاع قرار می‌دهد. اما، اگر این مبارزات را در مقیاس عصر خود ارزیابی کنیم می‌توانیم همزمان حقانیت هر دو روند را بپذیریم. و نیز می‌توانیم دریابیم که این دو روند متضاد در یک مقیاس بزرگتر، در مقیاس جنبش عام داد مکمل هم واقع می‌شوند و نقش مشابهی در بهبود زندگی مردم ایفا می‌کنند. پس اگر کسی حقیقت معتبر جامعهٔ صنعتی را در مقایسه با الزامات جامعه فوق صنعتی در اساس باطل اعلام کند نه تنها به یک داوری بیداد گرانه کشیده می‌شود بلکه خود احتمالاً از درک و پذیرش حقیقت نوین عاجز خواهد بود. چرا که این حقیقت نوین (با این جنبش نوین) فرزند حقیقت دیروز و نوهٔ حقیقت پیرو زاست و خون آنها را در رگ دارد. از این روشناخت روند عام و تاریخگیر جنبش داد از یک سو و اشکال خاص این جنبش در هر دورهٔ تاریخی از سوی دیگر درک و همپیوندی و کنش متقابل این دو روند عام و خاص زمینهٔ بنیادینی است که ما را در ارزیابی پدیدهٔ مشخصی چون سوسیالیسم یاری می‌رساند. چنانچه ما از این دیدگاه به ارزیابی سوسیالیسم بپردازیم خواهیم دید که سوسیالیسم کاشف یا مخترع بزرگترین آرمان های خود یعنی برابری و برادری و همپیوندی و همبستگی بشری نیست بلکه این آرمان ها از دیرباز برای جنبش داد شناخته شده بودند و پس از سوسیالیسم نیز بهر گونه در جایی از جهان و در جایی از جان و روح بشر مدافعیین خود را خواهند داشت. ویژگی سوسیالیسم در تکامل این اندیشه‌ها و آماج ها و منطبق کردن آنها با شرایط نوین جامعه و جهان، شرایط عصر صنعت بوده است. اگر نخواهیم بسود سوسیالیسم اندیشه های نادرست اندیشه پردازان آنرا نشان کنیم یا بدینا فریام که بقول لنین سوسیالیسم نه تنها این هدف ها بلکه راه مشخص رسیدن به این هدفها نیز بوده است، و همین عنصر دوم که بصورت تئوری انقلاب و تئوری حاکمیت کمونیستی ارائه شد حامل بیشترین خطاها و سرانجام عامل مهم به شکست انجامیدن کمونیسم شده است. تفکیک عام و خاص در محدودۀ خود سوسیالیسم موضوع مهم دیگری است که باید آن را برترسی کنیم.

### داد چیست؟

و اما چگونه می‌توان داد را با شناخت و جنبش آن را؟ داد چیست و بیداد کدام است؟ برای بسیاری اساتراز این نیست که با یک اشارهٔ سریع انگشت در چشم تو تاریخ جای داد و بیداد را نشان دهند و از سر خوردی که نزد خود سراغ دارند پرسند که دهنی را خنده‌ای نثار کنند. اما زندگی نشان می‌دهد که گاه بدیهی‌ترین پدیده‌ها را از آینه‌ترین و ناشناخته‌ترین پدیده‌ها هستند، و از آن

زمره است هستی تو، بود تو، که نه برای خودت رازش آشکار است و نه برای همهٔ دانش همهٔ نوع تو. و نوع ها، بشریت، همواره دربارهٔ مفهوم داد و بیداد وحق و باطل اندیشیده است، از طلوع تاریخ خود تا امروز که می‌گویند امروز آن تاریخ است. در کهن ترین سند مکتوب ادبی بشر یعنی حماسه گیل گمش داد و بیداد یکی از مضامین اصلی است. در اوستا، در تورات و انجیل، در ایلیاد و اودیسسه، در قرآن، در فلسفهٔ بودا، در شاهنامه، در کمدی الهی دانته و در بسیاری دیگر از آفریده های سترگ خرد و پویا و بشر داد و بیداد در مناسبات انسان ها یک مضمون مرکزی و یا مهم است. حتی ساده ترین تمدن ها نیز گاه با زرفای خیره کننده دربارهٔ انسان و مقوله داد و بیداد در زندگی می‌اندیشه برداخته اند. با این همه هرگز شناخت یا تعریف کاملی از مقوله داد ارائه نشده است. چرا؟ چون از یک پدیده شدت نسبی و متغیر و متحول نمی‌توان تعریفی مطلق و بی تغییر ارائه داد. آیا داد یک مقوله نسبی است؟ من که خود عزیز غم نسبی دانستن این مفهوم همواره آماده بودم که جایی آن را نزد توده ها نشان دهم اکنون با یک نسبی گرایی در آمون تفهیم شده بی آنکه آمادگی پیشین را در ارائه نشانی داد داشته باشم بر نسبت همیشگی آن تاکید مکررمی‌کنم. باور من این است که مقوله های اجتماعی از دیگر پدیده ها نسبی تر اند و داد که خود یک مقوله اجتماعی مشروط به منافع فردی، گروهی و اجتماعی اعضا، جامعه است می‌تواند گاه حالتی بسیار سیال تر از آنچه در تصور مدافعیین آن بگنجد پیدا کند.

بیا نیت از خود ببرسیم: آیا هستی زنده بر شالوده ای عادلانه استوار است؟ چه سوال شگفتی! خرگوش و گریه و شیرجه در کی از عدالت می‌تواند داشته باشد! آیا آنها در کی از زندگی می‌توانند داشته باشند؟ شاید؟! برای اینکه شاید رابه قطعاً تبدیل کنید می‌توانید یک بار که به باغ وحش رفتید از مانع بگذرید و وارد محفظهٔ شیرها یا ببراها بشوید. آنوقت آنها درک خودشان را از زندگی به شما تفهیم می‌کنند!

چرا و حشتناک! ناگر خرگوش هم زبان می‌داشت همین واژه را در برابر گریه ها بر زبان می‌آورد، و اگر شیرها و ببرها زبان می‌داشتند در برابر آدم ها همین واژه را بر زبان می‌آوردند. و حشتناک یکی از واژه ها نیست که کیفیت مناسبات قوی و ضعیف را در نظام وحشی طبیعت منعکس می‌کند. و آشکار است که وحشتناک نمی‌تواند منعکس کنندهٔ داد باشد، نمی‌تواند منعکس کنندهٔ خوب، دلپذیر، مناسب و هر مفهوم دیگری از این دست باشد. این عنصر بیداد با کل زندگی در آمیخته است.

اما آنها، حیوانات، زبان ندارند، عقلی ندارند که چنین مفهومی را درک کنند! فراموش نکنید آنچه ما را رنج می‌دهد نه واژهٔ رنج بلکه محتوای این واژه، یعنی حس رنج است. و حس رنج، احساس درد و وحشت، ترس از مرگ و میل به زندگی، تلاش برای حفظ زیست در برابر مرگ تهدید کننده نزد حیوانات نیز هست.

به اعتقاد من اگر نظام و حشیانه هستی زنده را با معیار خرد آدمی بسنجیم آنگاه عنصر بیداد در ترکیب آن به خوبی مشخص می‌شود. چرا باید بد برفت که آنچه طبیعی است خوب و عادلانه است؟ آیا نه این است که اگر خرد، این والاترین آفریدهٔ طبیعت در آفرینش های طبیعت مداخله کند کیفیتی والا تر می‌آید؟ آیا آشکار نیست که آفریده های طبیعت آمیخته با خرد از آفریده های طبیعت محروم از خرد می‌تواند برتر باشد؟

نه! با این برداشت که رنج را عادلانه نمی‌دانم نظام زیستی در آمیخته با رنج را نیز عادلانه نمی‌دانم، و ما یلم تا کید کنیم که به عنوان انسان متحدمن این نه را بزرگترین میراث معنوی خود می‌دانم، و نیز همین نه تعیین کنندهٔ آری های من به مبارزه بشردر راه داد است. ریشهٔ این بیداد در نظام طبیعتی زیست مشروط شدن بقاء هر موجود زنده به تغذیه یا بهره‌وری از موجود زنده

دیگر است. ریشهٔ بیداد در پرواز این اشتباه بزرگ طبیعت است که بقاء موجود زنده را مشروط کرده است به تامین انرژی زیست از راه تبدیل دیگر موجودات زنده به انرژی یا تملک انرژی دیگر موجودات زنده.

خوردن همدیگر، بطور مستقیم و غیر مستقیم. این یکی از شالوده های بقاء زیست است، و می‌توان از این اندیشه دفاع کرد که زیست، به نسبت نقشی که این پدیده در ترکیب دیگر عوامل شالوده ساز هستی جاندار بازی می‌کند ناعادلانه است. و روشن است که، نه همهٔ عوامل موثر در بقاء فرد و بقاء نوع ناعادلانه هستند و نه میتوان گفت که سراپای قوانین طبیعی ناظر بر هستی جاندار ناعادلانه اند.

در این نظام طبیعتی بقاء عنصر زنده همچنین به قدرت تخریب آن بستگی دارد. کسی چون نیچه از موضع ضعف ستایندهٔ این قدرت شد و آن را شالودهٔ شالوده‌ها به تصور آورد در حالی که می‌توان از موضع قدرت (قدرت ناشی از اعتماد به خرد و امید به توان یابی آن) در برابر این قدرت ایستاد و برای دگرگون کردن حکم آن بر زمین بشر به خیزشی شالوده شکن برخاست.

من، انسان، کسی که با خرد خود می‌خواهد بر خویشتن حاکم شود، چرا بپذیرم که قانون تهی از خرد طبیعت بر هستی در آمیخته با خرد انسان نیز تا ابد چیره باشد؟ چرا نباید بگویم تا شیوهٔ تامین انرژی را در هستی بشر تغییر دهم و بگونه‌ای در آورم که تامین آن انرژی مشروط به جویده شدن میلیاردها جاندار دیگر زیر دندان های مسواک شدهٔ نوع من نباشد؟ چرا باید بپذیرم که کیفیت تکامل بشر در کمیت قدرت تخریب آن منعکس بشود؟

من، انسان، تا امروز بخش اعظم دیگر انواع موجودات زنده را نابود کرده‌ام و اگر به همین شکل پیش بروم طی چند دههٔ دیگر باقی مانده را نیز نابود خواهم کرد، و آنچه را رخصت بودن می‌دهم تنها انواعی از غذاهای جاندار خواهند بود بنام گاو و خوک و گوسفند و شماری آفرینۀ زندانی در باغ وحش ها که آنها نیز چیزی نیستند جز طعمهٔ میل ما به تماشای چیزهای شگفت. و این انسان کاری را که با هم نوع خود می‌کند هزار بار از آنچه بر سر جانوران می‌آورد خشن تر و هراس انگیز تر است. اگر این انسان برای قتل و طبخ و طعم چاربا یا ن پرندگان بس روش های شگفت کشف کرده است، بس شگفت تر از آن را برای افزودن بر توانایی خود در کشتار همزغان خویش انجام داده است، و این موجود ظریف و این اشرف مخلوقات که نقاشی می‌کشد و شعری گوید و درد عیس، را تفسیر می‌کند و موسیقی پنهون را می‌ستاید و گاه از ته دل برای عشق آواز سرمی‌دهد برای نابودی همزغان خود این قدر رنجب آمی و شیمیایی ذخیره کرده است که برای ده ها بار منهدم کردن کل هستی جاندار کفایت می‌کند. و همین اشرف مخلوقات برای افزودن بر میزان رنج و درد و کاستن مقاومت همزغان "متخاصم" خود در سستیهای متقابل چنان ابزار شکنجه‌ای اختراع کرده است که ساکنان دوزخ خدا از اینکه این افزارها روی آنها آزمایش نمی‌شوند و در آن اقلیم رواج نیافته اند به درگاه فرمانروای جهان خویش دست به دعا بر می‌دارند. و تصور نکنیم که خواهان و ستاینده و سازمان دهندهٔ این خشونت، این رنج آفرینی بیکران، تنها با دلایستی وافر مانور و با بهره کشان و از این انواع انسان ها هستند، و بیا د بیا و ریم که نه تنها روی درفش ها و نشان های همهٔ کشورهای جهان تمثال درنده ترین موجودات به نشانهٔ تهدید نقش بسته است بلکه بر درفش ها و نشان های بسیاری از جنبش های داد نیز جز توتم های درنده چیزی نمی‌توان یافت، و مگر نه اینکه رنگ خون و نقش اسلحه بر این درفش ها و نشان ها همین امروز نیز رایج ترین است؟

با این همه، همین زندگی در آمیخته با بیداد و پنا شده بر بی کج خود شگفت ترین و شاید زیبا ترین و قلعاً زیبایی آفرین ترین پدیده ایست که در شعاع شناخت انسان امروز وجود دارد. و همین زندگی و همین بشر است که دانش و هنر را آفریده و چشم زیبایی شناس را به طبیعت کور داد تا در خویش بنگرد و بر خویش واقف شود. و همین بشر است که در این دریای خشونت و بیداد مفهوم داد را با شناخت و آزداد مقوله برابری و برادری را بر بون کشید و سرانجام عشق را که در مفهوم متعالی خود کلام آخر تمدن است در هستی خود کشف کرد و روح مهرورحم را در عیسی دمید و چنین کیسی را روانهٔ جلیت کرد و همهٔ خشونت هستی را بگونه کیسی آهین بر کف مهر انگیزا و فرو کوبید تا به آشکارترین زبان کردار اهریمنی را در برابر کردار اهورایی تحقیر و طرد کند و خویشتن خویش را فرآ خواند تا نظام زندگی را بگونه ای بهتر از آنچه در بی عقلی طبیعت می‌گنجد باز آفریند. و همین انسان است که در بر تو عشق به نبرد با خشونت خویش برخاست و خود با تو وحش خویشتن نبرد آغاز کرد و برای بیسازاری خویش آرمانهایی آفرید که از واقعیت وجود او بسی فراتر می‌روند و از او می‌خواهند تا مدام از خویش فراتر رود و بر جبر کور حاکم شود و در پرتو حاکمیت نسبی اختیار خود را و جامعه و جهان خویش را دادورانه باز آفریند. و شاید از همین رو باشد که جستجوی داد تنها در قلمرو حاکمیت اختیار مقدور می‌شود و دستیابی به آن به میزان حاکمیت خرد مشترک بشری بر حرکت جامعه و اعضا و اجزاء آن بستگی می‌یابد. پس از این دید، داد در مفهوم گستردهٔ آن کوشش بشر است برای بسط حاکمیت خرد و قلمرو اختیار، و هدایت بطور نسبی مختارانه و هدفمندانه ادامه در صفحه ۱۱

نشریه "جامعه سالم" میزگردی با شرکت عده‌ای از استادان دانشگاهها و گروهی از کارشناسان اقتصادی کشور در مورد مسئله خصوصی سازی برگزار کرد. مشروح این میزگرد در آخرین شماره این نشریه بتاريخ چهاردهم اسفند ماه ۱۳۷۲ درج شده است. در زیر خلاصه‌ای از دیدگاههای ۳ تن از کارشناسان اقتصادی شرکت کننده در این میزگرد بنامهای دکتر علی رشیدی، دکتر حسین عظیمی و دکتر رحیم زاده اسکویی را می‌خوانید.

دکتر رشیدی

مفهوم خصوصی سازی در اقتصاد، به گونه‌ای که در دنیای امروز مطرح است، این است که مردم، تصمیم گیرنده و مالک عوامل تولید هستند و تعیین کننده نهایی تخصیص منابع به شمار می‌آیند. یعنی در واقع همه چیز به دست خود مردم است. مگر آن چیزی که همه ایشان به دولت واگذار کرده باشند. در کشورهای اروپایی غربی و امریکا حدود ۸۰ درصد سرمایه گذاری‌های اساسی در تولید، در اختیار خود مردم است و هم بودجه دولتی در کل تولید کالاها و خدمات چه بسا از ۲۰ درصد تجاوز نکند.

اگر از این دیدگاه به مسئله نگریند، خصوصی سازی در ایران برای تحقق یافتن، ابعاد بسیار گسترده‌ای را در بر خواهد گرفت. در شرایط کنونی ۸۰ درصد فعالیت‌های اقتصادی، کم و بیش در دست دولت است، که آن هم بر محور درآمد نفت و بودجه دولت و بودجه‌های عمرانی و... می‌چرخد. یعنی اگر بخش کشاورزی و قسمتی از خدمات و خصوصاً تجارت را که در دست بخش خصوصی است جدا کنیم، بقیه اقتصاد کم و بیش در دست دولت است و یا به بودجه دولت و درآمد نفت وابسته است.

بنابراین ابعاد خصوصی سازی در دنیای امروز به مراتب وسیع تر از واگذاری چند کارخانه دولتی به مردم است. تا به حال مسئله خصوصی سازی به صورت واگذاری کارخانجاتی بوده که بعد از انقلاب به کنترل و نظارت دولت درآمده و در این میان، آنهایی که به مرحله فروش گذاشته شده از ۴۰ درصد هم تجاوز نمی‌کند. اکنون چند وزارتخانه، تعدادی از کارخانجات را برای واگذاری به بخش خصوصی در نظر گرفته‌اند.

البته ابعاد کنترل دولت، بسی فراتر از اینهاست. تعداد واحدهایی که به دست نهادها و وجود آمده پس از انقلاب کنترل می‌شود، شاید سه برابر آنها باشد. اگر نهادها و سازمان‌های ذکر شده را جزو بخش عمومی بشماریم، آنگاه بر اساس فهرست‌ها و مدارک موجود، درمی‌یابیم که سهم بخش خصوصی در کارخانجات ۱۰ درصد تجاوز نمی‌کند.

حال اگر هدف، امروری کردن اقتصاد ایران است، نمی‌توان به فروش سهام و دادن سند مالکیت چند واحد به افراد بسنده کرد. تصور داشت که هدف انجام پذیرفته است. اگر چنین باشد، این خصوصی سازی چیزی خواهد بود همردیف اصلاحات ارضی سلطنتی. پس هدف باید نوسازی صنایع باشد و در این کار، خصوصی سازی تنها یکی از ابزارهاست. ابزارهای دیگر عبارتند از ادغام واحدهای تولیدی، نوسازی و تجدید ماشین آلات، شریک شدن با سرمایه گذاران داخلی و خارجی و جز آن، به نحوی که این واحدها پس از خصوصی سازی بتوانند به حیات خود ادامه دهند. به گفته آقای وزیر صنایع، میزان استهلاك ماشین آلات در دوره پس از انقلاب، دو برابر میزان سرمایه گذاری‌های تازه در واحدها بوده است. به عبارت دیگر، در دوره پس از انقلاب جانشین ماشین آلات مستهلك شده را فراهم نکرده‌اند.

حال این پرسش مطرح است که تنها با فروش واحدها، آن هم در شرایطی که کشور در آمد کافی ارزی در دست ندارد، چگونه می‌توان جانشین این ماشین آلات را فراهم آورد؟ نیز چگونه می‌توان در مقیاس وسیع تولید کرد تا هزینه را پایین آورد و بتوان کالا را به قیمت‌های ارزان تر و قابل رقابت با بازار بین المللی عرضه کرد؟

به گمان من تا به حال مسئله خصوصی سازی در اقتصاد ایران، به گونه‌ای بایسته و با هدف زنده کردن اقتصاد کشور، در جامعه مطرح نشده و جز فروش تعدادی از واحدها، آن هم بدون توجه به آینده آن واحدها، کاری صورت نگرفته است.

دکتر عظیمی

بنده در این قسمت بحث اجازه می‌خواهم که اشاره‌ای داشته باشم به مفهوم خصوصی سازی آنچنان که در جامعه ما به کار گرفته شده است. در این زمینه به نظر می‌رسد که در چند سال گذشته، ما خصوصی سازی را با سه مفهوم مختلف به کار

گرفته ایم. گاه به این صورت که منظور از خصوصی سازی، ایجاد نوعی اقتصاد است که بر اساس اصول سرمایه داری محض کار کند؛ یعنی همان اقتصادی که مبنای تئوریک آن در حدود ۲۰۰ سال پیش، به دست آدام اسمیت پایه ریزی شد. گاه

چنین نیست و منظور، نوعی اقتصاد سرمایه داری اصلاح شده است که عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم با به کارگیری دیدگاه‌های کینز و کینزی ها مطرح شد. و بالاخره گاهی به نظر می‌آید که هیچ یک از این دو مفهوم مورد نظر نیست بلکه این است که اقتصاد بیش از حد دولتی شده را باید به نوعی تعادل بین دولت و غیر دولت رساند. هر سه این مفاهیم اینجا و آنجا در گفت و گوها و در نوشته‌های رسمی و غیر رسمی به چشم می‌خورد. در چنین شرایطی مشخص است که برای بحث درباره خصوصی سازی باید ابتدا روشن کرد که کدام مفهوم «مصطلح» در جامعه مورد نظر است. به علاوه باید کوشید از بحث‌های پیش از حد عمومی نیز پرهیز کرد. مثلاً آیا می‌توان با قطعیتی که آقای دکتر رشیدی فرمودند بیان داشت که اصلاحات ارضی هیچ نقشی در اقتصاد ایران نداشته است؟ بررسی این مسئله ممکن است نشان دهد که چنین نیست و اصلاحات ارضی زمان گذشته تحولاتی عمیق در جامعه به وجود آورده است (هر چند ممکن است این تحولات به نظر بعضی مثبت و به نظر برخی منفی باشد). یا اینکه، آقای دکتر رشیدی مطرح فرمودند که در این چند سال تنها چند واحد تولیدی به بخش خصوصی واگذار شده و هیچ کار دیگری در زمینه خصوصی سازی انجام نشده است. به گمان بنده چنین نیست و به نظر می‌رسد که در این چند ساله اقداماتی بسیار فراتر از فروش چند واحد تولیدی به بخش خصوصی در جهت کم کردن دخالت دولت در اقتصاد انجام گرفته است. البته ممکن است منظور آقای دکتر این باشد که هیچ کار مهم و مؤثری در این زمینه صورت نگرفته است.

به هر حال به بحث مفهوم خصوصی سازی و اثر آن بر اقتصاد کشورمان باز گردیم. خصوصی سازی را اگر به مفهوم «اقتصاد سرمایه داری محض» در نظر بگیریم، این نظام مشکلاتی به مراتب بیشتر از آنچه در اروپای صنعتی

آن زمان ایجاد کرد برای ما در پی خواهد داشت. نظام مذکور باید بر اساس مباحث تئوریک ذریع، مثلاً اشتغال کامل و تعادل قیمت‌ها را به وجود می‌آورد و الگوی توزیع درآمدها را به سمت تعادل هدایت می‌کند. اما تجربه نشان داد که چنین نشد. البته با به کارگیری نظام سرمایه داری محض در اروپای آن زمان، جوامع ذریع موفقی شدند به نحو وسیعی تشکیل سرمایه خردشان را ایجاد و تقویت کنند و از همین راه بیان‌های صنعتی آنان نیز شکل گرفت. اما همین نظام باعث شد که توزیع درآمد و ثروت به شدت نامتعادل گردد، فقر بسیار وسیع دامگیر اقشار بسیار گسترده جمعیت شود و اقتصاد دچار بحران‌های ادواری فراوان گردد. همین مشکلات بود که از یک طرف قرن نوزدهم اروپا را به قرن آشوب اجتماعی تبدیل کرد و از طرف دیگر دانشمندان اروپایی را به چاره جویی

واداشت. عرض بنده این است که اگر این مفهوم از خصوصی سازی مورد نظر ما باشد، مشکلات جامعه ما بیش از مشکلات اروپای آن زمان نیز خواهد بود. انگلیس را به عنوان مثال در نظر بگیرید. در دنیای آن روز، اقتصادی که بر اقتصاد انگلیس سلطه داشته باشد وجود نداشت و انگلیس، خود پیشازیر بود. هر اقتصاد پیشناز، آزادی عمل را مطرح می‌کند و خواهان آزادی عمل اقتصادی است؛ چون از این نحوه عمل با سلطه فنی که دارد شدیدا سود می‌برد. وضعیت اقتصادی امروز ما کاملاً متفاوت است. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که اقتصاد ما شدیدا مواج به سلطه فنی است. اقتصاد ایران در هیچ یک از زمینه‌های تولیدی از دیدگاه فنی،

خواهان آزادی عمل با سلطه فنی که دارد شدیدا سود می‌برد. وضعیت اقتصادی امروز ما کاملاً متفاوت است. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که اقتصاد ما شدیدا مواج به سلطه فنی است. اقتصاد ایران در هیچ یک از زمینه‌های تولیدی از دیدگاه فنی،

خواهد شد که پیش بینی شدنی هم بود. باید جامعه را از مصرف گرایی دور کند، باید زیربناهای تحقیقاتی - آموزشی به شدت تقویت شود، باید زیر بنای انرژی و ارتباطات به شدت گسترش یابد، باید منابع آب و خاک مهار و تنظیم شود و مانند اینها. اینکه آیا هر دولتی قادر به انجام این امور هست یا نه؛ و اینکه چه دولتی، دولت مناسب توسعه است؛ و اینکه چگونه چنین دولتی در جامعه ایجاد می‌شود؛ مباحث دیگری است که باید در فرصتی دیگر به بحث گذاشته شود.

دکتر اسکویی

هر نظامی، ایدئولوژی خاص خود را دارد و هیچ نظام اقتصادی بدون ایدئولوژی نمی‌تواند سرخ گرفت. میزان مشروعیت هر ایدئولوژی نیز به میزان تحمل جامعه است؛ مثلاً فقر فقر بزرگترین توهین به جامعه است و مشروعیت ایدئولوژی از میزان مبارزه‌ای که بر ضد فقر می‌کند به دست می‌آید. نظام سرمایه داری عقلایی شده - که اکنون در پایان قرن بیستم مطرح است - نیز مشروعیت خود را از میزان مبارزه‌ای دارد که بر ضد فقر در اروپای اواخر قرن نوزدهم انجام داد. اکنون کارگرانی که در مناسبات سرمایه داری و صنعتی پیشرفته وجود دارند، دارای مسکن و شغل هستند، بیمه بیکاری می‌گیرند، اتومبیل دارند... و به طور کلی در رفاه نسبی‌اند.

مثالی از ایدئولوژی سوسیالیستی بزیم، اکنون در چین، این جمعیت یک میلیارد و دو صد و پنجاه میلیون نفری، دست کم فقیر نیستند و حداقل معیشت را حتماً دارند. اگر همین کشور را با هندوستان دهه پنجاه میلادی مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که هندوستان نسبتاً غنی تر از چین بود حال آنکه امروزه چنین نیست. این یعنی همان مشروعیت نظام.

حال از این دیدگاه بپردازیم به خصوصی سازی یعنی بیبین فعالیت‌های دولت بیشتر می‌تواند فقر را از میان بردارد یا فعالیت‌های بخش خصوصی درست است که فقر در مناسبات سرمایه داری مطرح است ولی در واقع، این نیروهای اجتماعی هستند که در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و این نیروها نیز بدون ایدئولوژی نیستند. آن دسته از نیروهای اجتماعی که به آنها نیروهای راست اطلاق می‌شود بیشتر به این گرایش دارند که فعالیت‌های اقتصادی به دست بخش خصوصی انجام گیرد، اما نیروهای چپ گرایش به انجام فعالیت‌ها به وسیله دولت دادند. این قضیه در کشور ما شکل کاملاً متفاوتی دارد. در ایران نیروهای اولتراراست به دولتی شدن تمایل دارند و نیروهای راست به خصوصی سازی. دیدگاه نیروهای مودکرات و چپ هم که اصلاً در ایران مطرح نمی‌شود.

در نتیجه به اعتقاد من بحث خصوصی سازی و دولتی کردن در ایران، تنها بین دو الترانایدی و بدتر صورت می‌گیرد. آن هم به گونه‌ای که واقعا نمی‌توان بین این دو، یکی را برگزید. اگر دولت بد است، بخش خصوصی بدتر است. در نتیجه واقعا نمی‌خواهم یکی از این دو را برگزینم. اما اینجا یک بحث تاریخی مطرح می‌شود و آن اینکه هرگاه، نیروهای راست و اولتراراست به قدرت رسیدند، هر عملی که انجام دادند، تنها فقر اجتماعی را افزون کردند. امروز هم که دیدگاه راست، مشارکت مردم در صحنه فعالیت‌های اقتصادی را طلب می‌کند، صحبت از کدام مردم به میان است؟ نقد بنگینی بخش خصوصی تا دو سال پیش بیست هزار میلیارد ریال بود و اکنون دو برابر این رقم است یعنی تنها در عرض دو سال به چهل هزار میلیارد ریال رسیده است. آیا همین دسته از مردم باید در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت کنند؟ بدون مشارکت مردم امکان فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد اما دیدگاهمان از «مردم» تفاوت دارد.

با بهره‌گیری از ارقامی که آقایان دکتر رشیدی و دکتر عظیمی در مورد میزان دخالت دولت ارائه دادند، عرض می‌کنم این دولتی که صنایع کشور را در دست دارد، به صورت کثی و مستقیم قادر به اداره مناسب اینها نیست، پس چگونه می‌تواند به صورت کیفی و غیرمستقیم این صنایع را اداره کند؟ این بستر سازی‌هایی که سخن از آن به میان آمد، سیاست‌گذاری‌ها و نظارت بر این قرن بیست و یکم دیگر مستقیماً مجری نخواهد بود. در ایران، کجاسی می‌تواند دولت را با این مشخصات و بخش خصوصی را که بتواند چنین عملکردی داشته باشد سراغ گرفت؟ در شرایط کنونی بخش خصوصی در ایران، اقتصاد مملکت را به مثابه گاو شیردهی تلقی می‌کند تا بتواند منافع اقتصادی اش را به دلار تبدیل کند و به بانک‌های کشورهای خارج انتقال بدهد.

## خصوصی سازی با اقتصاد ایران چه می‌کند؟

برای مثال، از دیدگاه تئوری اقتصادی، در مورد این پرسش که آیا تجارت خارجی را باید بخش دولتی انجام دهد یا بخش غیر دولتی؟ پاسخ این نیست که باید تجارت خارجی را الزاماً دولتی کرد، اما در کنار این نکته، تئوری اقتصادی، حضور دولت برای ساختن بسترهای لازم را به شدت ضروری می‌داند. بسترهایی که در آن، هر فرد ضمن تأمین منافع خود، منافع اجتماعی را نیز تأمین کند.

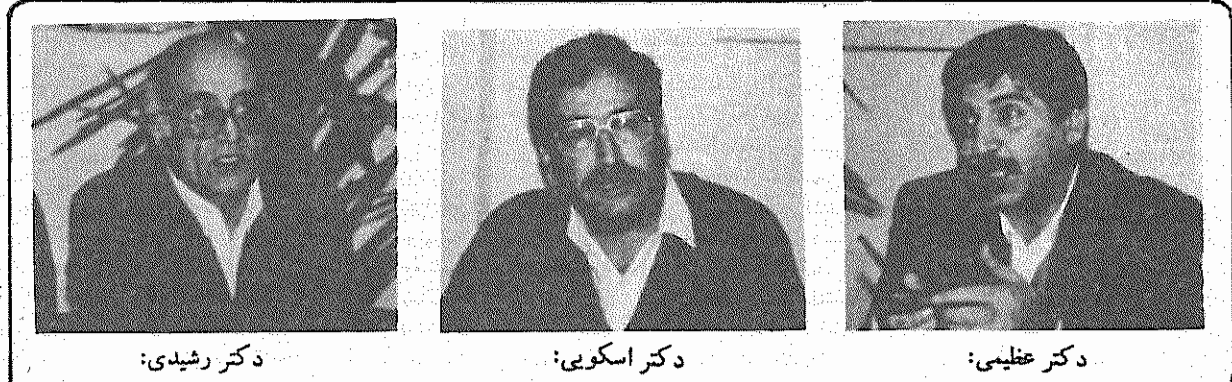
تدبیری که در آن زمان پیشنهاد شد، تقویت مبنای رقابت در بازار و جلوگیری از انحصار بود. لذا بحث این بود که اجازه دهیم افراد آزادانه به دنبال نظم شخص، حرکت کنند ولی، از ایجاد انحصار به شدت جلوگیری کنیم. تلفیق این دو وضعیت به نظر علمای اولیه اقتصاد باعث می‌شد که نفع شخصی به نفع اجتماعی تبدیل شود. یعنی از همان آغاز، بحث این بود که فعالیت خصوصی در بستر اجتماعی سالم برای جامعه مفید است (نه اینکه صرفاً خصوصی بودن کار باعث فایده برای اجتماع است).

در کشوری چون ایران که در حال توسعه (یا به اعتقاد من در حال گذار است) دولت مجبور است که ساختارها و بنیان‌های غیر صنعتی کشور را در زمانی بسیار کوتاه به ساختارهای مدرن و صنعتی تبدیل کند. مثلاً پیراژده به مسائلی چون انرژی، زیر بنای ارتباطی، مهار آب و خاک، نظام آموزشی مطلوب، نظام تحقیقاتی مناسب، سیاست‌گذاری توسعه‌ای دولت و مانند اینها. اگر دولت به این امور به حد کفایت بپردازد، آنگاه فرصت و امکان دخالت مستقیم در تولید را نخواهد داشت. ضرورتی هم برای این کار نخواهد دید جز در مورد کالاهای عمومی و در یک زمینه دیگر که تجربه نشان داده است که دخالت دولت موفقیت آمیز خواهد بود. یعنی سرمایه گذاری‌های کلان. در این زمینه بخش خصوصی، یا سرمایه لازم را نمی‌تواند تأمین کند و یا اطمینان کافی برای چنین سرمایه گذاری را ندارد. سه مفهوم متفاوت خصوصی سازی در اقتصاد

دارای برتری نسبی نیست و همه جا مواج به سلطه فنی است (بدیهی است که این مسئله با سلطه سیاسی تفاوت دارد).

مسئله دیگر آنکه، کشورهایی چون ایران با انفجار جمعیتی فعال را به شدت رشد می‌دهد. همسراه با آن شهرنشینی و تمرکز جمعیت زیاد می‌شود، املاعات و انتظارات مردم افزایش می‌یابد و دیگر نمی‌توان مردم را در فقر نگاه داشت و دارای ثبات بود. لذا کشور مجبور می‌شود در شرایط وجود بیکاری دستمزدها را افزایش دهد. تحلیل اقتصادی بر اساس الگوی کلان، این است که در این شرایط دخالت نکند و بگذارد دستمزدها کاهش یابد. این کاهش دستمزدها باعث سرگرمی مردم و... می‌شود. ولی چه می‌توان کرد؟ آیا شرایط امروز اجازه می‌دهد که این سیاست عملی شود؟ و آیا این سیاست مطلوب است؟

حال اگر مفهوم دوم از خصوصی سازی (اقتصاد سرمایه داری اصلاح شده) را در نظر بگیریم، در اینجا نیز نباید فراموش کرد که اقتصاد تنها تئوری یا نوعی بحث فلسفی نیست، علم اقتصاد علم تجربی است. لذا اگر اقتصاد کینزی و دولت رفاه در اروپا مطرح شده، مربوط به زمانی است که کشورهای اروپایی حرکت توسعه‌ای خود را طی کرده و تقریباً به پایان رسانده بودند. منابع وسیعی به زیر بناها تخصیص داده شده بود، تشکیل سرمایه زیادی صورت گرفته بود، بنیان‌های فنی تولید به شدت تقویت شده بود و در این شرایط مسئله اصلاح نظام سرمایه داری محض، دولت رفاه، دخالت محدود دولت در اقتصاد و... مطرح می‌شد. لذا به طور خلاصه اشاره می‌کنم که اگر از خصوصی سازی در جامعه ایران مفهوم دوم را در نظر داریم، باید توجه کنیم که به چارچوب مناسب اجتماعی آن عنایت لازم را نداشته ایم و دقت نکرده ایم که این مفهوم تناسبی با شرایط اجتماعی



دکتر رشیدی

دکتر اسکویی

دکتر عظیمی

کثرت ما در وضعیت حال ندارد. اما مفهوم سوم، به گمان من مفهوم سوم؛ که عبارت است از محدود کردن نقش دولت، در شرایطی که جامعه ما در بسیاری از زمینه‌ها بیش از حد دولتی شده است، مفهومی درست به نظر می‌رسد. آقای دکتر رشیدی اشاره فرمودند که حدود ۸۰ درصد تولید در اختیار دولت است. البته منظور ایشان نمی‌تواند دقیقاً ۸۰ درصد تولید باشد چرا که با کنار گذاشتن کشاورزی و تجارت و بخش عظیمی از سایر خدمات و نیز بخشی از فعالیت صنعتی، درصد بسیاری کمتری از تولید ملی باقی می‌ماند که مستقیماً زیر نظر دولت قرار می‌گیرد. با این همه در بیش از حد دولتی بودن اقتصاد ایران، جای هیچ گونه تردید وجود ندارد. حال اگر خصوصی سازی در معنای کم کردن نقش دولت در شرایط فعلی کشور باشد، این کار روش‌های ویژه



نگاهی کوتاه به تحریفات گمراه کننده نشریه "مجاهد"

چرا مجاهد دروغ می نویسد؟

مهدی ابراهیم زاده

بدنبال نتیجه گیری باشد، کفایت می کند.

یک نمونه دیگر

برای اینکه روشی که مجاهدین در قبال داد گاه برلین در پیش گرفته اند، بهتر روشن شود، به یکی دیگر از اعمال آنها اشاره می کنم. در ماه ژوئن سال گذشته در حالی که اپوزیسیون دموکرات ایران درگیر مبارزه ای حساس برای اثبات نقش جمهوری اسلامی در ترور برلین بود، از سوی اداره جنائی فدرال آلمان و کمیسیون ویژه تحقیق می کونوس، سؤالی را در مقابل همه شهود مستقیم و غیر مستقیم ترور قرار دادند. سوال این بود: آیا گرد همایی می کونوس به قصد ملاقات با نجاتی، فرستاده رژیم نبوده که در جریان آن نجاتی به جای خود گروهی تروریست را به سراغ شرکت کنندگان در جلسه فرستاده است؟ همه شهود با تحیر و خشم به این سوال غیر منطقی پاسخ منفی دادند. ترجیح پلیس آن بود که علت طرح این سوال اظهارات یکی از اعضای یک سازمان اپوزیسیون است.

۶ ماه بعد، در جریان داد گاه، وقتی کاظم موسوی زاده عضو سازمان مجاهدین خلق به عنوان شاهد در داد گاه حضور یافت، معلوم شد چه کسی و از سوی کدام سازمان سیاسی این ادعای ردیلا نه را تحویل پلیس داده است. البته نزد پلیس و در مرحله تکمیل پرونده می شود هر ادعای پوچی را طرح نمود. اما در داد گاه باید همه چیز را ثابت کرد. موسوی زاده در مقابل سؤالات بی دربی داد گاه در مورد دلایل ادعای خود، ابتدایه نظر "یک میلیون" مجاهد و سپس "ماهیت سازشکارانه" سازمان های شرکت کننده در جلسه اشاره کرد، اما سرانجام مجبور شد اعتراف کند آنچه گفته حدس و گمان و نظر شخصی اش بوده است!

کار که به رسوایی کشید، خود موسوی زاده قربانی مصالح مجاهدین شد. گفتند: موسوی زاده عضو ما

تذکره نشریه "کار" مبنی بر اینکه چرا مجاهدین در قبال جریان داد گاه برلین سکوت کرده اند، واکنش تند و کینه توزانه ای را از سوی آنها موجب شد و بهانه ای گردید برای ردیف کردن انواع تهمت ها و دروغ هایی که هنوز هم کماکان ادامه دارد. پس از این تذکره بود که مجاهدین به انعکاس گسترده جریان داد گاه پرداختند، اما در این میان دست کم یکی از اهداف اصلی آنها بر "افشاگری علیه مخالفان سیاسی خود یعنی جریان های که در واقعه ترور برلین مورد حمله رژیم قرار گرفتند، متمرکز شد. به این منظور مجاهدین به تحریف های بی سابقه ای در گفته های شهود داد گاه دست زدند، که در نوع خود بی سابقه بود. برخی از کسانی که امواج دروغ گویی مجاهدین متوجه آنها شد، به این دروغ گویی ها پاسخ داده اند. از جمله در نامه ای که از سوی کمیته ایرانی ضد ترور در برلین، که بسیاری از دست اندر کاران آن به عنوان شاهد مستقیم و یا غیر مستقیم در داد گاه حضور یافته اند، به نشریه "مجاهد" ارسال شد، مواردی از ادعاهای کذب مجاهدین خاطر نشان گردید. اما "مجاهد" حتی به قوانین معمول مطبوعاتی هم پای بند نماند و از چاپ این نامه خودداری کرد.

نگارنده این سطور نیز از امواج دروغ گویی های "مجاهد" بی نصیب نمانده است. در "مجاهد" ۱۳۲۷ قولی از شهود نوشته اند "این فرد رهبری، در تصمیم جمعی در یک ماهیم پناهندگی تصویب کرده بود که بهتر است تماس ها (منظور تماسها با عوامل جمهوری اسلامی است) ادامه یابد." دروغ محض است. نه چنین جلسه ای در هیچ هائمی تشکیل شده است، نه نگارنده اساساً چنین نظری دارد، نه این مسئله از طرف کسی در داد گاه طرح شده و نه هیچ روزنامه ایرانی و آلمانی چنین نوشته است. "مجاهد" این حکایت را در شماره ۳۳۰ نیز تکرار کرده و به نقل از من نوشته: "اوه که عضو رهبری فعلی اکثریت است. خود در داد گاه اعتراف می کند که از این تماس ها اطلاع داشته و آن را تصویب کرده است" که تکرار دروغ قبلی است و تأییدی بر ضرب المثل "دروغ گویم حافظه است" چرا که "مجاهد" حداقل فراموش کرده در شماره ۳۲۶ خود در چاپ اظهارات من در داد گاه این دروغ را قبلاً به چاپ برساند تا ماخذ استناد بعدی اش شود! (مقاله نویسنده "مجاهد" حداقل تعهدش می بایست وفاداری به نوشته های خودشان باشد) آنچه باید تکذیب شود در نامه "کمیته" ضد ترور برلین و نوشته های دیگر تکذیب شده و برای کسی که

موجود حضور داشته باشد و مانع فعالیت انحصار طلبانه آنها که همه ایران را فقط برای خودشان می خواهند، بشود. از نظر آنها گروه و سازمان دیگری که در مبارزه با استبداد قد علم کند، باید با همه نیرو بر ریشه اش تیشه زده شود تا مزاحم شعار "ایران بر جوی نشود".

ایا هیچ توجه کرده اید که مجاهدین اصلاً حاضر نیستند پیرامون موضوعات اساسی و بنیادی وارد هیچ گفتگویی یا هیچ کسی شوند؟ هیچگاه دیده و شنیده نشده که مجاهدین درباره موضوعاتی همچون اهداف و دیدگاه ها، آزادی، دموکراسی، اشکال مبارزه، آلترا تئودموکراتیک، جبهه، وحدت ملی، منافع ملی، مسئله ملی و موضوعات نظریه یا سازمان های سیاسی حتی با فرهنگ و منش خود سوارد بحث و گفتگو شوند. چنین چیزی تا به حال دیده و شنیده نشده. به این دلیل ساده که مجاهدین در این موضوعات سخنی برای گفتن ندارند. وارد شدن در چنین گفتگوهای زسوی آنها، به راحتی اثبات میکند که سیاست های آنها پیرامون مسائل مهم و واقعی ایران تا چه حد از مصالح ملی و منافع مردم به دور است و به همین دلیل است که مجاهدین همواره دعوت های مکرر از سوی دیگر نیروها جهت گفتگو پیرامون مسائل واقعی و سرنوشت ساز را بی پاسخ گذاشته اند یا یا فحاشی پاسخ داده اند.

مجاهدین تنها در فضای تخاصم، دشمنی و مسموم می توانند نفس بکشند و بزرگترین موفقیت شان هم در این است که این فضا را بر کل مناسبات میان نیروهای سیاسی حاکم کنند، تا بتوانند خود را در میان انبوه پرسش هایی که حتی در میان هواداران شان نسبت به عملکرد آنها پدید می آید، محق جلوه دهند. تمام تلاشی که مجاهدین به خرج می دهند تا همه نیروهای سیاسی را جریان های بی نشان دهند که سر نخشان به رژیم جمهوری اسلامی بند است و عملکرد آنها در مورد داد گاه برلین نیز تنها یک نمونه از آن است فقط برای این است که به نیروهای خود نشان دهند، این جریانها لایق بحث های جدی نیستند. اما مجاهدین نباید موفق شوند که این فرهنگ و فضای مسموم را بر دیگران تحمیل کنند. اپوزیسیون دموکرات ایران باید بطور پیگیرانه و مسئولانه تلاش کند مجاهدین را به گفتگوهای جدی پیرامون مسائل واقعی کشور مجبور سازد تا چهره آنها همانگونه که هست مورد قضاوت دقیق تری قرار گیرد. ایجاد جو خشونت، توسل روزمره به ترور سیاسی و سایر اقدامات مجاهدین نباید مانع فراموشی این وظیفه گردد.

گاندی بود که مسئله کشمیر را به مسئله ای میان اسلام و هند و بیسم بدل کرد. از زاویه معنی حزب کنگره نخستین حزبی بود که از منطقه ای بودن بهره برداری کرد و این بزرگ ترین تخطی از نقش وحدت بخش این حزب در دوران نهری بود که در حمله اول بریک اتفاق سکولاریستی مبتنی بود. ایندیرا گاندی بذر منطقه ای بودن را افشاند. و اکنون بنیاد گرایان هند و از نتایج سیاست حزب کنگره بهره می برند.

پرسش: آیا منظورتان این است که هر چه احزاب بزرگ موضوعات مذهبی یا منطقه ای را بیشتر برجسته کنند، به همان نسبت هم وحدت هند وستان با خطر بزرگ تری مواجه خواهد شد؟ پاسخ: وحدت هند وستان تنها بر پایه ای فدرال امکان پذیر است. این وحدت را نمی توان با فرمان دهلی نو یا بر جاناگاد داشت. تا هنگامی که جنبش ناسیونالیستی موجود بود و رومانیتسمی ضد استعماری عمل کرد داشت، چنین وضعیتی ممکن بود، اما هند وستان جامعه ای متنوع است. ما فقط به خاطر این که جامعه ای پلورالیستی بودیم به یک دموکراسی بدل شدیم. در غیر این صورت دموکراسی امکان حیات نداشت.

حزب کنگره می خواست اراده خود را پیش ببرد. وقتی حزب در این راه با شکست روبرو شد، از سلاح منطقه ای کردن استفاده کرد و آن گاه بهار اتیا جامتا سربر افراشت. امروز می توان مشاهده کرد که حزب کنگره آقای راتو و حزب هندی آقای ادوانی مانند هم می اندیشند. بسیاری معتقدند مسئله آلوده بودن همکاری مرکز نمی توانست به وجود آید. حزب کنگره و بهار اتیا جامتا می گویند اگر قدرت بیشتر به پنجاب ویا کشمیر داده شود، کشور را هم خواهد پاشید. واقعیت خلاف این است. جنبش های تجزیه طلب در این دو ایالت به این خاطر پدید آمدند که قدرت میان آن ها و مرکز عادلانه تقسیم نشده بود.

پرسش: شما در نوشته های خود از فقدان چشم اندازها صحبت می کنید و این امر را با فروپاشی سیستم سوسیالیستی مربوط می دانید.

پاسخ: من اخیراً مقاله ای به نام "پایان راه حل ها" نوشته و در آن به تجزیه و تحلیل عمومی تحولات اجتماعی پرداخته ام. من از پایان سوسیالیسم متأسف نیستم. من خود را یک کمونیست و یا یک سوسیالیست محسوب نمی کنم، اما در این مورد تردید دارم که در اروپای شرقی جنبشی با سمت و سوی دموکراتیک رشد کند. حرکت آن ها به سوی بازار سرمایه داری است. البته در آن کشورها جنبش های مردمی بزرگی علیه احزاب کمونیستی و استالینیستی وجود داشتند. اما این امر در جهت تقویت جنبش های دموکراتیک مورد استفاده قرار نگرفت و به کسب حقوق و آزادی های بیشتر منجر نشد. بلکه این جوامع را به سوی سرمایه داری بزرگ راند.

پایان راه حلها

برگردان: م. مزدک

حزبی دست راستی است، بلکه هم چنین به این دلیل که به خوبی سازمان دهی شده و از کادرهای ورزیده ای برخوردار می باشد. حزب هندو جریانی قوی خواهد شد، حزب کنگره موقعیت سابق خود را باز نخواهد یافت، اما نیروی سومی هم پیش روی خواهد کرد. این نیرو شامل دو حزب کمونیست، حزب جانانادا دال و برخی احزاب دموکرات کوچک تر است. احزاب مزبور تلاش می کنند هم در برابر بهار اتیا جامتا و هم در برابر حزب کنگره یک آلترا تئو ایجاد کنند. البته آن ها انتخابات آینده را نخواهند برد، اما به یک نیروی مهم بدل خواهند شد. در آینده نزدیک اکثریت روشنی در پارلمان وجود نخواهد داشت و قدرت احزاب شکننده خواهد بود.

پرسش: موضوع دیگری نیز آینده هند وستان را در برده ایهام فرومی برد. بنظر می رسد وحدت کشور مورد تهدید است. کشمیر، پنجاب و مجموع شمال شرقی هند وستان در معرض خطر تجزیه است. پاسخ: هند وستان بر اساس قانون اساسی خود کشوری فدرال است. قدرت باید میان مرکز و ایالات تقسیم شود. آلمان و ایالات متحده آمریکا نیز ساختاری فدرال دارند. وضع در هند وستان چنین بود که حزب کنگره طی دورانی طولانی چه در دهلی و چه در ایالات تسلط داشت. به این ترتیب جنبه فدرال قدرت در کشور ضعیف بود. در این میان احزاب اپوزیسیون در ایالت ها نیرو گرفته اند. باید توجه داشت که حزب کنگره از اکثریت مطلق آزاد در کشور برخوردار نبوده است. از جندی پیش به این سوم مشاهده می کنیم که احزاب منطقه ای ایجاد می شوند و حقوق بیش تری برای هر یک از ایالات مطالبه می کنند، تا هند وستان را به کشوری واقعاً فدرال بدل کنند. پنجاب آغاز گرایان راه بود. ابتدا بحث پیرامون عدالت بیشتر برای این ایالت متمرکز بود، که به شدت توسط مرکز کنترل می شد. پنجاب دوسوم ذخیره مواد غذایی کشور را عرضه می کند، ولی با این وجود فقیرتر از مرکز است. به این ترتیب در روابط میان دولت ایالتی و قدرت مرکزی مسئله ایجاد شد. در کشمیر نیز مردم خواستار استقلال بیشتر شدند. به علاوه هنگامی که خانم گاندی پس از دوره جانانادا دوباره به قدرت رسید، به سرعت نفوذ و اعتبار خود را از دست داد. آن گاه وی وارد کارزار علیه اپوزیسیون شد و در این راه خود به نحوی منطقه ای عمل کرد و مسئله پنجاب را به مسئله هند وها و سیک ها تبدیل کرد. در کشمیر نیز وضع چنین بود. خود آگاهی مردم در آن جا کم تر جنبه اسلامی دارد. در کشمیر پیوند قومی قوی تر از پیوند مذهبی است. این خانم

پلورالیستی بود و این مذهب های کاملاً مختلفی را منجم می کرد. هند و بیسم مذهبی مسلط نبوده است ولی اکنون به عنوان یک مکتب، یک روحانیت و یک نمازخانه تصور می یابد. تا کنون این مسائل کاملاً با هند وستان بیگانه بوده اند. اما این پیش با رشد حزب بنیاد گرای هند و بیسم و سازمان های نظیر آن در حال پیش روی است. در هند وستان دورانی طولانی پلورالیسم مذهبی وجود داشته است. اما همواره جدائی دین از دولت را به گونه ای متفاوت با اروپا تعریف کرده ایم. این جزا آزادی مذهب وجود داشت، اما آزادی یکسان برای تمامی مذاهب. دولت علیه مذهب نبود، بلکه از گرایش های مختلف اعتقادی حمایت می کرد و به ویژه پشتیبان اقلیت های مذهبی بود. روند امروزی تسلط هند و بیسم مبتنی بر روح بنیاد گرایانه، مغایر چنین سیستمی است.

پرسش: این وضع چه تأثیری بر تحولات سیاسی هند وستان خواهد گذاشت؟ آیا بازسازی نقش وحدت بخش حزب کنگره قابل تصورات است یا این که بنیاد گرایان هند و قدرت را تصرف خواهند کرد؟ پاسخ: قدرت حیات حزب کنگره بسیار محدود و به نظر می رسد. این حزب نه تنها با بر جنبه های که در بالا به آن ها اشاره کردم، بلکه علاوه بر آن از نقطه نظر کادر رهبری و نیز قدرت سازمانی اش ضربه خورده است. این حزب دیگر قادر نیست اعتماد و حمایت مردم را مانند دوران گاندی و نهری و کسب کند.

پیرامون آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد، هنوز نمی توان به روشنی پاسخ گفت. بسیاری معتقدند حزب افراطی بهار اتیا جامتا در حال پیش روی است. من نسبت به این موضوع تردید دارم. این حزب به نقطه اوج خود رسیده است و اکنون از قدرتش کاسته می شود. اخیراً یک همه پرسی در مورد اقدام حزب مذکور در پایان سال ۹۲ میلادی مبنی بر برپا کردن مسجد شهر آلوده و بنای یک بنای مذهبی هندو در این شهر انجام شد. در این همه پرسی دیگر مسئله تعرض به اماکن مذهبی اسلامی مانند گدشته مقام اول را به دست نیارود و به مرتبه سوم تنزل یافت. در حالی که مسائل عمده ای نظیر فساد و رشوه خواری جای اول را اشغال کردند. من فکرمی کنم اکثریت مردم گرایش زیادی به حزب بنیاد گرای بهار اتیا جامتا ندارند. بخش معینی از مطبوعات، قشر روشن فکرو اقشار متوسط به مواضع راست گرویده اند، اما این امر در مورد توده مردم صدق نمی کند. البته بهار اتیا جامتا از سقوط حزب کنگره و از فقدان یک آلترا تئو مشخص چپ بهره برداری می کند. نه تنها به این علت که این حزب،

پروفسور راینی کوتاری "مهم ترین متخصص علوم سیاسی هند وستان است. وی بنیان گذار مرکز تحقیقات تحولات اجتماعی در دانشگاه جواهر لعل نهری می باشد و سال های زیادی مدیریت این مؤسسه را بر عهده داشته است. پروفسور کوتاری اکنون مشغول بررسی علل اندک حزب "کنگره" هند و از بین رفتن نقش بنیادی آن در نظام سیاسی هند وستان است. وی از منتقدان سرسخت ساختارهای سیاسی خود کامه در شبه قاره هند می باشد. فعالیت های او تنها به زمینه علمی محدود نیست. وی یکی از اندیشمندان راه گشای جنبش اپوزیسیون چپ هند وستان می باشد و به طور منظم مقالاتی پیرامون موضوعات سیاسی روز در مطبوعات هند وستان به چاپ می رساند.

اخیراً فرانک براسل "خبرنگار هفته نامه آلمانی فرایتاگ" مصاحبه ای با پروفسور کوتاری درباره بنیاد گرائی مذهبی و ملت گرائی منطقه ای در هند وستان انجام داده است. در زیر ترجمه این مصاحبه از نظر تان می گذرد.

پرسش: هند وستان به یک دوراهی رسیده است. سیستم مبتنی بر تسلط حزب کنگره در حال فروپاشی است. چه چیزی قادر است جای آن را پر کند؟ پاسخ: حزب کنگره جبهه ای بود که نیروها و منافع مختلفی را در بر می گرفت، همانند حزب لیبرال ژاپن که آن هم مواجه با مشکلاتی است یا PRI در مکزیک. من همواره گفته ام که حزب کنگره از جنبه های معینی تنوع جامعه هند وستان را منعکس می کرده است. نهاد های اجتماعی و مذهبی مختلف، مناطق مختلف، منافع مختلف و نیروهای چپ و راست همگی در این حزب بازتاب داشتند. این حزب به وسیله سیستمی که در هند وستان اغلب مورد استفاده قرار گرفته است که همانا سیستم توافقی بر سر اصول اساسی بود، دولت هند وستان پا بر جاناگاد داشته می شد. اکنون این سیستم از هم پاشیده است. دیگر توافقی وجود ندارد.

نظام مزبور از جمله به دلیل شکل گیری نظم به اصطلاح نوین جهانی پس از پایان جنگ سرد شکست خورد. نظم جدید در تلاش است همه جهان را تحت سلطه خود بگیرد. امروزه ما شاهد تجدید روابط استعماری در کشورمان هستیم. این وضع عواقب جدی دارد. زیرا توافقی که حزب کنگره آن را نمایندگی می کرد، مبتنی بر یک دولت قوی و یک بخش دولتی وسیع در اقتصاد بود.

ضربه دیگر بر سیستم موجود در زمان حزب کنگره جنبش هندوتوا می باشد که نوع جدیدی از بنیاد گرائی است. درباره بنیاد گرائی اسلامی بسیار سخن گفته اند. درباره گرایش بنیاد گرایانه در کلیساهای مذهبی غربی نیز همین طور. اما تا کنون بنیاد گرائی هند و وجود نداشته، زیرا مشخصه هند و بیسم ساختارهای

## چراویگن؟

با عرض سلام:  
در کار شماره ۷۴ به تاریخ اول دیماه ۱۳۷۲ آگهی برگزاری جشن سالگرد تاسیس سازمان فدائیان را خواندم و تعجب برانگیز برای من حضور ویگن در جشن بود. سال پیش هم شنیدم که عارف در جشن شرکت داشت.

به یاد آن روزهایی افتادم که اینگونه خوانندگان از طرف جریانات چپ ایران از جمله شما مطرود بودند و به خوانندگان مبتذل نامیده می شدند.

این سوال برایم پیش آمد که چه شده است و چه تغییرات پایه ای در تفکر سازمان و در رهبری آن بوجود آمده است که در جشن سالگرد تاسیس سازمان خون و اسلحه و مبارزه و انحراف و بازنگری و تدوام، ویگن - خواننده ای که در تاریخ هنر ایران مهر خود را زده است - حضور دارد.

البته من از این بابت بسیار خوشحالم ولی فکرمی کنم که بهتر بود در نشریه کار علت اینگونه چرخش های اصولی بازگویی می شد تا لاقل این شبهه بوجود نیاید که این گونه اعمال از طرف "اکثریت" سطحی است.

با امید توفیق روزافزون برای همه مردم ایران  
غلام هانور، ژانویه ۹۴

"کار": برخورد یکجانبه نیروهای چپ به هنر و تنوع هنری در جامعه ما واقعیتی است که به ویژه در دوره ای به شدت وجود داشته است. این نحوه برخورد هر چند واکنشی بود در برابر سیاستهای رژیم شاه در مورد هنر و از جمله سوق هنر بسوی ابتدال و بی مایگی، اما باید پذیرفت بدلیل کجی های خود

نخوانست به این هدف خدمت ارزنده ای بکنند. مثلاً در زمینه موسیقی، در آن دوران تنها خوانندگان و آهنگسازانی مقبول چپ بودند که آثارشان با مسائل سیاسی و اجتماعی پیوند مستقیم می خورد، یا در سبک سنتی به آفرینش می پرداختند و یادستی در اجراهای فولکلوریک داشتند. علت طرد و نفی گروهی از خوانندگان مشهور که در سبک های جاز و غیر سنتی هنر نمایی می کردند و نوآوری های رانیز عرضه کردند، ریشه در همین نگاه و تفکر داشت که به هنر تنها از زاویه سیاست می نگریست.

اما زندگی انسان تنها در کنش و بینش های سیاسی و اجتماعی وی خلاصه نمی شود، بلکه چالش های درونی، کش و قوسهای عاطفی و روحی و عشق، دلبستگی ها و نضرت های او را نیز در بر می گیرد و قلمرو هنر با تاز و طرح همه این جنبه های متنوع و گونه گون است.

بغایر همین گستردگی حوزه الهام و تاثیر هنر است که نباید آن را زیر دست سیاست کرد و به نام سیاست برای آن معیار و ضابطه تعیین کرد. گرچه نباید از هنر انتظار داشت که تنها بیان لطیف سیاست باشد.

ولی نزدیک شدن به لبه دیگر بام نیر نادرست است. بازداشتن هنر از پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی نیز برخوردی یک جانبه و همچنین سوق دادن هنر به سوی ابتدال از نمونه های این گرایش است.

سازمان ما در سالهای اخیر کوشیده است برخورد های خود را بر این شالوده بنا کند. ما نه تنها در اندیشه بهره جویی از هنر، بلکه همچنین در صدد دلالت بردن از آن هستیم.

## غم "سیرا مسترا"

مجله آدینه در شماره ۸۸ خود صفحات بسیاری را به مسئله کوبا و شخصیت کاسترو و آنچه سیاسی و شخصی و عاطفی اختصاص داده است. مقاله ای با عنوان "غمی که به سیرا ما مسترا باید گفت" نوشته مسعود بهنود، بار عاطفی سنگینی را برای بسیاری از ما داشت. والته بارد بعضی پرتگاههای تاریک عاطفی

سیرا مسترا  
شیرین ۱۵/۲/۹۴ برلین

غمت رانه به سیرا

به دل من بگو که سیرا، بولیوی، تل زعترو سیاهکل را در خود جاداده و هنوز جا دارد

قامت هنوز نشکسته ات را از خوزه برگیر

او خسته تر از توست

به اندوه من که از فرط دیرسالی چنین صعب و سنگی شده تکیه کن چشمان خسته ات را از آن سرخ های کوچک نیز برگیر مثل پروانه در هجوم، حیران کار خویش اند.

دمی بیاسای

آنگاه به آب نگاه کن به جاری رودخانه

که اگر گاهی نیز به راهی دیگر

سرا انجام و همواره سر به سوی دریا دارد

دریا هر چه باشد حقیقت همیشه است.

## نظمی نوین در ساختاری کهن

نظم نوین قانون آن جنگلی است که درختان آن آسمان خراشان شیشه ایست، و برگهایش گلوله هایی آهنین، و منطقش بس شگرف و فراگفتنیست.

راز زندگی، سیقت از دیگران و رمز آن درک ساختاریست که با پاهش استمنا زور بردگیست.

نسیم این جنگل، مسموم و آغشته به امواج هسته ایست. آب و خوراک مهربان زندگی و سقف خوابگاه اگر مهیا شود، رتبه فخر دربار از هرزگیست.

اگر شیران جنگل دیروز برای رفع گشنگی خون بیامی کردند، گرگان جاکم جنگل امروز برای ارضا هوسهای کنیفشان محتاجند به هر آنچه کسب کردند.

امروز روبهان واعظ این نظم جنگلی با سرود: "انسان شکست خورد، زین پس انسانیت ابله نیست"، از خاکمان سرمایه مدال صبر، شعور و حوصله طلب می کنند و فریاد می زنند: "عدالت آن است که در این ساختار و در پیشگاه گرگان دست یافتنیست."

جنگلی با نظم جنگلی. در جنگل امروز آرزوهای شیرین دیرین مادر گرد و غبار جشن سواران سرما به گم ولی دست یافتنیست.

برای انسانیت انسان باقی ماندن، امروز محتاج نبرد است آینده ساز که در آن انسان دوست داشتنیست.

کاوه - انگلستان

## "کار" را مشترک شوید!

## پاسخ به نامه ها

● دوست ارجمند، الف. آویشن: با سلامهای متقابل. نامه محبت آمیز و پیشنهادات درخور توجه شما را در مورد "کار" دریافت کردیم. هیئت تحریریه "کار" بخشی از دیدگاه خود در مورد "کار" را در سرمقاله شماره ۷۹. بمناسبت شانزدهمین سالگرد انتشار "کار" چاپ خوانندگان خود در میان نهاد. همانگونه که در آنجا نیز تاکید شد، بحث در مورد اینکه "کار" چگونه باید باشد، بحثی است باز و تمام نشده. پیشنهادات شما نیز می تواند به نتیجه بهتر این بحث کمک کند. این پیشنهادات در اختیار تحریریه "کار" قرار گرفت.

● همکار ارجمند، بهروز میثمی - لندن: ترجمه خوب و روان مقاله "پنناگون از خرابکاریهای ایران مقروض در خلیج وحشت دارد" را متأسفانه بدلیل پاره ای ملاحظات، نتوانستیم مورد استفاده قرار دهیم. منتظر همکاریهای بعدی شما هستیم.

● رفیق عزیز، اندیشه: نشریه کار همانگونه که بارها اعلام کرده است. خود را در خلاصه کردن مقالاتی که به چاپ می رساند، مجاز می شناسد. به خصوص در شرایط فعلی حجم مطالبی که برای درج در صفحات "دیدگاهها" به نشریه می رسد، به گونه ای است که ما را بیش از پیش مجبور به تلخیص مقالات می کند. کوشش ما در تلخیص مقالات این است که به بافت کلی آنها لطمه نخورد و این کار همیشه آسان نیست. در مورد مقاله شما بنام "برنامه توسعه اقتصادی و سمت گیری سوسیالیستی، نیز بخشی از مقدمه آن حذف شد. درخواست شما برای درج مجدد و کامل این مقاله، با توجه به امکانات ما، متأسفانه مقدور نیست.

● دوست گرامی مسعود از هلند - برای آبونمان "کار"، فرم ویژه آبونمان را که در هر شماره درج می شود، پر کنید و همراه با رسید پرداخت وجه آبونمان به آدرس نشریه بفرستید.

● دوست عزیز، سیاوش از کانادا: درخواست شما در اختیار مسئولین مربوطه قرار گرفت.

● دوست عزیز اکبر (سیاوش)، با سلام متقابل. از توجه مسئولان و بررسی های انتقادی شما نسبت به مصاحبه های مربوط به ۱۹ بهمن سیاسگزاریم. تذکر شما در مورد لزوم ساده نویسی و روان نویسی و احتراز از پیچیده گویی مسائل به جاست. "کار" همواره کوشیده است ساده نویسی و روان نویسی را مدنظر داشته باشد. نوشته های خود را می توانید از طریق آدرس پستی نشریه به دست ما برسانید.

● دوست گرامی تقی از هلند: نوشته شما تحت عنوان "خواهیهای پریشان یک پناهنده" را متأسفانه بدلیل کمبود جا در نشریه، نتوانستیم مورد استفاده قرار دهیم. ما به خوبی واقفیم که "کار" با چهار چوبه و محدودیتهای فعلی خود، امکان استفاده از مطالب بسیاری را - که در نوع خود با ارزش و لازم هم هستند - ندارد و این مشکلی است که از متنوع و همه جانبه بودن "کار" کم می کند. اما متأسفانه در شرایط کنونی نمی توانیم قولی بر افزایش صفحات و استفاده از نوشته های نظیر نوشته شما را نیز بدهیم. در انتظار همکاریهای تازه تر شما با نظر داشت توضیحات فوق هستیم.

● دوست عزیز ع. ا. از فنلاند: مقاله شما در مورد وقایع کشور فنلاند را دریافت کردیم. از همکاری شما سپاسگزاریم. خلاصه ای از مقاله قبلی شما در زمینه مسایل ملی آماده چاپ است و تنها بدلیل کمبود جا و تراکم مطالب موفق به چاپ آن نشده ایم. معیار ما در انتخاب مطالب برای درج در نشریه، بیش از هر چیز به کیفیت و موضوعیت آنها بستگی دارد.

## درخواست!

از خوانندگان و همکارانی که برای "کار" نامه یا مقاله می نویسند درخواست اکید داریم موارد زیر را رعایت کنند.

۱. نام و آدرس خود را به گونه ای قید کنند که تماس با آنها برای "کار" امکان پذیر باشد.
۲. اگر مایل به درج نام خود نیستند، یک نام مستعار را در زیر نامه خود پیشنهاد کنند.
۳. برای نامه ها و مقالات خود تیترو مناسب انتخاب کنند.
۴. متن اصلی مقاله ترجمه شده را ضمیمه ترجمه آن کنند.
۵. نامه ها و مقالات خود را تا حد ممکن کوتاه و فشرده تنظیم کنند.

### فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید  تمدید اشتراک

مدت اشتراک: شش ماه  یکسال

نام: ..... تاریخ: .....

آدرس: Name: \_\_\_\_\_

Address: \_\_\_\_\_

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمپر) به آدرس "کار" پست نمایید.

### بهای اشتراک "کار"

اروپا:  
ششماه ۴۵ مارک  
یکسال ۹۰ مارک  
سایر کشورها:  
ششماه ۵۲ مارک  
یکسال ۱۰۴ مارک

### "کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته

یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.

حساب بانکی: M.ABD آدرس: RUZBEH  
NR\_35263011  
POSTFACH 1810  
کد پانک: 37050198  
52020 AACHEN  
Stadtsparkasse Köln  
GERMANY  
GERMANY

شماره فکس: Fax: 0049 \_ 221 \_ 3318290



اوکراین که با ۵۰ میلیون نفر جمعیت، از لحاظ وسعت دومین کشور بزرگ اروپاست، در روزهای ۷ و ۲۱ فروردین پارلمان جدیدی برگزار شد. تا هنگام تنظیم این گزارش، نتیجه مرحله دوم انتخابات که یکشنبه ۲۱ فروردین برگزار شد، اعلام نشده بود. در مرحله اول، بازیگران اصلی لئونید کراوچوک رئیس جمهور ۶۰ ساله اوکراین و طرفدارانش بودند که در طیف نیروهای سیاسی اوکراین، نیروهای میانه محسوب می‌شوند. در مقابل، کمونیست‌ها در شرق، ناسیونالیست‌های روس در شبه جزیره کریمه و ملی‌گرایان افراطی اوکراینی در غرب این کشور به موفقیت‌هایی دست یافتند. هر چند در مرحله اول، به علت عدم دستیابی کاندیداها به اکثریت مطلق، تنها تکلیف ۲۰ کرسی از ۴۵۰ کرسی پارلمان روشن شد، اما میزان بالای مشارکت مردم در رأی‌گیری، به جای ۵۰ درصد پیش‌بینی شده، به ۷۵ درصد بالغ شد و بدین ترتیب، امید کمابیش آشکار کراوچوک و نمایندگان پارلمان قبلی برای نرسیدن میزان مشارکت مردم به حد نصاب ۵۰ درصدی لازم برای اعتبار یافتن نتایج انتخابات، تحقق نیافت. نمایندگان پارلمان امیدوار بودند که نتایج آراء اعتباریابد و دوره نمایندگی‌شان تمدید شود. کراوچوک نیز امیدوار بود با عدم انتخاب پارلمان جدید و ادامه وضعیت "پات" در پارلمان، بتواند اختیارات ویژه دریافت کند.

### شکست میانه‌روها در انتخابات اوکراین



لئونید کراوچوک

که محل تمرکز جمعیت روس است، حزب کمونیست به رهبری پیوتر سیموننکو نفوذ زیادی دارد. این حزب در مرحله نخست انتخابات با فرستادن شش نماینده، از جمله رهبر حزب، به پارلمان، موفق‌تر از همه احزاب دیگر بود. در دنیپروپتروفسک واقع در شرق اوکراین، لئونید کورچماکوست وزیر پیشین که در اوکراین امیدهای زیادی متوجه وی به عنوان یکی از معدود شخصیت‌هایی است که شاید بتواند یکپارچگی کشور را حفظ کند، با ۹۱ درصد آراء انتخاب شد. این بهترین نتیجه آراء برای یک کاندیدار کل اوکراین بود. کورچماکوست در انتخابات با نام "اوکراین نو" است. ایوان پلوشچ رئیس پارلمان قبلی و ویاجسلا و چورنوبیل رهبر ناسیونالیست‌های اوکراین نیز از جمله شخصیت‌های مشهوری بودند که در مرحله اول انتخاب شدند. حزب چورنوبیل بنام "روخ"، ساقط کردن کراوچوک از مقام ریاست جمهوری را هدف خود اعلام کرده است. از سوی دیگر، ناسیونالیست‌های روس در شبه جزیره کریمه نیز که خواهان وحدت این منطقه اوکراین با روسیه‌اند، بر نفوذ خود افزوده‌اند. مردم کریمه در یک همه‌پرسی، به پرسش‌های مطرح شده از سوی بوری مشکوف رئیس جمهوری این منطقه پاسخ مثبت دادند. در این referendum، از جمله تصویب شد که بیرون کشد. اوروشن کرد که زیست یک روند تکاملی است و هر نوع یک تاریخ تکاملی دارد، و بین همه انواع در نقطه‌ای از تاریخ حیات بستگی وجود داشته است، و حرکت تکاملی از ساده به بفرنج صورت گرفته است، و انسان نیز حلقه آخری اکنون در این پروسه تکاملی است. داروین کشف کرد که از یکسوم مبارزه زیست با طبیعت و از سوی دیگر مبارزه انواع موجودات زنده با یکدیگر همچون نیروی محرکه این تکامل عمل کرده است. در این نبرد قوی و بهتری باقی ماند و ضعیف و بدتر (بلحاظ میزان انطباق با شرایط و محیط) از میان رفت و لذا انتخاب اصلح صورت گرفت. اصلح مفهوم خود را از توانایی یک نوع برای هماهنگی با محیط و استعداد آن برای بقا می‌گیرد، که با پیچیده تر شدن ارگانیسم و از سوی دیگر پیچیده شدن مناسبات موجود با محیط همراه است. شک نیست که برای طبیعت نهی از خوردن این روند "طبیعی" بود، اگر چه خوردن می‌تواند اشکالات نقشه طبیعت را بازنشاند و آن را مورد

بهرتین نتیجه آراء برای یک کاندیدار کل اوکراین بود. کورچماکوست در انتخابات با نام "اوکراین نو" است. ایوان پلوشچ رئیس پارلمان قبلی و ویاجسلا و چورنوبیل رهبر ناسیونالیست‌های اوکراین نیز از جمله شخصیت‌های مشهوری بودند که در مرحله اول انتخاب شدند. حزب چورنوبیل بنام "روخ"، ساقط کردن کراوچوک از مقام ریاست جمهوری را هدف خود اعلام کرده است. از سوی دیگر، ناسیونالیست‌های روس در شبه جزیره کریمه نیز که خواهان وحدت این منطقه اوکراین با روسیه‌اند، بر نفوذ خود افزوده‌اند. مردم کریمه در یک همه‌پرسی، به پرسش‌های مطرح شده از سوی بوری مشکوف رئیس جمهوری این منطقه پاسخ مثبت دادند. در این referendum، از جمله تصویب شد که

### اخبار کوتاه از اسرائیل

#### توافق جهت استقرار ناظرین بین المللی در الخلیل

نمایندگان سازمان آزادبختن فلسطین (ساف) و اسرائیل در روز ۱۱ فروردین توافق کردند که یک گروه ناظران بین المللی، مرکب از ۹۰ نروژی، ۳۵ دانمارکی و ۱۳۵ ایتالیایی، به مدت سه ماه وضعیت امنیتی در شهر الخلیل را زیر نظر داشته باشند و درباره حوادث این شهر گزارش تهیه کنند. این ناظران مجاز به حمل اسلحه‌های کمتری اند اما وظایف پلیس با ارتش را بر عهده نخواهند گرفت. ساف اعلام کرد این توافق، گام نخست برای حفظ امنیت فلسطینی‌هاست. شیمون پروزیزر خارجه اسرائیل گفت کشورش با این توافق، از یکی از دشوارترین موقعیت‌های دوره اخیر نجات یافته است. وی افزود امیدوار است ساف بدنبال این توافق با سرعت و بطور معقول به مذاکره برای تحقق خودمختاری در نوار غزه و شهر اریحا ادامه دهد. گفتگوها درباره خودمختاری، که بدنبال کشتار مسجد الخلیل قطع شده بود، هفته گذشته در قاهره از سر گرفته شد.

#### عقب نشینی دولت فرانسه در برابر جوانان معترض

ادوار بالا دورنخت وزیر فرانسه بدنبال اعتراضات وسیع جوانان این کشور به قانونی که استخدام افراد زیر ۲۵ سال با دستمزدی پایین تر از سطح حداقل درآمد مجاز می‌شود، این لایحه را پس گرفت. در طول سه هفته اعتراضات جوانان فرانسوی به این قانون، صدها هزار نفر دانش آموز و دانشجو علیه آن دست به تظاهرات زدند و بودند. پس از اعلام عقب نشینی دولت، ده‌ها هزار نفر از جوانان در سراسر فرانسه با برپایی تظاهراتی، پیروزی خود را جشن گرفتند.

#### بیان منفی سازمان ملل در سومالی

به گزارش منابع سازمان ملل، یک گزارش هیات تحقیق مرکب از نمایندگان غنا، زامبیا و فلاندا که تا کنون محرمانه نگه داشته شده است، حاکی است بیان عملیات سازمان ملل در سومالی، که اخیراً با خروج نیروهای آمریکایی و متحدانشان از این کشور خاتمه یافت، بسیار منفی بوده است. در این گزارش آمده است: "لازم است به مردم بیگانه سومالی که بر اثر اقدامات نشأت گرفته از قطعنامه‌های شورای امنیت، متحمل تلفات و صدمات شدند، غرامت پرداخت شود." گزارش مزبور، از یک سو سازمان ملل و به ویژه ایالات متحده، و از سوی دیگر نیروهای ژنرال عید پر درامشور که درگیری‌ها در طول انجام ما موریت نیروهای سازمان ملل دانسته است.

#### حبس ابد برای قاتلان ۳ کمونیست در شیلی

برای نخستین بار پس از برگزاری انتخابات آزاد در شیلی و انتقال قدرت از دیکتاتور نظامی به دولت غیرنظامی، سه افسر پلیس رژیم پینوشه به خاطر قتل سه عضو حزب کمونیست در ۹ سال پیش، به حبس ابد محکوم شدند. محکومین، دو افسر بلند پایه و یک مأمور با بین رتبه سازمان امنیت پینوشه‌اند. ۱۵ مأمور دیگر پلیس، به مدت‌های مختلف حبس محکوم شدند. ۹ سال پیش، سه کمونیست در سانتیاگو با تاخت شیلی ربه شده بودند و اندکی بعد، جنازه‌های آنها که سر از نشان جدا کرده بودند، در حاشیه شهر یافته شد. در حکم اخیر دادگاه علیه قاتلان آمده است رئیس پلیس وقت و تعدادی دیگر از ژنرال‌های پلیس، مانع از انجام تحقیقات درباره این جنایت شده بودند و از این رو باید در یک دادگاه نظامی محاکمه شوند.

#### توافق طرفهای درگیر در جنگ افغانستان

به گزارش سازمان ملل، طرفین جنگ داخلی افغانستان که بیش از سه ماه است که برای تسلط بر کابل پایتخت این کشور، به شدت درگیرند، با برقراری یک آتش بس موقت موافقت کردند. یک سخنگوی سازمان ملل روز هفتم فروردین در اسلام آباد پایتخت پاکستان گفت هدف از این آتش بس، فراهم آوردن امکان دیداریک هیات سازمان ملل از کابل است. وی افزود برهان الدین ربانی رئیس جمهور و گلبدین حکمت یار نخست‌وزیر اسمی افغانستان که طرفداران نشان علیه یکدیگر می‌جنگند، هر دو قول همکاری کامل خود را با هیات سازمان ملل داده‌اند. قرار است بازرسان سازمان ملل نخست از شهر جلال آباد واقع در شرق افغانستان بازدید کنند که در آن، بیش از صد هزار آوازه تحت پوشش سازمان ملل پناه گرفته‌اند. در روز دهم فروردین ماه، دفتر سازمان ملل در کابل اعلام کرد که ربانی و حکمت یار پذیرفته‌اند که از روز ۱۲ فروردین، به مدت پنج روز در کابل آتش بس برقرار شود.

#### شورای امنیت به طرح چین رای داد

روز ۱۱ فروردین، شورای امنیت سازمان ملل در یک بیانیه عاری از تهدید به مجازات، کره شمالی را فراخواند به بازرسان بین المللی اجازه دهد از همه تأسیسات اتمی این کشور بازدید کنند. بیانیه شورای امنیت که به اتفاق آراء تصویب شد، یک پیروزی برای چین محسوب می‌شود که در مقابل طرح قطعنامه پیشنهادی آمریکا، خواهان بیانیه‌ای بدون اشاره به اقدامات بعدی در صورت خودداری کره شمالی از صدور اجازه بازرسی از تأسیسات اتمی‌اش شده بود. با این حال، آمریکا از بیانیه شورای امنیت ابراز رضایت کامل کرد. کشورهای غیرمتعهد، در جریان مذاکرات شورای امنیت خواهان توافق میان اعضای این شورا شده و بدین ترتیب، بطور غیرمستقیم جانب چین را گرفته بودند. کره شمالی بدنبال صدور بیانیه شورای امنیت اعلام کرد که چیزی برای نشان دادن به بازرسان از آنسوی بین المللی انرژی اتمی ندارد. این کشور همچنین پیشنهاد روسیه برای تشکیل یک کنفرانس بین المللی برای حل و فصل مسئله پروژهای هسته‌ای کره شمالی را رد کرد و گفت مذاکرات چند جانبه، مسئله را پیچیده تر خواهد کرد.

مسکو، تنها به ساعت محدود نمی‌شود. در دوتسک قرار است واحد پول، زبان رسمی و تابعیت نیز روسی شود. بویکو هدف درازمدت خود یعنی پیوستن دوتسک به روسیه را پنهان نمی‌کند و می‌گوید: "حال که در کیف ما را بهر صورت تجزیه طلب می‌نماند، می‌توانیم خواست‌های خود را به صراحت مطرح کنیم".

از سوی دیگر، پارلمان آینده عرصه فعالیت ملی گرایان اوکراینی خواهد بود که مخالف نزدیکی به روسیه‌اند. به عنوان نمونه، کنستانتین موروسوف نخستین وزیر دفاع اوکراین که سال گذشته به علت مخالفت با موافقت نامه تحویل ۱۷۶ موشک قاره پیما و حدود ۱۸۰۰ کلاهک اتمی اوکراین به روسیه کنار گذاشته شد، به احتمال زیاد در مرحله دوم به پارلمان راه خواهد یافت. موروسوف می‌گوید که می‌خواهد به "حراج کشورش پایان دهد".

در برابر این دو سوی طیف سیاسی، کراوچوک از یک مشی میانه پیروی می‌کند. وی علیرغم مقاومت در برابر خواست‌های اقلیت روس، می‌داند که بدون پیوستن اوکراین به حوزه اقتصادی روبل و بدون ماندن این کشور در چارچوب جامعه مشترک المنافع، آینده تیره‌ای اوکراین را تهدید خواهد کرد، آینده‌ای که برخی ناظران غربی حتی آن را به یک "بوستنی جدید" تشبیه می‌کنند. کراوچوک هشدار داده است که "افراطیون تنها یک هدف را دنبال می‌کنند: خونریزی". نتیجه انتخابات، نشان خواهد داد که رأی دهندگان در اوکراین، تا چه حد این هشدار کراوچوک را جدی می‌گیرند.

انتقاد خواهد کرد. اما آیا اگر قانون پیشرفت و تکامل طبیعی را بخواهیم به همان شکل به جامعه بشری تعمیم دهیم چه نتیجه‌ای حاصل خواهد شد؟ آیا آنچه را می‌توان بر پایه تئوری داروین عدالت طبیعی نامید می‌توان در مقیاس مناسبات آدمیان نیز بکار گرفت و عدالت نامید؟ آیا عدالت طبیعی و اجتماعی یکی هستند و یا با هم تفاوت دارند؟ آیا در جامعه نیز همانند طبیعت زنده حتی از آن توانا است، یا اینکه حق و داد در جامعه بشری مفهوم و قانون ویژه خود را دارند؟ این پرسش‌ها، که همگی وجوهی از یک پرسش واحد هستند، مهمترین و تعیین کننده ترین پرسش‌ها در بحث داد هستند. آزادی کامل توزیع و تملک امکانات زیستی - اجتماعی بر پایه جبر طبیعی مبنی بر توان، یا کنترل توزیع و تملک امکانات زیستی - اجتماعی بر پایه اختیار نسبی انسانی؟ تکامل جامعه بشری ربه کدامیک از این دو قطب باید باشد؟ داد در مفهوم انسانی آن در کدام سمت قرار دارد؟ ادامه دارد

### پایان راه حلها

اقتداری یافته است که قادر می‌باشد اغلب کشورهای جهان سوم را به زانو در آورد. پرسش: پس می‌گوئید تاریخ به آخر خط خود رسیده است؟ پاسخ: جهان هژمونیک، جهانی بی‌ثبات می‌باشد. برای بقای جوامع و دولت‌ها به چشم اندازهای آلترناتیو نیاز است. آلترناتیو دموکراتیک نیازمند پروراندن اندیشه‌های نو می‌باشد. این جنبش‌ها طی دورانی طولانی به نوعی مورد حمایت دولت‌ها بودند. نمونه‌های این مسئله ناپرورد در تانزانیا، نهرودر هندوستان، ناصر در مصر و تیتو در یوگسلاوی می‌باشند که هر یک جهان بینی‌ای مغایر با جهان بینی تک بعدی کنونی را منعکس می‌کردند.

داد همچون دیگر بدیده‌های اجتماعی بشدت نسبی است و گاه نه تنها یک تمدن و یک جامعه و گروه اجتماعی مهر خود را بر آن می‌زنند بلکه حتی رد پای خود نیز در نظام‌های فکری داد آشکارا بیچشم میخورد. شاید اگر مارکس یک یهودی نبود آنگونه بر بی‌وطنی رنجبران و انترنالیسم جهانی تاکید نمی‌کرد. و شاید اگر نیچه آنقدر تحقیر شد و تنها مانده و ناتوان در برابر عشق و شهوت نبود آنگونه سربه پای اهریمن زور و ظلم و تخریب نمی‌سود و عدالت را از زبان ستم تفسیر نمی‌کرد. مارکس و نیچه دو برداشت بکلی متضاد از داد و حق ارائه دادند، در حالی که آن دو می‌توان گفت بیک اندازه کوشیدند از داروین بهره گیرند. قرن نوزدهم قرن تکامل تئوری تکامل و فلسفه تکامل بود، و قرن تکامل فلسفه مبارزه طبقاتی، می‌توان گفت برجسته ترین ویژگی‌های فکری و فلسفی این عصر توسط داروین، مارکس و نیچه نمایندگی می‌شود. هگل و شوپنهاور نیز هر یک رسالتی در این زمینه بر عهده داشتند. از آنجا که سوسیالیسم - موضوع بحث ما - حاصل قرن نوزدهم و متکی بر علم این سده و شرایط اقتصادی - اجتماعی آن است مناسب می‌دانم که بحث نسبت و عینیت داد را نیز از راه مقایسه آراء اندیشمندان نامبرده پیش ببرم. تئوری تکامل دستاورد بزرگ داروین بود. او نه فیلسوف بلکه دانشمند بود و خود نکوشید تا یک نظام کامل فلسفی برای توضیح مناسبات اجتماعی از تئوری خویش

## داد

واژه شاید را بر تارک احکام و اندیشه‌های نشاناند.

#### نسبیت و عینیت داد

داد همچون دیگر بدیده‌های اجتماعی بشدت نسبی است و گاه نه تنها یک تمدن و یک جامعه و گروه اجتماعی مهر خود را بر آن می‌زنند بلکه حتی رد پای خود نیز در نظام‌های فکری داد آشکارا بیچشم میخورد. شاید اگر مارکس یک یهودی نبود آنگونه بر بی‌وطنی رنجبران و انترنالیسم جهانی تاکید نمی‌کرد. و شاید اگر نیچه آنقدر تحقیر شد و تنها مانده و ناتوان در برابر عشق و شهوت نبود آنگونه سربه پای اهریمن زور و ظلم و تخریب نمی‌سود و عدالت را از زبان ستم تفسیر نمی‌کرد. مارکس و نیچه دو برداشت بکلی متضاد از داد و حق ارائه دادند، در حالی که آن دو می‌توان گفت بیک اندازه کوشیدند از داروین بهره گیرند. قرن نوزدهم قرن تکامل تئوری تکامل و فلسفه تکامل بود، و قرن تکامل فلسفه مبارزه طبقاتی، می‌توان گفت برجسته ترین ویژگی‌های فکری و فلسفی این عصر توسط داروین، مارکس و نیچه نمایندگی می‌شود. هگل و شوپنهاور نیز هر یک رسالتی در این زمینه بر عهده داشتند. از آنجا که سوسیالیسم - موضوع بحث ما - حاصل قرن نوزدهم و متکی بر علم این سده و شرایط اقتصادی - اجتماعی آن است مناسب می‌دانم که بحث نسبت و عینیت داد را نیز از راه مقایسه آراء اندیشمندان نامبرده پیش ببرم. تئوری تکامل دستاورد بزرگ داروین بود. او نه فیلسوف بلکه دانشمند بود و خود نکوشید تا یک نظام کامل فلسفی برای توضیح مناسبات اجتماعی از تئوری خویش

آنچه در مورد آینده دمکراسی پارلمانی در اوکراین تردید ایجاد می‌کند، آرایش قوا در این کشور است. در اوکراین ۱۲ میلیون روس زندگی می‌کنند. در شرق اوکراین

ادامه از صفحه ۷

جامعه جهانی در سمت نوسازی بر پایه برابری همگانی در برخورداری از حق زیست و بهزیستی و بهره‌مندی از امکانات جامعه، و نفی تمییز و ستم و آنتا گوئیسم در مناسبات انسان‌ها و همه انواع گروه‌بندی‌های اجتماعی و جهانی کردن کنترل جامعه بشری، و کنترل این جامعه در همه آن زمینه‌هایی که بهزیستی و صلح و پیروزی این جامعه بدان نیازمند است. همچنین تغییر موضع جامعه بشری از حالت ستیز با جهان زنده و طبیعت زمینی به حالت وحدت با آنها و وسیع امکانات بشر برای نجات هستی زنده در انواع آن، و برای نجات طبیعت و هماهنگی زیست ساز آن. در مرکز این تلاش دادورانه همانا دفاع از زیست و تداوم و تکامل آن و مقابله با روندها و نهادهای رنج آفرین در جامعه و جهان زنده قرار دارد. خورد آدمی مرهمی باید بشود بر زخم هستی زنده! و شاید این خوردن زخم کهنه را بهبود بخشد، و شاید روزی بیاید که گیاه خواران اقلیت ناچیزی از جامعه گوشه‌خوار نباشند، و شاید روزی بیاید که انسان در تاملین انرژی زیستی خود نیازمند تغذیه از دیگر موجودات زنده نباشد، و شاید آدمیانی زاده شوند که برای آنها دندان، این وسیله دریدن به همان اندازه زائد باشد که آپاندیس است. آری، کیوتروویای من می‌تواند فراتر از کرکس بیداد به پرواز درآید. و بگذارد به پرواز درآید. بگذارد از زرفای جهان خیس از خون پنجه‌ای به روی آرمان‌های نیک آدمی بگشاید. خود اگر چه در توانایی این آدمی برای دستیابی به آرزوهای نیمه نیک خویش بیشترین تردید را داشته باشیم. تردیدی که همه جا

## پیروزی بنیاد گرایان اسلامی در انتخابات شهرداری های استانبول و آنکارا

### عفو بین الملل:

### ترکیه پناهندگان را اخراج می کند

همچنین از همه کشورهای دیگر خواسته است هیچ پناهنده غیر اروپایی را به ترکیه پس نفرستد زیرا برای آنان در این کشور امنیت جانی وجود ندارد.

در بیانیه عفو بین الملل آمده است ترکیه می گوید منشور حقوق پناهندگان، مصوب ۱۹۵۱ در ژنو، تنها شامل حال پناهندگان اهل کشورهای اروپایی است. با اینکه این منشور مدت ها است که شامل حال پناهندگان سراسر جهان می شود، ترکیه این امر را به رسمیت نمی شناسد و مقرراتی برای نحوه رفتار با پناهندگان غیر اروپایی ندارد. با این حال بین ترکیه و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) یک توافق غیر رسمی وجود دارد که به موجب آن، متقاضیان پناهندگی از کشورهای غیر اروپایی تا زمانی که UNHCR به تقاضایشان رسیدگی کند و بتوانند به کشور ناشی بروند، می توانند در ترکیه بمانند. عفو بین الملل خاطر نشان کرده است اکنون به نظر می رسد ترکیه دیگر در همه موارد به این توافق پایبند نیست.

سازمان عفو بین الملل گزارش داد که ترکیه علیرغم خطراتی که جان پناهندگان را در کشورهای مبدأ تهدید می کند، اقدام به اخراج آنها می نماید. این گزارش حاکی است در ماه های اخیر ۳۰۰ عراقی، ۱۶ ایرانی و ۲ تونسی با اینکه جانانشان در کشورهای مبدأ در خطر بود، از سوی ترکیه به کشورهای خود بازگردانده شده اند. یک سخننگوی عفو بین الملل اظهار داشت اکثر این عده کرد بوده اند. در میان اخراج شدگان از ترکیه، افرادی نیز وجود داشته اند که پناهندگی آنها به رسمیت شناخته شده بود و منتظر انتقال به کشورهای ثالث بودند. عفو بین الملل خاطر نشان کرده است که ترکیه با این اقدام خود، مقررات بین المللی را که به موجب آن، هیچ پناهنده ای را نباید به کشوری که در آنجا حیس، شکنجه یا اعدام در انتظار او است اخراج کرد، نقض کرده است.

سازمان عفو بین الملل در بیانیه خود که روز ۱۰ فروردین در لندن انتشار یافت، ترکیه را فراخواند به تعهدات بین المللی خود عمل کرده، ضمن تأمین رسیدگی عادلانه به تقاضاهای پناهندگی، کسی را به کشوری که در آن جاننش در خطر باشد نفرستد. عفو بین الملل



اردوگان، شهردار آینده استانبول از حزب اسلامی رفاه

بویژه زنان توسط افراطیون اسلامی افزایش یافته است. در استانبول و آنکارا زنانی که از نظر بنیاد گرایان، پوشش غیر اسلامی دارند، در خیابان مورد حمله افراطیون قرار گرفته و به آنها تحکم شده است که روسری یا چادر بپوشند. همچنین گروه های ضربت بنیاد گرایان، به اتوبوس ها و قطارها هجوم برده و در آنها زنان و مردان را به زور از یکدیگر جدا کرده اند. استاندار استانبول گفته است که علیه اینگونه اقدامات افراطیون، تدابیر سختی اتخاذ خواهد کرد.

نورم در ترکیه ممکن است در آینده نزدیک سه رقمی شود. حزب رفاه در صدد است مهر خود را بر چهره استانبول بکشد. طیب اردوگان شهردار آینده گفته است که نخستین اقدام او، بستن عشرتکده ها خواهد بود. همچنین در در استوران های متعلق به شهرداری و نیز در مراسم رسمی، مشروب الکلی ممنوع خواهد شد. قرار است در میدان تقسیم استانبول، در محاورت بنای یادبود آتاتورک، بنیانگذار جدایی دین و سیاست در ترکیه، یک مسجد بزرگ به انضمام یک "مرکز فرهنگی" اسلامی ایجاد شود. پس از انتخابات شهرداری های ترکیه، گزارش های زیادی از تقلب در این انتخابات منتشر شده است. مطبوعات ترکیه می نویسند هزاران برگ رأی به احزاب رقیب حزب رفاه، در اماکن جمع آوری زباله و زیرزمین مدارس و مساجد کشف شده است. علاوه بر این، در استانبول چاپخانه هایی کشف شده اند که اوراق رأی تقلبی چاپ می کرده اند. مقامات دادستانی در استانبول و آنکارا تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کرده اند. بدنبال موفقیت بنیاد گرایان در انتخابات، تهدیدات علیه مردم و

کماکان بزرگترین حزب ترکیه باقی بماند. این حزب، انتخابات شهرداری امیر، سومین شهر بزرگ ترکیه را به سود خود تمام کرد. در حالی که نظرسنجی های پیش از انتخابات، حاکی بود که حزب خانم چیلدر نخواهد توانست به بیش از ۱۴ درصد آرا دست یابد، پس از شمارش آرا سهم این حزب به حدود ۲۶ درصد بالغ شد. با این حال، انتخابات اخیر برای دولت یک شکست بود زیرا سوسیال دمکرات ها که در ائتلاف حاکم شرکت دارند، متحمل شکست سختی شدند. آنها در حالی که در انتخابات چهار سال پیش شهرداری ها نزدیک به ۳۰ درصد آرا را به دست آورده بودند، این بار به ۱۲ درصد آرا سقوط کردند. در مجموع، دولت آنکارا بخش بزرگی از آرای خود را از دست داد. علت اصلی این شکست، وخامت وضع اقتصادی ترکیه است. تورم در این کشور، درآمد مردم را پیوسته کاهش می دهد. ناظران می گویند پس از انتخابات موج جدیدی از گرانی خواهد آمد چرا که بسیاری از مؤسسات دولتی برای گران کردن نرخ کالا و خدمات خود، منتظر سپری شدن مبارزه انتخاباتی بودند. گفته می شود نرخ

استانبول و آنکارا، بزرگترین شهرهای ترکیه، در آینده شهرداران بنیادگرا خواهند داشت. در انتخابات هفتم فروردین شهرداری های ترکیه، حزب اسلامی رفاه در استانبول به ۲۵/۵ درصد آرا دست یافت و حزب "مام وطن" را که تا سال گذشته زمام امور را در ترکیه در دست داشت، پشت سر گذاشت. حزب "مام وطن" در استانبول با ۲۲/۳ درصد آرا در دوم قرار گرفت. بدین ترتیب، طیب اردوگان کاندیدای حزب رفاه جای شهردار سوسیال دمکرات استانبول هشت میلیونی را خواهد گرفت. در آنکارا نیز کاندیدای بنیادگرایان با ۲۷/۷ درصد اکثریت نسبی را به خود اختصاص داد و رقیب سوسیال دمکراتش به ۲۶/۹ درصد آرا دست یافت. در ۱۹ استان از ۷۶ استان ترکیه، حزب رفاه به نیرومندترین حزب تبدیل شده است. این حزب در قیاس با دوره قبلی انتخابات شهرداری ها، آرای خود را دو برابر کرده و اکنون در مقیاس کل ترکیه با ۱۸/۳ درصد آرا، در مقام سوم قرار دارد. برخلاف پیش بینی های متکی بر نظرسنجی ها، حزب "راه راست" تانسو چیلدر نخست وزیر ترکیه توانست در انتخابات شهرداری ها

کثرت را نیز مانند گروه شرکت های، که از شبکه های تلویزیونی و سینمایی، مؤسسات تکثیر نوارهای ویدئویی، بنگاه های انتشاراتی، شرکت های بیمه، فروشگاه ها و تیم فوتبال آ. ث. میلان را در بر می گیرد، اداره کند. اما بلافاصله پس از انتخابات، آشکار شد که کاربرد برلوسکونی، مدعی شماره یک نخست وزیری ایتالیا، چندان هم ساده نخواهد بود. نیی از آراء ائتلاف راست را کاندیداهای نئوفاشیست ها و اتحادیه شمال به دست آورده اند و برلوسکونی برای کسب اکثریت در مجلس نمایندگان و ستا، به هر دو متحد خود وابسته است. در ستا، مجموعه این سه گروه نیز اکثریت مطلق ندارد و معلوم نیست که راستگرایان برای تأیید الزامی نخست وزیری برلوسکونی در ستا چه کار خواهند کرد.

در بازار سیاست، خلاء ای ایجاد شده است که باید با عرضه کالایی جدید، آن را پر کرد. "ایتالیا به پیش" برلوسکونی، که در دو ماه اخیر، همه امکانات رسانه ای او، از سه شبکه تلویزیونی گرفته تا نشریات متعدد متعلق به وی، در راستای تبلیغ انتخاباتی برای آن بسیج شدند، کالایی است که در ایتالیا خریدار یافته است. بخشی از مردم ایتالیا، پس از فروپاشی رسوایی آمیز نخستین جمهوری در این کشور، چشم به راه مرد قدرتمندی بودند که آلوده به نظام سیاسی پیشین نباشد و بتواند ایتالیا را از بحران سیاسی که با بحران شدید اقتصادی نیز همراه شده است، نجات دهد. برلوسکونی با درک این نیاز، با موفقیت کوشید خود را به عنوان این ناجی معرفی کند. به ویژه این واقعیت که برلوسکونی توانسته است ظرف مدت نسبتاً کوتاهی به یک میلیاردر تبدیل شود، این تصور را در بخشی از مردم، و شاید خود برلوسکونی، به وجود آورده است که او خواهد توانست

### نیروهای راست در انتخابات ایتالیا پیروز شدند

برلوسکونی مبتکر یک ائتلاف جدید راست شد. علاوه بر "ایتالیا به پیش"، نئوفاشیست های "اتحاد ملی" به رهبری جیانفرانکو فینی و گروه "اتحادیه شمال" در این ائتلاف شرکت دارند. "اتحادیه شمال" به رهبری اومبرتو بوسی در سال های اخیر در شمال ایتالیا به عنوان یک نیروی سیاسی جدید فعال شده و توانسته است با تکیه بر گرایش های جدایی طلبانه در مقابل جنوب، نفوذ زیادی یابد. "اتحادیه شمال" مبلغ این است که جنوب فقیر و عقب مانده، از ثروت و رفاه شمال صنعتی ایتالیا سود می برد، و باید به این وضع خاتمه داد. از نظر "اتحادیه شمال"، جنوب ایتالیا بیشتر به شمال آفریقا نزدیک است تا به اروپا. اومبرتو بوسی با اظهارات مکرر خود علیه مهاجرین آفریقایی و مسلمان، به عنوان یک سیاستمدار نژاد پرست شناخته شده است. در مورد شخص برلوسکونی، این تحلیل صادق است که او مانند هر سرمایه دار دیگری که جز به سود خود نمی اندیشد، تشخیص داد که در صحنه سیاست ایتالیا، خلأ بزرگی ایجاد شد که نیروهای مختلف کوشیدند آن را پر کنند. از یک سو، حزب کمونیست که دامنهش به عنوان تنها حزب بزرگ از آلودگی پاک مانده بود، با نام و برنامه جدید سوسیال دمکراتیک خود تحت عنوان حزب دمکراتیک چپ وارد این رقابت شد. کمونیست های ایتالیا که سازمان خود را از دمکرات های چپ به رهبری آکیله اوکه تو جدا کرده اند، به همراه سبزه ها، جنبش ضد مافیای و سایر نیروهای چپ، متحدین انتخاباتی حزب چپ دمکراتیک اند. در مقابل این جبهه، سیلیو

ائتلاف نیروهای راستگرا، موسوم به "قطب آزادی"، در انتخابات پارلمانی هفتم و هشتم فروردین ایتالیا پیروز شد. این ائتلاف سه گانه، که از جریان "ایتالیا به پیش"، حزب فاشیستی "اتحاد ملی و نیروی جدایی طلب" اتحادیه شمال تشکیل شده است، توانست ۳۶۶ کرسی مجلس نمایندگان را به خود اختصاص دهد. در مقابل، ائتلاف تریخووا چپ، متشکل از حزب چپ دمکراتیک (حزب کمونیست سابق)، نیروی "تجدید سازمان کمونیستی"، سبزه ها، سوسیالیست ها و نیروی ضد مافیایی "شیکه"، در مجلس نمایندگان تنها ۲۱۳ کرسی خواهد داشت. "حزب مردم"، که جانشین حزب دمکرات مسیحی، حزب حاکم ده ها ساله ایتالیا شده است، به همراه متحدانش حتی به ده درصد کرسی ها نیز دست نیافت. بدین ترتیب، راستگرایان در مجلس نمایندگان اکثریت مطلق دارند. در مجلس ستا، وضعیت متفاوتی حاکم خواهد بود. در این مجلس، ائتلاف راست ۱۵۵ نماینده و جبهه چپ ۱۲۲ کرسی خواهد داشت. علیرغم اینکه راست ها در ستا نیز بزرگترین نیرو خواهند بود، در این مجلس اکثریت مطلق نخواهند داشت زیرا ۳۸ نفر از ستا توره ها، وابسته به نیروهای میانه نظیر حزب مردم و یا مستقل اند.

ائتلاف پیروزمند راست در ایتالیا، آمیزه ای از نژاد پرستی، فاشیسم و پوپولیسم راست است. سیلیو برلوسکونی، رهبر "ایتالیا به پیش"، صاحب سه شبکه تلویزیونی خصوصی ایتالیا است. وی که یکی از نیرومندترین افراد این کشور محسوب می شود، پس از فروپاشی نظام چند حزبی نزدیک به پنجاه ساله ایتالیا، فرصت را برای پا گذاشتن به عرصه سیاست این کشور مناسب تشخیص داد و با تأسیس جنبش بنام "ایتالیا به پیش"، کوشید خلأ ناشی از



فینی



برلوسکونی